

# آموزش فا در کنفرانس (۶)

## لی هنجی

---

### فهرست

۲.....	آموزش فا در عید پاک، در کنفرانس فای نیویورک ۲۰۰۴
۷.....	آموزش فا در جلسه با شاگردان آسیا-اقیانوسیه‌ای
۴۰.....	آموزش فا در کنفرانس فای ۲۰۰۴ واشنگتن دی سی

## آموزش فا در عید پاک، در کنفرانس فای نیویورک ۲۰۰۴

لی هنگجی، ۱۱ آوریل ۲۰۰۴

درودا! (حضار: درود استاد! تشویق)

اینجا یک فرصت عالی داریم. (تشویق) افراد زیادی برای این کنفرانس فا به اینجا آمده‌اند، حدود ۴۰۰۰ نفر به نظر می‌رسند. (استاد می‌خندند) با نگاهی به موقعیت کنونی، می‌خواهم بگویم که در مورد وضعیت کلی اصلاح فا، مریدان دافا بسیار خوب در سه قلمرو عمل کرده و نقشی حیاتی ایفا کرده‌اند. استاد از همه شما به خاطر این موضوع تشکر می‌کند. (تشویق گرم)

در تمام مدت این چند سال اخیر، تحت آزار و اذیت شدید بوده‌ایم. اصلاح فا ذاتاً چیزی جدی است که بر تمام چیزهای زنده اثر می‌گذارد. بدن کیهانی بی‌اندازه بزرگ است و تعداد موجودات، بی‌شمار است - آن قدر زیاد است که غیر قابل شمارش است. حتی بر روی یک ذره بسیار کوچک، موجودات بی‌شمار و غیر قابل شمارش بسیاری وجود دارند. بنابراین چنین بدن کیهانی عظیمی چه تعداد موجود دارد؟ اصلاح فا بر چیزی به این بزرگی اثر می‌گذارد و با این حال نیروهای کهن به همراه تعدادی موجودات سطح پائین که از آن‌ها استفاده می‌کنند و هر چیز دیگر، در حال مداخله با اصلاح فا هستند، وابسته هستند چنانچه گویی آن‌ها برای خواسته‌هایشان هستند و در حال استفاده از هر ابزار قابل‌تصوری در جهت تلاش برای هدایت اصلاح فا هستند. گناه بسیار عظیمی است. این برای من روشن است که نیروهای کهن و آن موجودات کهن پایانی پایانی، می‌خواهند که از این اصلاح فا استفاده کنند تا موجوداتی را که آن‌ها نمی‌خواهند نگه داشته شوند از بین ببرند و به همین دلیل است که برخی از موجودات را وادار می‌کنند که با اصلاح فا مداخله کنند. حتی یک ذره اختلال یا ذره‌ای بی‌احترامی نسبت به دافا، توسط نیروهای کهن یا موجوداتی که قادر نیستند دافا را به شکل درستی ببینند - و هیچ کدام از آن‌ها خارج از این مقوله نیستند - به این معنی است که آنان نمی‌توانند باقی بمانند. در نهایت، آن عوامل کهن سطح بالا می‌خواهند که از موجودات بسیاری که آن‌ها نمی‌خواهند، خلاص شوند و این دلیل آن است که چرا آن‌ها تعداد بسیار زیادی از موجودات را بیرون دادند و راهنمایی کردند تا کارهایی را انجام دهند که با اصلاح فا تداخل ایجاد می‌کند. در سطحی بنیادی می‌دانند که هیچ موجودی در هر سطحی که باشد نمی‌تواند به اصلاح فا آسیب برساند. در حالی که مسائل اساسی را کنترل می‌کنم، آن موجودات پایانی در قلمروهای مربوطه‌شان، به خاطر حفظ جان خود در حال زیر نظر داشتن ایمنی این امر هستند و تعداد موجوداتی که می‌خواهند از بین ببرند به تمام معنا زیاد است.

در اوایل اصلاح فا چیزی را متوجه شدم: این که هر وقت بخواهم هر گروه از موجودات در هر سطحی را کنار بگذارم [و محو کنم]، چیز زیادی برای گفتن یا انجام دادن لازم نیست - یک فکر، هر چیزی را متلاشی می‌کند و این بی‌نهایت سریع است. به هر حال در اصلاح فا، حفظ موجودات بخصوصی، با چالش‌هایی یکی روی دیگری انباشته شده، چیزی است که انجام آن بی‌نهایت سخت است؛ موجوداتی که با اصلاح فا تداخل ایجاد کرده‌اند، در حالی که با اصلاح فا همان‌گونه که انجام دادند مداخله کردند، شایستگی آن‌را ندارند که اکنون باقی بمانند. بنابراین در اصلاح فا، یک‌بار که موجودی درگیر شود و تأثیر تداخلی داشته باشد، چیزی که نمی‌پذیرم، آن در خطر وحشتناکی است. اینجا در حال گفتگو به‌طور اساسی هستم. در این فرآیند، در همه اقلیم‌ها و در همه سطوح، موجوداتی که بر اصلاح فا اثر می‌گذارند، همگی به روش خاص خودشان عمل می‌کنند و در سطوح و اقلیم‌هایشان متفاوت هستند؛ و با بودن در اقلیم‌هایی که در آن هستند، درک و فهم متفاوتی از اصلاح فا دارند. آن به این دلیل است که آشفتن ناشی از درک و فهم‌های متفاوت از اصلاح فا در سطوح بسیار زیاد و [این که] موجودات زیادی به [آن درک و فهم‌ها] اعتقاد دارند، اعمال انبوهی از موجودات منحط در مرحله پایانی قانون کهن شکل‌گیری - ایستایی - انحطاط - نابودی را به‌طور کامل منعکس کرده است.

بنابراین "تعداد بی‌شماری از موجودات" چه معنایی دارد؟ دربارهٔ این بیندیشید: حتی با هر گروه نژادی یا هر کشوری در این زمین کوچک، هر وقت که چیزی اتفاق می‌افتد تعداد کثیری از مردم هستند که در توافق با آن هستند و تعداد کثیری نیز مخالف آن و مردم همه نوع برداشت‌هایی از آن خواهند داشت. پس با این کیهان - چنین بدن کیهانی عظیمی - و اصلاح فا - چنین چیز اصلی‌ای - و وقتی وضعیت طوری است که موجودات متوجه نیستند که افلاک عظیم در چه خطری است یا خطری که تمام موجودات با آن مواجه هستند و وقتی آن، طوری است که اصلاح فا علایق حیاتی همهٔ موجودات را دربرمی‌گیرد، می‌توانید تصور کنید که چگونه موجودات عکس‌العمل متفاوتی خواهند داشت و چگونه همهٔ این چیزها پیچیده هستند. تعداد زیادی از شاگردان فکر کرده‌اند، "خوب پس با اعتبار بخشی به فا، اگر می‌توانستم آنچه را که در بُعدی دیگر اتفاق می‌افتد ببینم، می‌توانستم بهتر عمل کنم". اما حقیقت این است که در موارد معدودی وقتی چشم سوم افراد باز است و می‌توانند آن چیزها را ببینند، درواقع بیشتر مستعد این هستند که توسط آن، مورد مزاحمت و تداخل قرار بگیرند. تعداد کمی از مردم نیز وابستگی‌هایشان سبب شد آنچه را که آن‌ها دیدند، با تزکیه و اعتبار بخشی‌شان به فا ایجاد اختلال کند. این دلیل آن است که چرا فکر می‌کنم که در طول این دوره، بهترین راه برای رفتن این است که از مقدار زیاد مطالعهٔ فاطمینان حاصل کرد. اگر هر مرید دافا بتواند هر چیزی را با فاطماریابی کند، چیزها را در یک راه حتی درست‌تری پیش می‌برد و آن‌گاه شاگردان ما دچار مشکلات نخواهند شد، خواه [بُدهای دیگر] را ببینند یا نه. این بدین دلیل است که با فاطماریابی، می‌توانید با شرایط فاطماریابی بروید. مهم نیست که موجودات دیگر در چه حالت‌هایی قرار دارند، هیچ‌یک از تجلیات پیچیدهٔ گوناگون پیوسته درحال تغییرشان نمی‌تواند با یک مرید دافا تداخل ایجاد کند.

بنابراین با نگاهی به موقعیت جاری، کل جریان عظیم اصلاح فا به بیرونی‌ترین پوسته نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شود و به آنچه که بالاترین، آخرین، بزرگ‌ترین و مرکزی‌ترین است نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شود. گفته‌ام که بسیاری از پیش‌گویی‌ها در تصویرگری‌شان از لحظه‌های پایانی صحیح نیستند؛ در مورد پیشرفت چیزها در امتداد راه کاملاً درست بوده‌اند اما در انتها به هم خورده‌اند. دلیل، این است که گرچه سیستم کیهانی ما، ورای هرگونه قیاسی عظیم است، اما مفهوم تعدد بدن‌های کیهانی، به همراه تعداد بی‌شماری از موجودات که دربارهٔ آن‌ها صحبت کرده‌ام، همگی داخل این سیستم هستند. و این آزار و اذیتی که نیروهای شکل گرفته شده از موجودات کهن، نظم و ترتیب دادند تا مریدان دافا را مورد "آزمایش" قرار دهند، به همراه دلایل بخصوصی که نیروهای کهن پدید آمدند، خود اصلاح فا، موجودات که نجات یابند و مانند آن، همگی داخل محدودهٔ این [سیستم] هستند. اما این کیهان عظیم ما، مهم نیست چقدر آن بزرگ است، تنها چیزی نیست که در کیهان موجود است؛ عواملی ورای این کیهان وجود دارند و این عوامل همگی به این موضوع بنیادین که آیا کیهان می‌تواند وجود داشته باشد یا نه ارتباط دارند. آن عوامل، حتی میکروسکوپی‌تر هستند و همهٔ تغییراتی [که هویدا شده‌اند] به وسیلهٔ آن عوامل عظیمی که در اصلاح فا تحت تاثیر قرار گرفتند باعث شده است.

به عبارت دیگر، این موضوع مطرح است که آیا بعد از این که اصلاح فا را تمام کردم این کیهان می‌تواند به‌طور مستقل وجود داشته باشد. به عنوان یک مقایسه، اگر تویی را وسط هوا نگه‌دارید، به محض این که آن را رها کنید به پایین خواهد افتاد و به محض این که یک بالون را رها کنید پرواز خواهد کرد. این مقایسه‌ها کاملاً دقیق نیستند، فقط برای آن است که ایده‌ای به شما بدهد؛ در حقیقت کاملاً مانند آن نیست. لازم است که روی عوامل ورای کیهان نیز کار شود، اما هر موردی که باشد، کار کردن روی آن چیزها در طول اصلاح فا، دیگر موضوعی نیست. آن عوامل، داخل محدودهٔ بدن کیهانی غول‌آسای این سیستم کیهانی ما نیستند. هر چیزی که قرار بود در طول اصلاح فا انجام شود و نیز نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن و این که چگونه همهٔ موجودات عمل کنند نیز شامل آن می‌شود، داخل این محدوده هستند. مسائل ورای این محدوده، دیگر وجود ندارند. اما وجودشان باعث یک جداسازی در جهان ذره‌بینی شد و این جداسازی، دنیای بشری رویه‌ای‌ترین پایانی را جدا شده نگه می‌دارد. درحال حاضر اصلاح فا در مرحلهٔ حل کردن این مشکلات است. بعد از این که مشکلات حل شوند، پس از آن اصولاً هر چیزی حل می‌شود. در آخرین سخنرانی فا گفتم که در حقیقت درحال حاضر این کیهان کامل شده است و منظور من این بود.

گرچه بیش از چهار سال گذشته است، اما این آزار و اذیت تمام نشده است و این بدین دلیل است که دلایل نهایی هنوز به‌طور کامل حل نشده است. اما وضعیت کلی دست‌خوش تغییرات فوق‌العاده‌ای شده است. همان‌طور که دیده‌اید، عوامل شیطانی خیلی خیلی کم شده‌اند و کمک‌کنندگان تاریک که از شما خواستیم آن‌ها را پاک‌سازی کنید، آن خدایان بدی که وارد سه قلمرو شدند، آن‌ها نیز تا نقطه‌ای پاک‌سازی شده‌اند که فقط تعداد کمی از آن‌ها باقی مانده است. به همراه این، خارج از سه قلمرو، تعدادی از موجودات سطح بالا که نقشی منفی ایفا کرده‌اند در مرحله پاک‌سازی شدن هستند. بنابراین همچنان که درحال حاضر امور پیش می‌روند، بدلیل این که نیروهایی که بر اصلاح فاعل تأثیر می‌گذارند کاهش یافته‌اند و تمام عوامل مختل‌کننده در سه قلمرو به‌طور زیادی کم شده‌اند، مردم در این دنیا حتی بیشتر آگاه می‌شوند. و این فقط مردم در این دنیا نیستند، بلکه همه موجودات در سه قلمرو درحال بیدار شدن هستند و برای خودشان درباره امور فکر می‌کنند. هنوز هم تعداد کمی از مردم هستند که به‌خاطر تبلیغات شیطان تا اندازه‌ای سردرگم هستند، اما وقتی شما به‌خوبی چیزها را تشریح می‌کنید همان‌طور که حقیقت را آشکار می‌کنید، مردم بلافاصله آن‌را خواهند گرفت چراکه دیگر کنترل شیطان، زیاد درحال عمل کردن نیست.

در فرایند آشکارسازی حقیقت، مریدان دافا واقعاً درحال ایفای نقش مهمی هستند و آن‌ها کار بزرگی انجام داده‌اند. اوضاع شما کاملاً سخت و خشن است؛ حتی مردم دیگر می‌دانند که فالون‌گونگ پولی ندارد. تعدادی از مریدان دافا در مضیقه هستند. اما در این موقعیت لازم است تصویری را که بر اجتماع و مردم عادی منعکس می‌کنید در نظر بگیرید، زیرا یک مرید دافا در هر کجا که باشد باید یک فرد خوب باشد، درست است؟ بنابراین در جامعه معمولی، در محیط کار، در خانواده یا با هر آنچه که ممکن است در تقابل و تعامل باشید، باید در مردم تصویر مثبتی از مریدان دافا برجای گذارید. منابع شما محدود است و این دلیل این است که چرا بسیار طاقت‌فرسا و سخت است که انجام داد. اما حتی اگر چنین باشد، هنوز باید مسیر اصلاح فایمان را مسیری مستقیم و درست سازیم و نمی‌توانیم بی‌راهه برویم. اگر قرار است که آن‌را مسیری مستقیم سازیم، پس، خوب، می‌دانید، فقط یک مسیر وجود دارد که مستقیم است و فقط یک قدم خارج از مسیر به معنی انحراف است. ما نمی‌توانیم به انحراف برویم و این بدین معنی است که راه ما برای پیمودن آن‌طور که به نظر می‌رسد خیلی پهن یا آسان نیست. نمی‌توانید هرطور که مایلید عمل کنید یا هرچه را که بخواهید انجام دهید - اگر این‌طور می‌بود، فاعل نمی‌توانست درست باشد. باید مسیر اعتبار بخشی‌تان به فاعل را مسیری مستقیم و درست سازید. هر یک قدم، هر یک کار، شامل کلمات و اعمال یک مرید دافا و رفتارشان در هر جنبه در اجتماع باید درست باشد. تا جایی که به این موضوع مربوط می‌شود، مریدان دافا در کل در انجام آن اصولاً موفق شده‌اند و تصویر مریدان دافا که به مردم دنیا ارائه شده تصویر خوبی است. اکنون اعضای اجتماع کاملاً در مورد این موضوع روشن هستند و می‌دانند که مریدان دافا همگی افراد خوبی هستند و نه فقط افراد خوب بلکه بهترین توده مردم هستند. واقعیت این که مردم در این دنیا می‌توانند به این امر پی‌ببرند نتیجه فداکاری‌های بزرگ و کوشش‌های پرزحمت مریدان دافا در اعتبار بخشی به فاعل است؛ فقط با این چیزها است که مردم دنیا آمده‌اند که به این امر پی‌ببرند. چنین تعداد زیادی از موجودات وجود دارند، بیش از ۷ میلیارد نفر در این دنیا وجود دارند و به نسبت کل دنیا، مریدان دافا مثل قطره‌ای در اقیانوس هستند. بنابراین چقدر از خودگذشتگی باید کرده باشید تا به این برسید؟ چقدر تلاش بایستی صرف کرده باشید؟ فوق‌العاده، واقعاً فوق‌العاده! (تسویق)

به‌دلیل این که مردم دنیا بیدار شده‌اند، درحال حاضر ادامه دادن این آزار و اذیتی که شیطان ایجاد کرد سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. پیرامون این کره، موجودات شیطانی درحال از دست دادن محیطی که برای انجام شیطنت‌شان نیاز دارند هستند و در چین نیز درحال از دست دادن محیطی که نیاز دارند هستند. درباره این مسئله دیده و شنیده‌اید و در انجام کار برای آشکارسازی حقیقت این را خوب فهمیده‌اید. درحال حاضر در سرزمین چین بسیاری از مردم توسط این آزار و اذیت رنجیده شده‌اند. البته افرادی هستند که هنوز حقیقت را نمی‌دانند و در این موقعیت آن موجودات منتظر مریدان دافای ما هستند که خبرهای خوب و حقیقت وضعیت را بیشتر بیاورند. اما همیشه افرادی وجود دارند که مثل بقیه نیستند. اگر همه مطابق معمول می‌بودند، آن‌گاه اصلاح فای وجود نمی‌داشت. اگر تمام موجودات در کیهان مطابق معمول می‌بودند، آن‌گاه واقعاً هیچ‌گونه اعتبار بخشی به فاعل وجود نمی‌داشت. دقیقاً به‌خاطر این که آن‌ها مطابق معمول نیستند است که واقعاً حالت رفتار موجودات کیهان گذشته در طول آخرین مرحله شکل‌گیری - ایستایی - انحطاط - نابودی را به نمایش می‌گذارند.

به دلیل این که اصلاح فا هنوز به پایان نرسیده است، اگر چه مردم در حال آگاه شدن از آزار و اذیت مریدان دافا هستند ولی اخلاقیات مردم دنیا هنوز به سرعت در حال افول است و آن بی‌نهایت هراس‌انگیز است. هر چه زمان انتها طولانی‌تر شود، وقتی به نجات موجودات آینده مربوط می‌شود ... آن، چالشی را برای من مطرح نمی‌کند و حتی اگر به جهنم هم سقوط کرده باشید هنوز می‌توانم آن‌را انجام دهم، اما این که آن هنوز ارزش انجام داشته باشد و این که هنوز بتواند انجام شود، جای سؤال خواهد داشت. در حالی که مریدان دافا حقیقت را آشکار می‌کنند، وقتی به مردم دنیا اجازه می‌دهند که حقیقت را ببینند، تا حدودی در متوقف کردن افول اخلاق بشر اثر دوبرابری دارد.

البته مریدان دافا و من هر چیزی را که به نیروهای کهن مربوط می‌شود تصدیق نمی‌کنیم. دافا، مریدان دافا را ساخته است و مریدان دافا قطعاً همان‌طور که تزکیه می‌کنند از فا محافظت خواهند کرد. اما توانایی مریدان دافا برای اعتبار بخشی به فا به منظور تحمل این آزار و اذیت نیست و حتی کمتر، به منظور آشکارسازی حقیقت در میان مردم دنیا است. من فقط از مریدان دافا خواستم تا حقایق را آشکار کنند زیرا آزار و اذیت انجام گرفته و این موقعیت را به وجود آورده است. روشن‌تر بگوییم، مریدان دافا برای آشکارسازی حقایق نیست که وجود دارند؛ ما آن‌را انجام می‌دهیم زیرا نیروهای کهن مسبب این آزار و اذیت شدند و ما انتخاب دیگری نداشتیم. در حال استفاده از این آزار و اذیت هستیم در حالی که با آن مقابله می‌کنیم و همان‌طور که حقیقت را آشکار می‌کنیم در حال بنیان گذاشتن تقوای حتی عظیم‌تری برای مریدان دافا هستیم. آنچه که مریدان دافا داده‌اند، مطلقاً بیهوده نخواهد بود.

همان‌طور که می‌دانید، قانونی وجود دارد که بخشی از هر دو قوانین کیهان قدیم و قوانین کیهان جدید است: مهم نیست در هر بُعدی از کیهان یا در هر محیطی، یک موجود چه نوع سختی‌ای را تحمل می‌کند یا چه بخشش و برکتی دریافت می‌کند، بازپرداخت وجود خواهد داشت - یا پاداشی برای خوبی یا کیفر برای کاری اهریمنی و مطمئناً این‌طور است. پس از آنجا که مریدان دافا کارهای زیادی برای موجودات انجام داده‌اند، هیچ‌کدام از فداکاری‌های عظیم‌شان در حالی که به اشتباه آزار و اذیت شدند بیهوده نبوده است، یقیناً همین‌طور است. بنابراین آنچه که انتظار مریدان دافا را در آینده می‌کشد، مطمئناً بسیار بسیار عالی خواهد بود. (تسویق) مهم نیست چه تعداد موجودات وجود دارند که کارهای شیطانی انجام می‌دهند، رنج و آزار و اذیتی که بر مریدان دافا تحمیل کردند - مهم نیست با چه انگیزه یا چه ابزاری - جدی‌ترین و وحشتناک‌ترین پیامدها را برای آن موجودات خواهد آورد و آن به دلیل آزار و اذیتی است که انجام دادند. این نوع بازپرداخت، کیفری است که برای ارتکاب بزرگ‌ترین گناه - تداخل با اصلاح فا - دریافت می‌کنند و آنچه که برای آن‌ها ذخیره می‌شود وحشتناک‌ترین چیزها است. در رابطه با مریدان دافا، از سوی دیگر، حتی اگرچه آن‌ها همه نوع تداخل و آزار و اذیت را تحمل کرده‌اند، آنچه که مریدان دافا از آن کسب کرده‌اند ممتازترین، باشکوه‌ترین و بالاترین تقوای عظیمی است که برای همیشه و همیشه خواهد ماند. (تسویق)

سفر اصلاح فا زیاد طولانی نخواهد بود، آن همیشه به این صورت نخواهد بود. بنابراین آن مریدان دافایی که در طول این دوره از زمان آن‌را با موفقیت تحمل کرده‌اند، موفق شده‌اند که بسیار خوب عمل کنند و علی‌رغم انواع و اقسام چیزهایی که مداخله کرده‌اند، موفق شده‌اند که مسیر خودشان را به خوبی ببینند، همگی تقوای عظیم خود را بنیان نهاده‌اند. هر یک از مریدان حقیقی دافا آنچه را که می‌بایست انجام دهد، انجام داده است و تمام [چیزهایی را] که برای یک موجود در آینده بهترین است بنیان نهاده است. با این اندازه که حاصل شده است، اکنون می‌توانم آسوده‌خاطر باشم و دیگر نگران این که آیا می‌توانید آن‌را با موفقیت تحمل کنید نخواهم بود. (تسویق) آنچه که آشکار شده اثبات می‌کند که آن‌را با موفقیت تحمل کرده‌اید. در آینده وقتی نگاهی به عقب بیندازید [خواهید دید که] این مسیر، درخشان و نویدبخش، باشکوه و چیزی که - حتی از هنگام آغاز زمان - هرگز وجود نداشته، بوده است. شما می‌توانید درباره این که چگونه تعدادی از چنین و چنان خدایان کیهان قبلاً به دنیا پایین آمدند تا مردم را نجات دهند و چنین و چنان تقوای عظیمی را پایه‌گذاری کنند گفتگو کنید، اما به شما خواهم گفت، مریدان دافای حقیقی من: تقوای عظیم آینده شما، از [تقوای عظیم] هر خدایی که قبلاً در هر لحظه از تاریخ به این دنیا آمد فراتر خواهد رفت، (تسویق) چرا که شما امروز قسمتی از اصلاح فا هستید. بایستی به آن ارج نهید - به مسیری که پیموده‌اید مجبورید ارج نهید.

فقط وقتی به گام‌هایی که برداشته‌اید ارج می‌نهدید می‌توانید در مسیری که پیش رو دارید به‌خوبی عمل کنید. چیز زیادی از سفر باقی نمانده است. در مسیرتان حتی بهتر عمل کنید و کارها را حتی درست‌تر انجام دهید.

در طول این آزار و اذیت، هر مرید دافا هشیار و منطقی شده است. قبلاً وقتی ارائه‌فا را شروع کردم، همان‌طور که به حضار نگاه می‌کردم، درباره‌ی چیزی فکر می‌کردم. در آن زمان افراد افکار درست کمی در سرشان داشتند و حتی به‌ندرت افکار واقعی و [افکار] خودشان را داشتند. موجودات انسانی بوسیله‌ی همه نوع ایده‌هایی در اجتماع تأثیر می‌پذیرند و با مفاهیم بعد از تولدشان، ایده‌های ثابتی را درباره‌ی چیزهای گوناگونی در دنیا شکل می‌دهند. و بیشتر این‌که، برخی از عوامل بیرونی مردم را کنترل می‌کنند و در تداخل با آن‌ها هستند. در گذشته با چنین موجوداتی مواجه بودم. در آن زمان وقتی بسیاری از شاگردان می‌گفتند که "دافا عالی است"، آن‌ها صادق نبودند و تعدادی از مردم درباره‌ی تغییرات بزرگی که بدن‌شان درحال گذر از آن‌ها بود شک داشتند. همان‌طور که به آن موجودات نگاه می‌کردم، با خودم فکر می‌کردم که "آیا آن‌ها می‌توانند آن‌را انجام دهند؟ آیا آن‌ها قادر خواهند بود از آن موقعیتی که در آن هستند بیرون بیایند؟" و سپس عواملی در مسیر تزکیه‌شان وجود داشت که برای تزکیه‌شان و برای اصلاح فای من تداخل ایجاد می‌کرد. چقدر آن سخت بود! قبلاً در همه وقت درباره‌ی تمام این‌ها فکر می‌کردم. اما اکنون دیگر درباره‌ی آن چیزها نگران نیستم. آن مریدان دافایی که آزار و اذیت را با موفقیت تحمل کرده‌اند، به شما خواهیم گفت، آن‌ها بیشتر و بیشتر خون‌سرد شده‌اند و بیشتر و بیشتر از آنچه که درحال انجام آن هستند آگاه شده‌اند، افکار درست آن‌ها درحال قوی‌تر شدن است و آگاهی‌شان به‌طور فزاینده‌ی روشن است. نه فقط نگرانی‌ام درباره‌ی آن چیزها متوقف شده است، بلکه حتی خوشحالم که این حالتی را که در آن هستید می‌بینم. (تشیویق پرشور) این موجودات واقعاً آگاه شده‌اند و زندگی‌شان اکنون در دست افکار درست خودشان است. علاوه بر این، آن‌ها موجوداتی هستند که درحال تزکیه‌ی خودشان در اصلاح‌فا هستند و کسانی که درباره‌ی مسیری که می‌خواهند برگزینند روشن هستند و درباره‌ی هدف و معنی هستی‌شان روشن هستند. چقدر فوق‌العاده است. بنابراین با نگاه به وضعیت کنونی، اکنون درباره‌ی هیچ چیزی نگران نیستم و می‌دانم که هرچه جلوتر برویم، بهتر عمل خواهید کرد. در اعتبار بخشی به‌فا، شما افرادی هستید که بسیاری از ایده‌ها را ارائه داده‌اید و خودتان بسیاری از مشکلات را حل کرده‌اید. و در اعتبار بخشی به‌فا، درباره‌ی این‌که چگونه اعتبار بخشی به‌فا، این باشکوه‌ترین وظیفه را خوب انجام دهید درحال فکر کردن هستید و مریدان دافا در سراسر جهان درباره‌ی وظایف مشترک‌شان درحال فکر کردن هستند. همگی درحال همکاری با همدیگر، بحث و گفتگو و تحلیل امور هستید تا بهترین رویکردها را ارائه دهید. در هر موردی که باشد، این روش تزکیه‌ی منحصر به فرد مریدان دافا است و این چیزی است که تاریخ هرگز در گذشته نداشته است. (تشیویق)

امروز روز عید پاک است، روز رستاخیز یک خدا! (تشیویق پرشور) این همه‌ی آن چیزی است که امروز خواهیم گفت. در این روز خاص پرشکوه با‌دا که قسمت خدایی مریدان دافا نیز احیا شود! (تشیویق پرشور طولانی)

## آموزش فا در جلسه با شاگردان آسیا-اقیانوسیه‌ای

(لی هنگ‌جی، ۱۲ آوریل ۲۰۰۴، در نیویورک)

پرسش: بعضی از هماهنگ‌کنندگان قادر نیستند به نظرات مختلف گوش دهند. شبیه مأمورین اداری‌ای شده‌اند که بین مردم عادی یافت می‌شوند.

**معلم:** هماهنگ‌کنندگان باید مایل باشند و بتوانند به نظرات مختلف گوش دهند. اما اگر دربارهٔ هماهنگ‌کنندگان فکر کنید، آن‌ها هم تزکیه‌کننده‌اند و کامل نیستند. بعضی شاگردان برایشان سوال است که، "چرا کسی را که باهوش‌تر از همه است و در منطقه‌مان از همه بهتر تزکیه کرده است بر نداریم هماهنگ‌کننده کنیم؟" (حاضر می‌خندند) به این شکل نیست. و چرا خود من مستقیماً بیرون نمی‌آیم و کارها را انجام نمی‌دهم؟ من می‌خواهم برای شما فرصت کمال و تکوین تقوای عظیم به‌جا بگذارم. اگر همهٔ کارها را انجام می‌دادم، یا به شما می‌گفتم که هر امر خاص را چطور اداره کنید و شما فقط پشت سر من راه می‌افتادید، مسلماً هماهنگی خوب می‌شد، چون که [فکر می‌کردید،] "این چیزی است که استاد به ما گفت. اما و اگری ندارد. فقط استاد را دنبال کنیم." ولی آنگاه آیا هیچ تقوای عظیمی می‌داشتید؟ چه چیزی تکوین داده بودید؟ آیا در مواجهه با چالش‌ها و یا سختی، مسیر خودتان را پیموده بودید؟ فقط وقتی در حالی که به فا اعتبار می‌بخشید و با چالش‌ها روبرو می‌شوید راه‌هایی پیدا می‌کنید که امور را به خوبی انجام دهید، و وقتی موفقیت‌تان از تلاش‌های خودتان می‌آید - فقط آن خارق‌العاده است.

هماهنگ‌کنندگان در بین مریدان دافا در اصل فقط هماهنگ‌کننده هستند، نقاط تماس و ارتباط، و افرادی که اطلاعات را انتقال می‌دهند. درباره‌شان مثل استاد فکر نکنید، و چنین انتظارات بالایی نداشته باشید که همین‌طور که تزکیه می‌کنید به آنها تکیه کرده و انتظار داشته باشید همه چیز را دیگر درست اداره کنند. این‌طور نیست. اگر هماهنگ‌کننده واقعاً مثل استاد بود، یا می‌توانست امور را از تمام زوایا در نظر بگیرد و هیچ‌موقع اشتباه نکند، آنگاه خیلی از افراد آن منطقه نمی‌توانستند با موفقیت تزکیه کنند، چرا که با وجود او که آن قدر خوب امور را در نظر می‌گیرد، هیچ‌چیز نمی‌ماند که شما درباره‌اش فکر کنید. اگر او همهٔ کارها را درست انجام می‌داد فرصتی نمی‌داشتید که کیفیت‌های عظیم‌تان را نشان دهید. متوجه مطلب هستید، درست است؟

در واقع، مدت‌ها قبل به هماهنگ‌کنندگان منطقه‌ای [و محلی] گفتم که امور را به صورت آزاد مدیریت کنند، و اینکه، به‌جز هنگامی که به تلاش‌های گروهی می‌رسد، که هماهنگی لازم دارند، نباید مسیری را که هر مرید دافا به‌عنوان یک فرد منفردی که در حال اعتباربخشی به فا است پیش می‌گیرد محدود کنند. بنابراین غیر از مواقعی که موردی است از اینکه چیز بدی برای دافا است و هماهنگ‌کننده لازم است متوقفش کند، هر مرید دافا باید به طور کامل نقش خود را ایفا کند و فعالانه آنچه را که به عنوان یک مرید دافا باید انجام دهد انجام دهد. همان‌طور که به اعتباربخشی به فا می‌پردازید، هر چه را که به آن فکر می‌کنید، آن را می‌بینید، با آن روبرو می‌شوید، یا می‌توانید به آن پی ببرید، بروید و انجامش دهید، و فقط آن موقع در حال پیمودن مسیر خودتان و تکوین تقوای عظیم خودتان هستید. آیا به همین صورت نیست؟ (تشویق)

در رابطه با بعضی شاگردان، درمی‌یابم که هنوز چشم‌شان به هماهنگ‌کنندگان دوخته است، و فکر می‌کنند، "آخر این هماهنگ‌کننده چرا در حد استاندارد نیست؟" (استاد می‌خندد) اگر هماهنگ‌کننده جداً واقعاً خوب بود و می‌توانست جلوتر فکر همه چیز را بکند، آن وقت به نظرم شاگردان دیگر در آن منطقه واقعاً هیچ راهی نداشتند که مهارت‌ها و توانایی‌هایشان را به کار بگیرند. اگر یک منطقهٔ خاص به خوبی عمل می‌کند، آن وقت مسلماً چیزی است شبیه به این: هماهنگ‌کنندگان صرفاً می‌گویند که چیزی لازم است انجام شود، و مریدان دافا، پیش‌قدمانه، با همدیگر هماهنگی می‌کنند و با هم به چالش‌ها غلبه می‌کنند، خرد

مريدان دافا را به طور كامل به كار مي گيرند، تا آن را به خوبي و به شكلي ايده آل تر انجام دهند. حتي وقتي هماهنگ كنندگان، خيلي خوب امور را در نظر نمي گيرند يا حتي بعضي چيزها را از نظر انداخته اند، مريدان دافا طي راه آن را كامل و بي نقص خواهند كرد - و اين تقواي عظيم شماسست. وقتي امور سخت اند رنجيده نشويد، و فكر نكنيد لازم است افراد ببينيد كه در حال انجام چه كاري هستيد. استاد مي تواند هر چه را كه انجام مي دهيد ببيند، و تمام خدايان هم همين طور. وقتي كه خوب عمل کرده باشيد، اين تقواي عظيم جاويدان خود شماسست.

در تزكيه تان نمي شود هميشه به ديگران نگاه كنيد. لازم است به خودتان نگاه كنيد، و خودتان را تزكيه كنيد. وقتي مشكلي هست، خودتان را بررسي كنيد و سعي كنيد مشكل شخص خودتان را پيدا كنيد. وقتي مي بينيد چيزي كم و كسر است، ببينيد چطور شما مي توانيد هر كار را به خوبي انجام داده، فكرتان را طي مسير درست نگه داشته، و افكار درست و اعمال درست يك مريد دافا را در مواجهه با چالش ها متجلي كنيد - اين است كه خارق العاده است. و به عنوان يك مريد دافا، اين اعتباربخشي تان به فا با افكار درست است، و فقط اين هنگام واقعا سزاوار يك مريد دافا بودن هستيد.

پرسش: *برخي كشورها در منطقه آسيا- اقيانوسيه پيوندهاي نزديكي با شيطان دارند، و اختلاف عملکرد ما در نجات موجودات ذي شعور [با مناطق ديگر] عظيم است.*

**معلم:** فقط هر قدر كه مي توانيد انجام دهيد، و اموري را انجام دهيد كه در توان تان هستند و در جايي كه شرايط مهيا باشد. مي توانيد در مناطقي كه شيطان لگام گسيخته است دست نگه داريد - اين اشكالي ندارد و تقصير شاگردان ما نيست. البته، هر جايي كه مريدان دافايي وجود نداشته باشد، نجات حياتها در آينده با مشكل مواجه خواهد شد؛ از آنجا كه شما مريد دافا هستيد به اين فكر خواهيد كرد. بر طبق وضعيت امور را انجام دهيد، هر قدر كه مي توانيد انجام دهيد، و وقتي به اموري مي رسد كه نمي توانيد انجام دهيد، خواهيم ديد كه بعداً چه كار مي توانيم كنيم.

پرسش: *وقتي هيچ پنداشت [از پيش تصور شده] يا طرح از پيش تنظيم شده اي نداريم، تأثير اعتباربخشي به فا عالي است، و وقتي عكس اين حالت باشد تأثير ضعيف است.*

**معلم:** بله، در رابطه با بسياري از اموري كه انجام مي دهيد، وقتي آزاد از پنداشت هاي بشري هستيد وابستگي هاي خودتان مخلوط نخواهد شد. اگر، وراي مسؤل بودن نسبت به فا، هيچ وابستگي بشري اي نداشته باشيد، هيچ كدام از چيزهاي خودتان، و هيچ كدام از عوامل شخصي تان مخلوط نشده باشند، آن وقت حتماً آن كار را خوب انجام خواهيد داد. در صورتي كه وقتي عوامل خودتان را مخلوط کرده باشيد، آن وقت نمي توانيد آن كار را خوب انجام دهيد.

موضوعي هست كه بايد به آن توجه كنيد: شما در حال اعتباربخشي به فا هستيد، نه اعتباربخشي به خودتان. مسؤليت يك مريد دافا اعتبار بخشيدن به فا است. اعتباربخشي به فا تزكيه است، و چيزي كه در روند تزكيه خارج مي كنيد هيچ چيز غير از وابستگي به خود نيست؛ نمي توانيد به جاي اين برويد و مشكل اعتباربخشي به خود را بدتر كنيد، حتي اگر اين كارتان ندانسته باشد. وقتي به فا اعتبار مي بخشيد و تزكيه مي كنيد، اين روندی است از خارج كردن "خود"، و فقط زماني كه اين كار را انجام مي دهيد به طور واقعي داريد به خودتان اعتبار مي بخشيد. زيرا نهايتاً مجبوريد تمام چيزهاي بشري تان را رها كنيد، و فقط بعد از اينكه تمام وابستگي هاي بشري تان را رها کرده باشيد مي توانيد از همهمه مردم عادي قدم بيرون گذاريد.

شما تزكيه كننده ايد، پس لازم است تقواي عظيم داشته باشيد. و تقواي عظيم تان از كجا مي آيد؟ آيا از رها كردن "خود" و از خودگذشته بودن در اين محيط طاقت فرسا، و به طور كامل مسؤل بودن نسبت به فا به عنوان يك مريد دافا، نمي آيد؟ آيا اين، خودش، تقواي عظيم نيست؟ و بيشتر اينكه، شما اين را در يك محيط طاقت فرسا انجام داديد. هر قدر بيشتر براي "خود" تقدم قائل شويد يا [عواملی از] "خود" را مخلوط كنيد، تقواي عظيم كمترى داريد، و براي همين است كه احتمال موفق شدن تان در امور يا خوب انجام دادن شان كمتر است. امور دافا بايد مقدس ترين باشند، و براي همين است كه هر قدر كمتر از پنداشت هاي خودتان داشته باشيد و عوامل خودتان را درگير كنيد، بهتر مي توانيد آنها را اداره كنيد و احتمال بيشترى هست كه موفق شويد.



پرسش: آیا می‌توانیم در تابلوهای بزرگی که برای نشان دادن حقیقت مربوط به دافا استفاده می‌کنیم، تصاویری از استاد را که در حین انجام تمرینات هستند شامل کنیم؟

**معلم:** فکر نکنم اگر به منظور روشنگری حقیقت باشد مسئله‌ای باشد - و آیا قبل از این، این کار را نکرده‌اید؟ (حضار می‌خندند)  
پرسش: (معلم: همه کلمات احترام‌آمیز قبل از پرسش‌ها را بلند نمی‌خوانم، باشد؟) رسانه تلویزیونی‌ای که توسط مریدان دافا به وجود آمد نیازمند نیروی انسانی، منابع مادی، و پول برای کار در بلندمدت است. و از آنجایی که من یک مرید تایوانی هستم هم‌تذکیه‌کنندگان در ایستگاه تلویزیونی اغلب به من می‌گویند، "۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر در تایوان دافا را تذکیه می‌کنند، پس وقتی ایستگاه تلویزیونی کمک نیاز دارد نباید همیشه برای یافتن نفرات مشکل داشته باشیم". استاد، آیا تایوان می‌تواند برای روشنگری حقیقت روی ابزار تلویزیون بیشتر تمرکز کند؟

**معلم:** کسانی که به تکنولوژی [لازم] وارد هستند یا مهارت‌های بخصوص را دارند، خواه از تایوان باشند یا هر جای دیگر، معمولاً، حتماً از آنها استقبال می‌شود.

پرسش: وقتی پیشرفت یک ترجمه جایی گیر می‌کند، آیا به خاطر مداخله است؟

**معلم:** معمولاً کارهای بخصوصی که مریدان دافا انجام می‌دهند با تذکیه خودشان در ارتباط است، و در عین حال، مرتبط با شرایطشان است. در رابطه با چیزهای خاصی مثل این، باز لازم است که با هم بحث و گفتگو کنید و ببینید چطور باید آنها را بهتر اداره کنید و مسیر خودتان را بیمابید. هیچ یک از کتاب‌های خارجی‌زبان دافا توسط من ترجمه نشده است (استاد می‌خندد، حضار می‌خندند)، و هر مرید دافایی که درگیر است مسئولیت‌های مختلفی به دوش می‌کشد. کار ترجمه توسط کسی [به آنها] محول نمی‌شود. همه آن توسط افرادی انجام می‌شود که [برای رسیدن به بهترین ترجمه‌شان] فعالانه بحث و گفتگو می‌کنند و با همدیگر هماهنگی می‌کنند. پس صرفاً ببینید چطور باید بهتر انجامش دهید. در هر کاری که می‌کنید، در حال اعتبار بخشیدن به فا و تذکیه خودتان هستید، و آنها همگی کارهایی‌اند که باید انجام دهید.

پرسش: آیا برای پذیرش دانش‌آموز در یک مدرسه مینگ‌هوئی باید گزینشی و انتخابی عمل کنیم؟ (حضار می‌خندند) استاد، لطفاً در این موضوع قدری ما را راهنمایی کنید.

**معلم:** چیزی که فکر می‌کنم این است که شما حالا مدرسه‌ای را اداره می‌کنید، بنابراین نباید برای پذیرش، گزینشی عمل کنید. در اصل، می‌دانید، دافا فقط درباره تذکیه است - دافا هیچ چیز جز تذکیه ندارد. و هرچند امروز مسیر تذکیه‌ای که مریدان دافا پیش می‌گیرند متفاوت است - بعضی شاگردان به منظور روشنگری حقیقت، نجات عده بیشتری از مردم دنیا، تحت کنترل نگاه‌داشتن آزار و شکنجه، و غیره، با هم جمع شده‌اند و رسانه‌هایی راه‌اندازی کرده‌اند یا این کار و آن کار را انجام داده‌اند - هیچ یک از آنها بخشی از خود دافا نیست. اینها مواردی‌اند از اینکه شاگردان در حالی که به فا اعتبار می‌بخشند مسیر خود را می‌پیمایند، و چیزهایی‌اند که توسط خود شاگردان ایجاد شده‌اند. بنابراین این نیز تقوای عظیم شما را تکوین می‌دهد، و ستودنی است.

از آنجا که بخشی از دافا نیست، پس باید بخشی از جامعه عادی باشد، و بنابراین با جامعه عادی باید هم‌راستا باشد. کسانی که نجات‌شان می‌دهید حیات‌هایی در اجتماع عادی هستند، پس حتی بیشتر هم لازم است که به اجتماع عادی نزدیک‌تر شوید و کاری کنید رسانه‌هایتان چیزی شوند که عموم مردم علاقمند به دیدن و شنیدن‌شان باشند. فقط به این شکل می‌توانید به تأثیر بهتری برسید.

همین هم برای مدارس مینگ‌هوئی صدق می‌کند. خود دافا مدرسه ندارد، ولی مریدان دافا در حال نجات موجودات ذی‌شعور و روشنگری حقیقت هستند، و در حال به‌جا گذاشتن بهترین چیزها برای مردم آینده، موجودات آینده، هستند، و مریدان جدید و جوان دافا را می‌پروراند. بنابراین چیزی که این بیان می‌کند این است که آنچه انجام می‌دهید همگی چیزهای خوبی هستند. پس از آنجا که کارهای خوبی برای موجودات ذی‌شعور انجام می‌دهید، نمی‌توانید بین کسانی که می‌توانند وارد شوند و کسانی

که نمی‌توانند، فرق قائل شوید. آیا پذیرش افراد بیشتری از اجتماع عادی بهتر نمی‌بود؟ طور دیگری بگوییم، اگر بخواهید به سمت داشتن یک چرخه مثبت حرکت کنید - این توان فرساست که همیشه مریدان دافا سرمایه آن را تهیه کنند - آن وقت باید در جامعه ریشه کرده باشید و وارد چرخه مثبتی شوید. این راهش است.

پرسش: آیا می‌توانیم در درون نظام آموزشی و در یک مدرسه موجود، یک کلاس مینگ‌هوئی دایر کنیم؟

**معلم:** صرفاً بر طبق شرایطتان انجامش دهید و به هر صورتی که انجامش دهید نباید اشکالی داشته باشد. وقتی به انجام کارهای خوب برای موجودات ذی‌شعور می‌رسد، ممانعت و یا رویه تعیین‌شده‌ای وجود ندارد. خواه دایر کردن یک مدرسه مینگ‌هوئی باشد یا برگزاری کلاس‌های مینگ‌هوئی توسط خودتان، یا شاید معلم هستید و در کلاس به دانش‌آموزان مطابق با جن-شن-رن آموزش می‌دهید، هیچ یک از اینها مسئله‌ای ندارد. و البته، دایر کردن یک مدرسه مینگ‌هوئی صرفاً کاری عالی است. حالا که دایر شده‌اند، امیدوارم بهتر و بهتر اداره‌شان کنید، آنها را بزرگ و بزرگ‌تر سازید، و تعداد بیشتر و بیشتری از آنها را دایر کنید. آنها، برای تمام موجودات، موهبت هستند، و در خصوص موجودات شیطانی، آنها را پاکسازی می‌کند.

پرسش: خیلی وقت‌ها افرادی هستند که می‌آیند فالون گونگ را یاد بگیرند تا برای پناهندگی اقدام کنند. این مسائل را چطور باید اداره کنیم؟

**معلم:** (معلم می‌خندد) در اصل، واقعاً برای دولت چین مایه آبروریزی است. چطور مردم کشورهای دیگر برای پناهندگی اقدام نمی‌کنند؟ (حضار می‌خندند) چرا این همه افراد از چین درخواست پناهندگی می‌کنند؟ آیا چین ادعا نمی‌کند که "قوی" است؟ تا به حال شنیده‌اید ملتی قوی این همه افراد را داشته باشد که از آنجا فرار می‌کنند که پناهنده شوند؟ به نظر می‌آید که آن جزء "قوی" اش جعلی باشد.

طوری دیگر نگاه کنیم، تمام انگیزه‌ها به کنار، اگر افراد خواستار فرصتی باشند تا در ایالات متحده یا کشور توسعه‌یافته دیگری بمانند، آسان‌ترین راه در حال حاضر این است که با به‌کارگیری نام فالون گونگ برای پناهندگی اقدام کنند. شنیده‌ام سمینارهایی در محله چینی‌های شهر نیویورک درباره درخواست برای پناهندگی هست، و (حضار می‌خندند) آنجا به طور خاص آموزش می‌دهند که چطور فالون گونگ را یاد گرفت. البته، آنها واقعاً در حال آموزش فالون گونگ به مردم نیستند. به مردم می‌گویند که در فالون گونگ چند حرکت وجود دارد، چند تمرین، و در فالون گونگ چه کتاب‌هایی هست، به همراه اینکه مأمور امور مهاجرت در آموزش (حضار می‌خندند) چه می‌پرسد. این کاری است که انجام می‌دهند.

به هر جهت، وقتی کسی تحت نام فالون گونگ برای پناهندگی اقدام کند، آینده خود را به فالون گونگ داده است. زیرا او دارد سرنوشت خود را با استفاده از نام فالون گونگ تغییر می‌دهد - خواه از این مطلع باشد خواه نباشد. این بیان بشری عادی‌اش بود. واقعیت این است که هر کسی برای دافا به اینجا آمد، و اگر کل دنیا برای دافا آمد، آن وقت البته که چیز مهمی نیست که از دافا کمی نفع ببرند. پس، بفرمایید [انجامش دهید]. (معلم می‌خندد) تا وقتی دولت محلی مخالفت نکند، ما هم نخواهیم کرد.

به هر حال، وقتی کسی با استفاده از نام فالون گونگ پناهندگی سیاسی گرفته است، او به فالون گونگ مدیون می‌شود چراکه آن سرنوشت او را تغییر داد. آنگاه آن فرد مطلقاً نمی‌تواند مخالف فالون گونگ باشد، در غیر این صورت در حال انحلال آینده خود خواهد بود. هیچ چیز خطرناک‌تر از این نیست. بنابراین در رابطه با افرادی مثل او، اشکالی ندارد که آنها بیابند تمرین را یاد بگیرند یا تمرینات را انجام دهند، اما در امتداد مسیر، باید به آنها درباره مخاطره موجود بگویید: "مطمئن باشید که درگیر آزار و شکنجه فالون گونگ نشوید، حتی فکر این کار را هم نکنید. این به خاطر خودتان است. این را فقط برای این به شما می‌گویم که می‌خواهید از فالون گونگ استفاده کنید؛ وگرنه هیچ چیز نمی‌گفتم!"

پرسش: من، یک مرید، می‌لیم که برای یاری استاد در اصلاح فا از نوشتن به شکل شعر استفاده کنم. می‌لیم از استاد بپرسم، چگونه می‌توانم خلاقیت و مهارت‌های نوشتن خود را بهبود دهم؟

**معلم:** در واقع، می‌دانم چیزی که می‌خواهید بپرسید این است که چطور می‌توانید خردتان را غنی کنید تا اعتباربخشی به فا را به‌خوبی به انجام برسانید. اگر بنیهٔ لازم را داشته باشید، مطمئناً خواهید توانست قطعات خوبی بسرایید، در حالی که اگر کاملاً فاقد این بنیه باشید در ابتدای امر تا حد معینی مشکل خواهید داشت. برای مثال، اگر بخواهید اشعار سبک تانگ بگویید آنگاه لازم است که ابتدا در مورد مسائلی نظیر این آموزش ببینید که شعر تانگ به چه صورت است، [یا به طور مشابه،] تصنیف سونگ به چه صورت است یا درام و تصنیف یوان به چه صورت است، و آن وقت می‌توانید سعی کنید که چیزی بسرایید. از آنجا که یک مرید دافا هستید، شاید وقتی واقعاً بخواهید که آن را انجام دهید بتوانید انجامش دهید، و به‌خوبی [بتوانید انجامش دهید]، و به‌طور قطع مطمئناً از دیگران سریع‌تر شروع به کار خواهید کرد و سریع‌تر ورزیده خواهید شد. چندین مرید دافا هستند که خیلی سریع و بدون تلاش زیاد شعر می‌سرایند؛ وقتی می‌خواهند چیزی بسرایند همان وقت می‌توانند آن را انجام دهند. ولی در رابطه با افراد عادی، چیزی سرودن برای آنها زحمت زیادی دارد، و آنها باید در وضع و حالت درستی باشند و [برای سرودن،] به این یا آن رویکرد فکر کنند. ولی در مورد مریدان دافا امور باید سریع پیش برود، هر چه هم که باشد. وقتی از "خود" حتی بیشتر دست بکشید، خردتان برای اعتباربخشی به فا، به طور طبیعی نمایان خواهد شد.

**پرسش:** به‌تازگی اشاره کردید که کلمات معینی در نوشته‌هایتان نیاز به بازنگری دارند. آیا می‌توانیم مستقیماً کلمات صحیح را روی کلمات قبلی بچسبانیم، به‌جای اینکه کلمات قبلی را با خراشیدن پاک کنیم؟

**معلم:** در اصل هر طور انجامش دهید خوب است، تا وقتی که درستشان کنید. شاگردان سرزمین اصلی چین ابزار این کار را ندارند. می‌دانم که در گذشته، بیشتر کتاب‌هایی که در سرزمین اصلی چین چاپ می‌شدند از کاغذ روزنامه استفاده می‌کردند، و [کاغذ آنها] خیلی ضخیم بود، بنابراین اگر با یک تیغ باریک به‌آرامی آنها را بخراشید صدمه نمی‌بیند. فقط دارم ایده‌ای به شما می‌دهم. اجبار نیست که این‌طور انجامش دهید. (حضار می‌خندند)

**پرسش:** بعضی دولت‌های آسیایی، به خاطر علایق اقتصادی، وانمود می‌کنند که شکنجه و آزاری را که در چین در حال وقوع است نمی‌بینند. آیا باید تلاش بیشتری صرف این نماییم که به آنها کمک کنیم واقعیت مربوط به اقتصاد چین را ببینند؟

**معلم:** تا وقتی هر کاری به موجودات ذی‌شعور نفع برساند، می‌توانید انجامش دهید. مردم دربارهٔ چیزها به‌طور متفاوتی فکر می‌کنند، و در زندگی خود هنجارهای مختلفی را دنبال می‌کنند. بعضی افراد ممکن است نفع مادی را آن قدر مهم در نظر نگیرند، و بعد از اینکه آنها از واقعیت‌ها مطلع شوند نتایج خوبی خواهید گرفت. ولی می‌دانم که انسان‌ها گرایش دارند که توسط علایق مادی فریفته شوند.

پس بگذارید کمی در مورد مردم این دنیا صحبت کنم. علایق مادی ضرورتاً نیروی به‌حرکت‌آورندهٔ حیات‌های گذشته است، که خودخواه هستند. مردم دنیا فقط برای علاقهٔ شخصی زندگی می‌کنند و توسط آن به حرکت در می‌آیند. و علاقهٔ شخصی بیشتر از هر چیز دیگری می‌تواند باعث شود که فرد درد بکشد یا احساس خوشحالی کند، اما حتی اگر کسی آرزوهای خود را برآورده کند، آنچه به دست می‌آورد برایش چیزی پایا و ماندگار، یا چیزی عینی و واقعی نیست. گذشته از این، انسان‌ها هر قدر هم سخت برای چنین چیزهایی بجنگند این [چیزها] واقعاً دست آنها نیست، چراکه کل زندگی یک فرد در این دنیا، مدت‌ها پیش‌تر تعیین شده است، و خدایان هر قدمی را که یک انسان برمی‌دارد کنترل می‌کنند. مهم نیست فرد چه بخواهد، آن به حساب نمی‌آید، اگرچه در طلب‌بودن‌های فرد می‌تواند وابستگی شود. مردم دنیا بلااستثنا کارها را از روی علاقهٔ شخصی انجام می‌دهند، هرچند واقعاً نمی‌توانند به آنچه که می‌خواهند برسند. انسان‌ها این‌طور هستند. صرف‌نظر از اینکه انسان‌ها بتوانند چیزی را به دست آورند یا نتوانند، بر روی آن کار خواهند کرد، و این رفتار بشری است. و نمی‌شد همین‌جا می‌نشستند و منتظر می‌ماندند چیزهای خوب جلوی پایشان بیفتد — انسان‌ها باید کار انجام دهند. وقتی چیزی باشد که متعلق به او نیست، از روی وابستگی‌ها به همان شکل برای گرفتن آن زحمت می‌کشد. انسان‌ها این‌طورند. واقعیت این است که، گذشته از وابسته بودن، هنگامی که انسان‌ها در این دنیا زندگی می‌کنند هیچ‌گاه نمی‌توانند سرنوشت خود را در دست بگیرند. هیچ راهی نیست که بتوانند هر چه را که می‌خواهند بگیرند. برای اینکه کسی به چیزی برسد، آن باید چیزی

باشد که به عنوان بخشی از زندگی‌اش مقرر شده باشد؛ اگر آن برایش مقرر نشده باشد هرگز آن را نخواهد داشت. پیش‌تر گفته‌ام که دو چیز می‌تواند زندگی یک انسان را تغییر دهد. یکی تزکیه است، و دیگری این است که آن موجود شروع به انحطاط کند. این چیزها می‌توانند زندگی فرد را تغییر دهند. غیر از آنها راه دیگری برای فرد نیست که زندگی خود را تغییر دهد.

پس بنابراین برای یک انسان معنی زندگی چیست؟ تجربه کردن آن احساسی که از وابسته بودن به علاقه شخصی به شما دست می‌دهد و لذت بردن از جریان یک زندگی بشری غرقه در احساسات. فکر کنید که این چقدر رقت‌بار است، و این واقعاً چه نوع احساسی است. وقتی که به چیزی می‌رسند خوشحال هستند و وقتی که آن را از دست می‌دهند ناراحت‌اند؛ وقتی که گوشت می‌خورند به نظرشان خوشمزه می‌آید، و وقتی که شکلات می‌خورند آن را شیرین می‌یابند... اما در دنیای بشری چیزهای تلخ، گزنده، و دردآور نیز وجود دارد، آن احساساتی که جوان‌ها دارند که از وابستگی‌های احساسی می‌آید، و همچنین آن احساساتی که مردم طبقات مختلف اجتماع همان‌طور که در جریان زندگی خود چیزهایی را دنبال می‌کنند، به دست می‌آورند، یا از دست می‌دهند دارند - هرچند آن به دست‌آوردن‌ها و از دست‌دادن‌ها چیزی نیست که واقعاً از تلاش بیاید. این طوری است که مردم به هنگام زندگی در این دنیا هستند. مردم خیلی رقت‌انگیزند! و با این حال مردم صرفاً نمی‌توانند پشت این "واقعیت" را ببینند، و نمی‌خواهند هم ببینند.

بنابراین برای خدایان، اگر بخواهند تمام آن احساساتی را که انسان‌ها در این دنیا دارند شدت دهند، باید یک‌سری عوامل درگیر باشد. برای مثال، آنها برای انسان‌ها احساسات را خلق کردند؛ به آنان یک جفت چشم دادند که نمی‌تواند تصویر واقعی کیهان را ببیند، و توهم چیزهای مادی [را دادند]؛ و البته خیلی عوامل دیگری وجود دارد. فقط این موقع می‌تواند مردم را به لذت بردن از این احساسات وابسته کنند - این احساساتی که خدایان تنها به بشر می‌دهند - و چنین احساساتی را تشدید کنند. بنابراین برای اینکه کاری کرد که مردم چنان احساسات شدیدی را تجربه کنند، این نیز ضروری بود که مردم را آرزومند آن احساسی کرد که فرد، هنگامی که به چیزی که می‌خواهد می‌رسد، دارد. ساده بگوییم، زندگی‌ای که انسان‌ها می‌گذرانند واقعاً صرفاً توسط علاقه شخصی به حرکت واداشته می‌شود - علاقه شخصی است که فرد را به ادامه‌دادن وامی‌دارد. از روی علاقه شخصی دو نفر با هم نزاع خواهند کرد؛ از روی علاقه شخصی دو ملت با هم خواهند جنگید؛ و از روی علاقه شخصی یک جنگ جهانی می‌تواند سر بگیرد. علتش این است که انسان‌ها این وابستگی، این میل علاقه شخصی را دارند. و دقیقاً چون این عوامل وجود دارند، برای خدایان آسان است که امور را کنترل کنند.

آیا این روزها مردم صحبت از حقوق بشر، آزادی عقیده و اینها نمی‌کنند؟ مریدان دافا دیده‌اند - به عنوان تزکیه‌کننده همه‌تان می‌توانید به روشنی ببینید - که هیچ چیزی اینجا در دنیای بشری قابل اطمینان نیست، و وقتی علاقه شخصی به میان می‌آید آن چیزها کنار انداخته می‌شوند. در غرب آیا خیلی از کشورها برای دموکراسی، آزادی عقیده، و حقوق بشر مشغول کار نیستند؟ به نظر می‌رسد نشانی از پیشرفت مدرنیت باشد، اما بعد وقتی توسط علاقه شخصی وسوسه می‌شوند، چند دولت علیه آن تبهکاران فرومایه در چین که شاگردان فالون گونگ را شکنجه می‌کنند چیزی می‌گویند؟ چیزی که دیده‌ایم این است که جرئت نمی‌کنند با موضوع روبرو شوند، هرچند که خیلی از قسمت‌هایی که همیشه نشان‌گر "پیشرفت" در نظر گرفته می‌شوند - همچون حقوق بشر، آزادی عقیده و غیره - در حال نقض شدن هستند. وقتی علاقه شخصی به میان می‌آید بسیار ضعیف و بی‌رمق می‌شوند، چیزهایی که می‌بینند را نادیده می‌گیرند، و جرئت نمی‌کنند چیزی بگویند. همه آن صحبت‌ها درباره دموکراسی، آزادی عقیده، و ... همه آن چیزهایی که مردم آن‌قدر آنها را ارج می‌گذارند و آن‌قدر شدید مدافع آنها هستند، وقتی که پای نفع مادی به میان می‌آید در یک آن بی‌معنی می‌شوند.

به عنوان مریدان دافا، این باید برای شما روشن‌تر باشد: ما نمی‌توانیم به هیچ چیز در این دنیا وابسته باشیم. ما در حالی که تا حد ممکن با اجتماع عادی مطابقت داریم تزکیه می‌کنیم، و حتی وقتی که حالا از طریق چیزهایی چون حقوق بشر و آزادی عقیده در حال روشن کردن حقیقت هستیم، باز هم برای نجات دادن موجودات ذی‌شعور است، همین. آن قبل‌ها که کمونیسم پدیدار شد، آیا مردم مدتی شیفته آن نبودند، و آیا خیلی‌ها فکر نکردند که این پیشرفت جامعه است؟ کافی نیست که شما، یک تزکیه‌کننده، فقط به چیزهای بشری اینجا وابسته نباشید - لازم است که درباره آنها هشیار نیز باشید.

نمی‌گویم که باید با این چیزها مخالفت کنید. این باید برای یک مرید دافا روشن باشد. کاری که دارم می‌کنم این است که یک حقیقت فا را به شما برسانم و بگویم. برای بشر، اینکه امروز به این نقطه برسد، اینکه بتواند معقولانه رنج مردم را کاهش دهد، در خصوص بشر هیچ اشتباهی در این کار نیست. اما مردم چه چیزی را واقعاً می‌توانند به انجام برسانند؟ در اصل، غیرمنطقی بودن به هنگام به‌میان آمدن علاقه شخصی نیز چیزی تحت کنترل خدایان است. و برای همین است که وقتی برای دولت یا بخش تجارت حقیقت را روشن می‌کنید، این احساس را پیدا خواهید کرد که مردم حتماً علایق عملی خودشان را مقدم می‌گیرند، افراد درگیر کسب و کار حتماً فکر وضعیت مالی شرکت خودشان را خواهند کرد، چراکه برای آنها این چیزها از همه مهم‌تر هستند. وقتی می‌روید و برای آنها حقیقت را روشن می‌کنید، زمانی که موضوع مورد بحث روی علاقه شخصی حیاتی آنها اثر می‌گذارد آنها نمی‌خواهند گوش کنند. من هم این را دیده‌ام. ولی مردم با هم فرق دارند، و همان‌طوری که گفتم، کسانی هستند که در زندگی خود اصول دیگری را دنبال می‌کنند. به این صورت است. می‌توانید بروید و این [شکل از روشنگری حقیقت] را انجام دهید، اما لازم است به طور کامل دربارهٔ امور روشن باشید، و لازم است بدانید که بشر چگونه است.

پرسش: به عنوان مرید شما، مایلم بپرسم که چرا در تاریخ نظم و ترتیب داده شد که هنگ‌کنگ و ماکائو در سرزمین اصلی چین تحت شکل "یک کشور، دو نظام" وجود داشته باشند؟ سرچشمه تاریخی این مکان‌ها کجاست؟

**معلم:** از نظر منشاء تاریخی‌شان، بخشی از خاک چین‌اند. در این مقطع، نمی‌توانید بگویید که خاک کشور دیگری هستند. در خصوص "یک کشور، دو نظام"، از آنجا که همه می‌دانند که آن حزب اصلاً خوب نیست، و حتی خودشان هم می‌دانند که همه به این صورت فکر می‌کنند، خوب، در حالی که می‌خواستند این قلمروها را پس بگیرند و کاری کنند که تحت سلطهٔ حزب دربیابند، این را هم می‌دانستند که هنگ‌کنگ و ماکائو با آن موافقت نخواهند کرد، و دنیا هم موافقت نخواهد کرد، بنابراین این منجر شد به "یک کشور، دو نظام". (حضار می‌خندند) واقعاً چیز شرم‌آوری است. چطور وقتی سایر کشورها قلمروشان بازگشت، دو نظام نگه نداشتند؟ آیا علتش این نیست که مردم، آن چیزهای شما را دوست ندارند؟

پرسش: آیا هدف واقعی از داشتن "یک کشور، دو نظام"، دادن فرصتی به مردم چین است که از وضعیت واقعی مطلع شوند؟

**معلم:** البته، هیچ چیز به‌طور تصادفی اتفاق نمی‌افتد، و هیچ چیز صرفاً به‌خاطر یک دلیل اتفاق نمی‌افتد. وقتی خدایان چیزی را نظم و ترتیب می‌دهند مثل انسان‌ها فکر نمی‌کنند. وقتی چیزی را نظم و ترتیب می‌دهند، موضوعات درگیر عظیم و تماماً دربرگیرنده هستند. وقتی انسان‌ها به دنیا نگاه می‌کنند، این کار را از میان یک لایه از ذرات انجام می‌دهند. برای مثال، این دنیایی که انسان‌ها می‌بینند بین دو نوع ذره است — مولکول و سیاره — و آنها به این دنیا از میان ذراتی که ساخته شده از مولکول‌اند می‌نگرند. خدایان فرق می‌کنند. یک خدا به هنگام سر و کار داشتن با موضوعی، در محدوده توانایی‌های خود، به پیامدهای آنچه که برای تمام ذرات در کیهان رخ خواهد داد نگاه می‌کند. آنها به مسائل به صورت چندبعدی و از تمام منظرها نگاه می‌کنند، و برای همین است که توسط چیزهایی که نظم و ترتیب می‌دهند هدف‌های متعددی حاصل می‌شوند.

همچنین، حتی به همین صورتی هم که هست، انسان‌ها حتی اجازه ندارند همهٔ چیزها در این دنیا را که توسط این سطح از ذرات شکل گرفته‌اند ببینند. دلیلش این است که اگر می‌گذاشتند انسان‌ها همه چیز را ببینند، خیلی چیزها بود که علم نمی‌توانست توضیح دهد، و آن وقت حتی اگر به مردم اجازه هم نمی‌دادید به خدایان باور می‌آوردند. بنابراین برای اینکه مانع از این شد که انسان‌ها این دنیا را با وضوح کامل ببینند، مجبور بودند برای انسان‌ها یک جفت چشم مانند این درست کنند. از آنجا که چشمان انسان‌ها از ذرات مولکولی ساخته شده است، چرا این‌طور است که باز نمی‌توانند بعضی چیزهایی که از ذرات مولکولی ساخته شده‌اند و درون این محدوده هستند را ببینند؟ چون آنها برای بشر موانع بسیاری بر پا کردند. هدف واقعی از دو نظام، برآوردن نیازهای طراحی دنیا در این دوره تاریخی است. قبلاً در مورد این مسائل صحبت کرده‌ام.

پرسش: من اغلب از فرم ادبی شعر برای نوشتن مقالات روشنگری حقیقت برای وب‌سایت‌های دافا استفاده می‌کنم، و بعضی مواقع، برای بیان معنای درونی اعتباربخشی به فاء، قواعد و فرم‌های ترکیب‌بندی شعری کلاسیک را به طور اکید دنبال نکرده‌ام.

آیا این کار اشتباه بوده است؟ اگر آن برای بیان دقیق معنای درونی انجام شود، ضروری نیست که پایبند به قواعد و فرم‌های ترکیب‌بندی شعری کلاسیک بود و یا قراردادهای رعایت کرد - آیا این درک درست است؟

**معلم:** می‌خواهید که قواعدشان را نقض کنید - آیا صحبت‌تان همین است؟ در واقع، این دقیقاً ذهنیت بشر نوین بعد از نزول اخلاقیاتش است - یعنی مخالفت با سنت و آنچه که اصیل است. اینجا در حال صحبت درباره‌ی شما نیستم. این را می‌گویم که از نظر فایده‌ی این جایی است که بشر اکنون هست. واقعیت این است که بشر در حال سر خوردن به پایین و جاهل شدن است. فرهنگ چین چیزی است که خدایان به بشر انتقال دادند، و فرهنگ هر سلسله، شامل شعر آن - خواه شعر تانگ باشد، تصنیف سونگ، یا درام و تصنیف یوان - تمامشان شکل‌هایی از فرهنگ هستند که بدن‌های کیهانی مختلف، هنگامی که برای شکل دادن پیوندهای کارمایی آمدند، برای موجودات بشری به همراه آوردند. بنابراین، اگر بخواهید آن چیزها را بسرایید بهتر این است که از قواعدشان پیروی کنید. اگر می‌گویید، "از قافیه‌سازی خوشم نمی‌آید"، خوب، اگر قافیه‌سازی را دوست ندارید این روزها شعر آزاد وجود دارد، بنابراین می‌توانید شعر آزاد بگویید. آنها چندان چیزی که نیازمند پیروی باشد ندارند، و مطابق قالب‌های مدرن هستند. ولی در اصل، به نظر من آن اشعار خیلی کم‌جاذبه هستند و هیچ معنای عمیق‌تری ندارند. از طرف دیگر، اشعاری که با قالب‌های کهن سروده می‌شوند چیزی اند که به دل می‌نشیند.

پرسش: مایلم از طرف مریدان دافای چونگ‌چینگ به شما درود بفرستم و افکار آنها را به شما برسانم. آنها از من خواستند حتماً آنها را به شما انتقال دهم.

**معلم:** از همه ممنونم. (تشویق) استاد کاملاً مطلع است. به آنها بگویید استاد کاملاً مطلع است.

پرسش: بعضی از مریدان بعد از زندانی شدن در اردوگاه کار اجباری، بعضی مسیرهای اشتباه را پیش می‌گیرند، و مریدان دیگر بسیار دلواپس و نگران وضعیت آنان هستند. چگونه باید به آنها کمک کنیم؟

**معلم:** اگر به آنها باید کمک شود، کمکشان کنید. دروغ را راحت می‌شود افشا کرد. کدام "ندامت"؟ آن "ندامت" به کجا می‌خواهد هدایت کند؟ آیا همه‌اش فریب و حيله نیست؟ با برگشت به اجتماع و تفکر آرام در مورد مسائل، همه چیز روشن خواهد شد. در رابطه با همه آنهايي که فرضاً "تبدیل" شدند، آیا آنها مدت کوتاهی بعد از خارج‌شدنشان در مورد مسائل روشن نشدند؟ چند نفر آنها تمام این مدت سردرگم باقی مانده‌اند؟ در خصوص آنهايي که در تمام این مدت نتوانسته‌اند به حد نصاب برسند، علتش این است که احساس می‌کنند کارهای بد بسیار زیادی انجام داده‌اند، می‌دانند که اشتباه کرده‌اند، و از روبرو شدن با [هم]شاگردان [دافا] بیش از حد شرمسار هستند، و حالا به آن شرم وابسته شده‌اند. دلیلش این است.

پرسش: آیا برای شاگردان مان اشکالی ندارد که پول صرف کنند تا مکانی برای کار روشنگری حقیقت اجاره نمایند؟

**معلم:** در اصل، وقتی به روشنگری حقیقت می‌رسد، مریدان دافا همیشه از پس‌انداز و حقوق خودشان برای انجام کارها استفاده کرده‌اند. اما لازم است که چگونگی زندگی‌تان را در نظر بگیرید: نه تنها باید چگونگی زندگی‌تان را در نظر بگیرید، بلکه طرز زندگی خانواده‌تان را نیز باید در نظر بگیرید، و دیگران را مورد ملاحظه قرار دهید. اگر نتوانید زندگی خانواده خود یا زندگی خودتان را خوب اداره کنید، روشنگری حقیقت را برایتان سخت خواهد کرد. یا از نگاهی دیگر، اگر زندگی‌تان باثبات نباشد و حتی برای تهیه خوراک خود مشکل داشته باشید، آنگاه مجبور خواهید شد که توجه‌تان را به آن معطوف کنید، و آیا کار روشنگری حقیقت‌تان در واقع مختل نمی‌شود؟ پس باید شرایطتان را در نظر بگیرید. من می‌توانم قلبتان را ببینم. فقط آنچه از دستتان برمی‌آید انجام دهید.

پرسش: ممکن است استاد کمی بیشتر درباره آینده کیهان و بشر صحبت کنند؟

**معلم:** صحبت کردن درباره آینده در این زمان، معنی واقعی‌ای برای شما ندارد. آینده نوع بشر شگفت‌آور خواهد بود و مردمی که باقی می‌مانند سعادت‌مند خواهند شد. زیرا دافا در اینجا ارائه شد و بنابراین این مکان نگه‌داشته می‌شود، و موجوداتی که در این دوره علیه دافا مرتکب گناه نشده باشند سعادت‌مند خواهند شد. به این دلیل که دافا در اینجا ارائه شد و اشاعه یافت، این برای

موجودات آینده شرایط مطلوبی بنا کرد که در اینجا زندگی کنند. شاید غلات در آینده به شکل درخت میوه باشند، و هر دانه برنج به این بزرگی ( با دست چیزی شبیه توپ فوتبال آمریکایی ترسیم می‌کنند). فقط یک شوخی کوچک بود. اما، نسبتاً بگوییم، میزان مشقتی که وجود دارد بسیار کمتر خواهد بود؛ هوا و آب تمیز خواهند بود؛ آن چیزهای سمی، حشرات، پشه‌ها، مگس‌ها، [و غیره،] از میان خواهند رفت؛ و دنیا واقعاً شگفت‌انگیز خواهد بود. خدایان کهن نمی‌توانند شگفتی کیهان جدید را تصور کنند چراکه نمی‌توانند آن را ببینند، و جرئت نمی‌کنند و نمی‌توانند تصور کنند به چه شکل است – تماماً روی بنیان متفاوتی ساخته شده است. موجودات قدیم خودخواه بودند، اما کیهان آینده بر پایه خودخواهی بنیان گذاشته نمی‌شود، و همه چیز بهتر خواهد بود. پرسش: در آینده نزدیک خیلی از افراد، خودشان می‌آیند که فا را به دست آورند، پس آیا ما باید محل‌های تمرین مان را گسترش دهیم؟

**معلم:** البته که این کاری است که باید انجامش دهید، و در حال انجامش بوده‌اید. (حضار می‌خندند) وقتی برای یک محل [تمرین] افراد از حد ظرفیت بیشتر هستند، صرفاً یک محل تمرین جدید را راه بیندازید. بله، باید این طور انجامش داد. پرسش: عده‌ای از شاگردان در ژاپن به هم اعتماد ندارند، که انجام بسیاری از کارهای اعتباربخشی مان به فا را سخت می‌سازد. من از این بابت غمگینم، و واقعاً امیدوارم بتوانیم خیلی زود به صورت گروهی رشد کنیم.

**معلم:** واقعاً. در اصل، صرف نظر از موقعیت، وقتی عوامل بد پا می‌گیرند، علتش مشکل داشتن شاگردانمان است. دیروز شاگردی مسئله نوشته‌های جعلی را پیش کشید، و من این را می‌پرسم: شما موجودی هستید که دافا تکوین تان داده است، پس چطور می‌توانید فریب آن چیزهای جعلی را بخورید؟ و چرا چیزها را با استانداردهای فا نمی‌سنجید؟ پس آیا شیطان به خاطر بیش از حد قوی بودن وابستگی‌هایتان جایگاه به دست نیاورد؟ در اصل، بعضی افراد هنوز منطقی نیستند، و افکار درستشان به اندازه کافی قوی نیست.

پرسش: در ژاپن بیشتر از هزار مذهب در حال پخش شدن هستند، و مردم ژاپن همیشه فالون گونگ را به عنوان یک مذهب توصیف می‌کنند.

**معلم:** این چیزی است که در مورد این فکر می‌کنم. از این پس، وقتی کسی می‌گوید که فالون گونگ مذهب است، اهمیت ندهید. اگر بخواهند بیشتر بدانند می‌توانید به آنها بگویید که چگونه فالون گونگ مذهب نیست؛ و اگر نمی‌خواهند بیشتر بدانند، لازم نیست درباره این صحبت کنید که مذهب است یا نه. اگر کسی می‌خواهد آن را یک مذهب بنامد، [خوب] بنامد، زیرا در اجتماع، عبارت "مذهب" هیچ مفهوم بدی ندارد. مریدان دافا هنگام تزکیه، شکل مذهب را بر نمی‌گیرند، چراکه آداب و رسومی را برپا نمی‌کنند و نمی‌خواهید که آن آداب و رسوم با شما مداخله کنند. چیزی که به شما می‌گویم یک اصل پایه‌ای در فا است. افراد عادی هر اندازه بتوانند آن را بفهمند... در اصل، مدت‌ها پیش به شما گفتم که افراد عادی به ما مذهب خواهند گفت. در این مورد قبلاً هنگامی که فا را آموزش می‌دادم صحبت کردم.

پرسش: آیا در نسخه ژاپنی جوآن فالون، حرف "的" که برای مثال در "目的" به کار رفته نیز باید به حرف "地" تغییر پیدا کند؟<sup>[1]</sup>

**معلم:** زبان ژاپنی، داستانی دیگر است، چراکه معنی‌هایش با حروف چینی هان فرق می‌کند. فکر می‌کنم بهتر است به نسخه ژاپنی دست نزنید.

پرسش: آیا این صحت ندارد که شاگردانی که بخشی از انجمن فالون دافا هستند نباید هر کاری را که شاگردان دیگر انجام می‌دهند فروشانند؟ (حضار می‌خندند)

**معلم:** در رابطه با کارهایی که شاگردان برای اعتباربخشی به فا و نجات تمام موجودات به وسیله روشنگری حقیقت انجام می‌دهند، آنان نباید آنها را متوقف کنند، و هر کسی که این کار را انجام دهد اشتباه می‌کند. اما بعضی شاگردان گرایش دارند که

در امور به طور افراطی عمل کنند، و این به راحتی می تواند تأثیر منفی بگذارد. در این حالت لازم است که آنها را متوقف کرد. خیلی از شمایی که اینجا میید هماهنگ کننده های مناطق مختلف هستید، و یک چیز را باید به خاطر داشته باشید: به جز زمانی که هماهنگی کلی برای به انجام رساندن کاری لازم است، بیایید آزادی عمل بدهیم و بگذاریم شاگردان خود را آبدیده کنند، و بیایید فرصتی به آنها بدهیم که تقوای عظیم خودشان را بسازند. باید به شاگردان فرصت بدهید و بگذارید آنها امور را انجام دهند. باید این را به خاطر داشته باشید. حتی من، استادان، نیز امور را آزاد می گذارم و می گذارم شاگردانمان مسیر خود را بیمایند. وقتی شاگردی کار اشتباهی انجام داده است باید به او متذکر شوید. و اگر او واقعاً تأثیر بدی داشته است، آن وقت باید با جدیت تمام با او صحبت کنید، و ببینید چطور باید آن را درست کنید و آن اثر بد را جبران کنید. ولی نگوئید او اهریمن است. سخت است در تزکیه مرتکب اشتباه نشد، و در بین اشتباهات، برخی بزرگ خواهند بود و برخی کوچک.

بعد، در خصوص شاگردانمان، شما [شاگردان] باید نگاه جدی ای به خودتان بیندازید. شما مرید دافا هستید، پس نمی توانید نسبت به خودتان و یا دافا با بی مسئولیتی رفتار کنید. شما، هر چه باشد، موجودی هستید که دافا تکوین داده است، و تقوای عظیم شما در کیهان آینده درخششی فروزان خواهد داشت. پس چگونه می توانیم مسیر خود را به خوبی نیماییم؟ پس، بیایید بیش از حد تقصیر را به گردن هماهنگ کنندگان نیندازیم. فرض کنید که هماهنگ کننده عالی و بی نقص شد، او تزکیه اش را تمام کرد، ولی نگاه شما همیشه متوجه بیرون بود، بجای اینکه به داخل بروید خودتان را تزکیه کنید - آن وقت آیا هنوز یک تزکیه کننده می بودید؟ کسی که دارید تزکیه اش می کنید خودتان هستید. اگر واقعاً هماهنگ کننده مشکلی دارد، آن وقت به آرامی با خوش نیتی به او متذکر شوید. شما همه تزکیه کننده اید، و تزکیه کنندگان هنوز وابستگی های بشری دارند که هنوز برداشته نشده اند، وابستگی های بشری واقعاً در برابر تحریک شدن آسیب پذیرند، و وقتی تحریک می شوند معمولاً نقشی منفی ایفا می کنند. پس باید مهربان باشید و امور را به روشی مهربانانه حل و فصل کنید، باید [رفتاری] دوستانه و صمیمی [داشته] باشید، و مسائل را به روشنی توضیح دهید، از روی حسن نیت. و آن موقع امور حل می شوند. اما، اگر هماهنگ کننده ای حتی نتواند به نظرات مختلف که با خوش نیتی ارائه شده اند گوش دهد، به این معنی است که دچار مشکل شده است.

از طرف دیگر، یک تعداد خیلی کم از شاگردان ما به این شکل هستند: در ظاهر با دیگران مهربان اند، ولی چیزهایی که می گویند بسیاری از عوامل خود آنها را همراه خود دارد، حتی عواملی که دیگران را می آزارد. اما در ظاهر، حرف هایشان بسیار ملایم و مؤدبانه است. (حضار می خندند) این ریاکاری و گول زدن مردم است، و ابداً وضعیتی نیست که مرید دافا باید داشته باشد.

اگر هماهنگ کنندگان در منطقه ای خاص بر پایه فا در حال تزکیه نباشند، و یا مریدان دافای آنجا سختکوشانه در حال مطالعه فا نباشند، آن وقت این نوع مسائل پیچیده ای که درباره شان صحبت می کنیم پدیدار می شوند. ولی تمام مریدان دافا و هماهنگ کنندگان باید موضوعی برایشان روشن باشد: وابستگی های بشری یک فرد که هنوز تزکیه نشده باشند بیرون خواهند آمد، اما این معنی را نمی دهد که او خوب نیست؛ و بسیاری از جنبه های خوب تزکیه شده او نمایش داده نخواهند شد، چرا که هر چه باشد آن وابستگی های بشری را تزکیه کرده است. واقعیت این است که وقتی تزکیه کننده ای بین افراد عادی است اما دیگر هیچ وابستگی بشری ای ندارد، او واقعاً هیچ چیزی ندارد که بتواند تجلی پیدا کند، و مسلم است که وقتی واقعاً تا آن نقطه تزکیه کرده باشد به کمال خواهد رسید. بنابراین تا زمانی که کسی وابستگی های بشری دارد آنها خود را نشان خواهند داد، اما این معنی را نمی دهد که او تزکیه نکرده است یا اینکه خوب تزکیه نکرده است. فقط این طور است که در رابطه با موضوع خاص یا قسمت خاصی خیلی خوب عمل نکرد. همه باید به این موضوع توجه کنید.

به بیان دیگر، چیز مهمی نیست که وابستگی های بشری در جینی که خودمان را تزکیه می کنیم بیرون بیایند. نکته کلیدی این است که همه با او به عنوان یک تزکیه کننده برخورد کنند، و وقتی مشکلات پدیدار می شوند به درون نگاه کنید. اگر همه بتوانند این کار را کنند، وضعیت تزکیه آن منطقه مطمئناً عالی خواهد بود و تضادها مطمئناً کم خواهند بود.



پرسش: در تزکیه رهبری وجود ندارد، و دافا سازمانی ندارد. وقتی اعضا یا رؤسای انجمن مان با گروه‌های دیگر جامعه و با دفاتر دولتی تعاملی دارند، آیا به کار بردن عنوان "رئیس" یا "عضو انجمن" مناسب است؟

**معلم:** می‌گوییم که مناسب است — آیا انجمن ساخته نشد تا با اجتماع عادی مطابقت داشته باشید؟ پس چرا از این روش برای روشنگری حقیقت در اجتماع عادی استفاده نکرد؟ البته که بی‌اشکال است، و دولت به شما اجازه ثبت می‌دهد. ولی نمی‌توانید وابستگی به خودنمایی داشته باشید، چون شما دارید به فا اعتبار می‌بخشید، نه به خودتان.

میریدان دافا تزکیه‌کنندگان حقیقی هستند. اگر اجتماع امروز به این صورتی که هست نبود، واقعاً حتی نمی‌خواستیم این انجمن‌های [دافا] را دایر کنید، و فقط در قسمت‌های مختلف، محل‌های تمرینی همراه با عده‌ای هماهنگ‌کننده داشتیم، و بعد عده‌ای هماهنگ‌کننده برای منطقه، همین و بس. در اصل، یک هماهنگ‌کننده کسی است که افراد را به دور هم جمع می‌کند، و او هم یک تزکیه‌کننده عادی است؛ او کسی است که به دیگران خدمت می‌کند و از خودش بیشتر مایه می‌گذارد.

پرسش: گروهی از بیماران سرطانی از ما می‌خواهند که برویم به آنها تمرین را یاد دهیم. آیا می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟ [و سؤالی دیگر این است که] ما مهارت‌های پایه‌ای برای خواندن و رقص نداریم، ولی اگر جداً دل به یادگیری و تمرین آنها بدهیم، آیا می‌توانیم در مدت‌زمان کوتاهی یک اجرای بزرگ فراهم کنیم؟

**معلم:** در مورد این مطلب [دوم]، کاری که از دست‌تان ساخته است را مطابق شرایط و توانایی‌هایتان انجام دهید. ولی اگر مقدمات لازم برای یک اجرای بزرگ را ندارید، با این حال اصرار به [برپایی این] اجرا داشته باشید، آن وقت تماشاچیان به شما می‌خندند. سرگرم کردن مردم ایراد ندارد، اما اگر مردم باریک‌بین باشند و شما را به مسخره بگیرند، آن وقت به نظرم تأثیر عکس می‌گذارد. پس کاری که می‌کنید باید مطابق شرایط و اوضاع باشد.

در مورد بیماران سرطانی که می‌خواهند تمرین را یاد بگیرند، بستگی به انگیزه دارد. وقتی که مردم دنیا می‌خواهند فا را به دست بیاورند، تزکیه کنند، و بگویند فالون دافا عالی است، این اعتباربخشی فعالانه انسان‌ها به فا و انتخاب فعالانه آینده خودشان است. ولی اگر شما از دافا به عنوان نوعی ابزار برای شفادرمانی استفاده کنید، و این کار را بین مردم عادی انجام دهید، آن موقع این کار در واقع بی‌احترامی نسبت به دافا است.

می‌توانید به زندان‌ها بروید تا تمرین را معرفی کنید، و می‌توانید به بیمارستان‌ها بروید تا آن را به بیماران یاد دهید. ما این کار را برای اعتباربخشی به فا انجام می‌دهیم. تفکر تان باید مثل وقتی باشد که برای آموزش تمرین به جاهای دیگر می‌روید، و در اصل دارید این کار را انجام می‌دهید که موجودات ذی‌شعور را نجات دهید و کاری کنید مردم فا را کسب کنند و رهایی به دست آورند. اگر دافا را به ابزاری برای اصلاح اشتباهات مردم یا معالجه بیماری‌هایشان تبدیل کنید، یا به آن به عنوان راهی برای تغییر محنت‌هایی که افراد عادی [برای خود در ذخیره دارند] فکر کنید، آن وقت این یک مشکل است. دافا منحصراً به هدف نجات مردم در حال اشاعه در اجتماع بشری است. این موضوع باید برایتان روشن باشد. بعضی‌ها می‌گویند، "فالون گونگ در معالجه سرطان فوق‌العاده خوب عمل می‌کند. همه‌تان باید بیایید تمرینش کنید،" که در این صورت مسلماً مؤثر واقع نمی‌شود، چراکه فکرتان خارج از مسیر است. دافا اینجا نیست که مردم را شفا دهد. مشکلات را برای مردم به هدف نجات دادن‌شان در سطحی بنیادی، برطرف می‌کند. اگر این نقطه شروع است نتیجه مطمئناً خوب خواهد بود. اما اگر با یک وابستگی به بعضی مسائل عادی به آن پردازید، آن وقت تأثیر خوب نخواهد بود.

تزکیه چیزی باوقار است. لی هنگجی ابدأ اینجا نیامد که هدایت‌تان کند مردم را شفا دهید، و چه برسد به بعضی مسائل بشری، و ابدأ برای این نبود که هدایت‌تان کند نوعی مذهب در جامعه شروع کنید. برای آموختن این به شما که تزکیه کنید و از روی احساس مسئولیت نسبت به نجات زندگی‌تان آمد.

پرسش: در مدت انتخابات ریاست جمهوری تایوان، وابستگی‌های بشری عده‌ای از شاگردان برانگیخته شد. آیا این آزمایشی بود که نیروهای کهن ترتیب داده بودند؟ طریقه درست اداره این موضوع برای ما چیست؟

**معلم:** اگر آسمان هم فرو می‌ریخت، افکار درست یک تزکیه‌کننده نکان نخورده می‌ماند -/این تزکیه است، و/این ستودنی است. (تشویق) یک تزکیه‌کننده به هیچ چیز در این دنیا وابسته نیست. امروز تزکیهٔ مریدان دافا شکل متفاوتی را پیش می‌گیرد. شما در تزکیه تمام سعی‌تان را در دنیای بیرون می‌کنید که با اجتماع عادی مطابقت داشته باشید، در اجتماع عادی شغل‌های معمولی دارید، و خانواده و شغل و تمام اینها را دارید - پیوند نزدیکی با جامعه دارید. در خصوص انتخابات تایوان، عده‌ای از شاگردان فکر کردند که شخص خاصی خیلی خوب است و بنابراین خواستند به او رأی بدهند، در صورتی که عده‌ای دیگر فکر کردند فرد دیگری خیلی خوب است و خواستند به آن یکی رأی بدهند. مردم نظرهای مختلف و مختص خود را دارند، و این هیچ اشکالی ندارد. اعمال فردی یک نفر در جامعه معرف دافا نیست. اما نمی‌توانید به آن چیزها آن‌طور که مردم عادی وابسته‌اند وابسته باشید.

هر کسی که به او رأی می‌دهید، من، به عنوان استاد شما، نمی‌توانم بگویم اشتباه می‌کنید، و در این چیزها درگیر هم نمی‌شوم. زیرا مسیری که از شما می‌خواهم پیش بگیرید از شما می‌خواهد در اجتماع عادی تزکیه کنید. تزکیه‌کنندگان فقط می‌توانند به یک اجتماع سود برسانند. شما در اجتماع عادی تزکیه می‌کنید ولی اجتماع بشری را به این یا آن سمت نمی‌رانید.

پس در مورد هر شاگرد، برای شما اشکالی ندارد که به عنوان یک فرد منفرد به هر کسی رأی بدهید. فقط اینکه نمی‌توانید بیش از حد وابسته باشید. ولی از طریق شکنجه و آزار علیه مریدان دافا در سرزمین اصلی چین، مریدان دافا از [واقعیت] چیزی با خبر شده‌اند، و بنابراین عده‌ای فکر می‌کنند، "هر کسی که به شیطانی که ما را شکنجه می‌کند نزدیک باشد، به او رأی نمی‌دهم". (تشویق) و به عنوان استاد شما مخالفتی با این نیز ندارم. (حضار می‌خندند، تشویق می‌کنند) اینها افکار خود شاگردان است، و به عنوان استادتان، به شما نگفته‌ام به چه کسی رأی دهید. حتی کمتر این‌طور است که به شما بگویم دست به هیچ عملکرد گروهی‌ای بزنید، و چنین چیزی مجاز نیست. (حضار می‌خندند)

در رابطه با بحث و صحبت شاگردان با هم در مورد مسائلی معین، این کاری است که آنها، همراه هم تزکیه‌کنندگان خود، و به صورت افراد منفرد، انجام می‌دهند. و وقتی در مورد این صحبت می‌کنید که به چه کسی رأی خواهید داد و فردی دیگر می‌خواهد به چه کسی رأی دهد، اینها همگی اعمال افراد منفرد هستند و ارتباطی با خود دافا یا انجمن دافا ندارد. یک هماهنگ‌کننده در انجمن دافا، به همین شکل، می‌تواند از حزب خاصی حمایت کند، و این عملکرد شخص اوست. این را به این علت می‌گویم که او در حال تزکیه است و در عین حال عضوی از جامعه. آیا می‌توانید از او بخواهید که در حین تزکیه به طور کامل از تمام امور بشری کنار بکشد؟ این فقط هنگامی می‌تواند اتفاق بیفتد که تزکیه‌اش به کمال رسیده باشد. بنابراین در حینی که در اجتماع عادی تزکیه می‌کند، با اجتماع در تعامل خواهد بود، و به هر کسی که بخواهد رأی خواهد داد. او دیدگاه خودش را دارد، و هیچ اشکالی در مورد آن وجود ندارد.

نتیجهٔ انتخابات هر چه باشد، نباید منجر به برخورد و اختلاف در اجتماع شود - این بسیار خطرناک است. به عنوان یک تزکیه‌کننده باید با خودتان سختگیرتر باشید، و برای همین است که به شاگردانمان می‌گویم که نمی‌توانید تحت تأثیر وابستگی‌های بشری باشید یا مثل افراد عادی [دارای عملکردی] از روی انگیزهٔ آنی و بدون پیش‌اندیشی باشید. دلیلش این است که شما همراه خود انرژی دارید و دارای توانایی‌هایی هستید، آنچه انجام می‌دهید عوامل بسیار بزرگ را به حرکت در می‌آورد، و تأثیری که روی اجتماع می‌گذاشتید عظیم می‌بود. پس نمی‌توانید جمعیت افراد عادی را دنبال کنید. دیدم که عده‌ای از شاگردان تا آن حد تحت تأثیر افراد عادی قرار گرفتند که عصبانی و پر از احساسات شدند، و افکار درشتشان قوی نبود؛ در آن لحظه هیچ کس نمی‌توانست تصویر تزکیه‌کنندگی شما را ببیند. نمی‌توانید این‌طور عمل کنید. در آن سال طی دادخواهی ۲۵ آوریل مان، ما صلح جو و کاملاً معقول بودیم. ما برای اجتماع سودمندیم.

پرسش: حالا که موجودات شیطانی و خادمان تاریک نیروهای کهن زیادی باقی‌مانده است، موقعی که شاگردان خوب عمل نمی‌کنند چه با آنها در حال مداخله است؟

**معلم:** خیلی از خادمان تاریک نیروهای کهن از بین رفته‌اند، آنها در اطراف سرزمین اصلی چین با هم قرار می‌بندند، و هر از گاهی بیرون می‌آیند که کار بدی انجام دهند. (حضار می‌خندند) و چیزی که می‌خواهم دور ریخته شود آن موجودات خدایی بدی هستند که بیرون سه قلمرواند. آنها در حال هدایت موجودات شیطانی‌اند، و برخی حتی خودشان کارها را انجام می‌دهند. ولی به هر صورت، حالا که در این مقطع است، اگر خدایی جرئت کند مستقیماً در آن چیزها شرکت کند، آن وقت حتی اگر من او را دور نریزم آن بالایی‌ها این کار را خواهند کرد. امور اکنون به سرعت در حال تغییرند.

پرسش: معنی "ماندگار یا گذرا - همه به خاطر زمان است" چیست؟

**معلم:** "ماندگار" اشاره به گذشتن از میان سالیان دراز و طولانی دارد و همه چیزهایی که در طول آن زمان نمایان شده‌اند. قسمت "گذرا" صرفاً اشاره دارد به برهه‌ای کوتاه از زمان. چه ماندگار باشد چه گذرا، طوری که خدایان می‌بینند، طول مفهوم زمان یکسان است. و شاید لحظه‌ای از زمان در آنجا منجر به سال‌های دراز و طولانی برای حیات‌های اینجا شود. و به چشم ما چیزی که فقط یک لحظه است، این لحظه می‌تواند دوره‌ای طولانی و ماندگار در یک میدان زمانی دیگر باشد. ضمناً، آنچه دوره‌ای طولانی و ماندگار در دنیای ماست برای خدایان بسیار عظیم معنی فقط لحظه‌ای کوتاه است. زمان است که باعث تمام اینها می‌شود، و زمان است که ترفند می‌زند. معنی‌اش این است.

پرسش: من فرصت نامزدی در انتخابات شورای شهر را داشتم، و با افراد زیادی از اقلشار مختلف جامعه آشنایی پیدا کردم، و این بنیان خوبی برای روشنگری حقیقت در آینده گذاشت. چون به سمت شورای شهر وارد نبودم مجبور بودم زمانی را برای یادگیری موضوعات شورا، شرکت در امور خدمات عمومی، و یادگیری این که چگونه یک عضو شورا باشم صرف کنم. بعضی اوقات درباره این موضوع خیلی احساس تعارض می‌کنم، چراکه فکر می‌کنم که وقتی را باید برای تولید برنامه‌های تلویزیونی یا شکل‌های دیگر کار روشنگری حقیقت صرف کنم.

**معلم:** فایه که آموزش می‌دهم درباره تزکیه در اجتماع عادی است. و وقتی در اجتماع عادی تزکیه می‌کنید، به عنوان یک مرید دافا همه نوع تعاملی با اجتماع خواهید داشت. شغل‌های مختلفی که دارید ذاتاً [این معنی را می‌دهد که شما] با اجتماع در تعامل خواهید بود. تعارضی در اینجا وجود ندارد.

در اصل، خیلی از شاگردانمان شغل‌های مختلفی دارند و در کنار کارشان حقیقت را روشن می‌کنند. فقط موضوعی از این است که چگونه به خوبی زمانتان را برنامه‌ریزی کرده و از آن استفاده کنید، موضوعی از این است که چگونه بهتر عمل کنید. من مخالف این نیستم که شغل‌های برگزیده معینی داشته باشید. کسب و کارتان هر قدر هم که بزرگ باشد و مقامتان هر قدر هم که بالا باشد، هیچ کدام اینها مغایرتی [با آنچه که انجام می‌دهیم] ندارد. می‌خواهم تأیید کنم که افراد هر قشری از جامعه می‌توانند تزکیه کنند، و [با اجازه دادن به این] واقعاً دارم نمونه‌ای به جا می‌گذارم. در تاریخ موارد خیلی کمی از نجات یافتن ثروتمندان یا صاحب‌منصبان رده بالا وجود داشت. ولی من بر آن اساس تبعیض قائل نمی‌شوم، فقط به قلب افراد نگاه می‌کنم. همه را نجات می‌دهم. (تشویق) تجربه زنده ثابت کرده که این درست بوده است - نه تنها انجام‌پذیر است، بلکه مریدان دافای من در تزکیه موفق شده‌اند. در گذشته، چون قانون بزرگ نبود، حقایقی که خدایان مختلف اعتبار می‌بخشیدند و به آنها روشن می‌شدند حقیقت بنیادی کیهان نبودند. امروز قانون بزرگ در حال منتقل شدن است، بنابراین هر کاری می‌تواند انجام شود.

پرسش: ما کار و فعالیت‌های زیادی برای اعتباربخشی به فا داریم. من وقت برای تضمین اینکه همه چیز را به انجام برسانم ندارم، و هر روز زمان کمی برای انجام تمرینات و مطالعه فا دارم.

**معلم:** بله، این یک مشکل است. اگر واقعاً با کار دافای واقعی معینی مشغول هستید، می‌توانید اندکی تمرینات را آسان‌تر بگیرید و بعداً وقت کنار بگذارید که جبران‌ش کنید. این اشکال ندارد. زیرا، در خصوص این تمرینات، می‌توانید وقتی وقت دارید بیشتر انجامشان دهید، و وقتی وقت ندارید کمتر انجامشان دهید. استاد در این مورد به شما گفته است. با این حال، وقتی به مطالعه فا می‌رسد، فکر می‌کنم که باز لازم است برای مطالعه زمان باز کنید، حتی اگر این فقط به معنی مدت‌زمان خیلی کوتاهی باشد. اما

وقتی برای مطالعه زمان باز می‌کنید مشکلی وجود دارد که احتمال پیش آمدنش هست: ذهنتان را نمی‌توانید آرام کنید، و اگر نتوانید ذهنتان را آرام کنید، در واقع بیهوده مطالعه می‌کنید و وقتتان را تلف می‌کنید. اگر قصد دارید که مطالعه کنید، لازم است هر چیز دیگری را که در ذهنتان است کنار بگذارید، ذهنتان را استوار نگه دارید، ذهنتان را آرام کنید، و واقعاً مطالعه کنید. حتی اگر فقط چند پاراگراف [به این صورت] مطالعه کنید، بهتر از خواندن کل کتاب با یک ذهن بی‌قرار است. وقتی فا را مطالعه می‌کنید باید جذبش کنید.

پرسش: آیا درست است که همهٔ محنت‌هایی که مریدان اکنون از میان آنها می‌گذرند توسط هدف قرار دادن اصلاح دافا توسط نیروهای کهن ایجاد شده‌اند؟

**معلم:** نه، محنت‌های شما همگی بخشی از تزکیه‌تان هستند، و مداخلهٔ نیروهای کهن تزکیهٔ فقط تعداد کمی از شما را هدف می‌گیرد. می‌گویم که من مداخلهٔ نیروهای کهن با مریدان دافا را به رسمیت نمی‌شناسم، زیرا مریدان دافا مریدان من‌اند، و هیچ کس دیگری لیاقت ادارهٔ آنها را ندارد. و حتی کمتر این طور است که بتوانیم اجازه دهیم در نقشه‌شان برای استفاده از مریدان دافا و تحمیل چیزها به مریدان دافا برای رسیدن به اهدافشان موفق شوند، و مریدان مرا تباه کنند. دلیلی که توانسته‌اند مداخله کنند این است که از وابستگی‌ها و کاستی‌هایشان استفاده برده‌اند، و همین طور کارمیتان هست که از گذشته‌تان باقی مانده است. شکنجه و آزار همچنین از این عوامل ناشی می‌شود. اصلاح فا در ورای سه قلمرو ارتباط چندان مستقیمی با شما ندارد، اما شما طی دورهٔ اصلاح فا اینجایید و موقعی که استاد اینجا هست اینجایید، و شما مریدان دافا در دورهٔ اصلاح فا هستید.

پرسش: بعضی شاگردان فکر می‌کنند که اگر فقط در خانه بمانند و افکار درست بفرستند، و از تلفن زدن برای روشنگری حقیقت استفاده کنند، به عنوان مرید دافای دورهٔ اصلاح فا به حساب می‌آیند و لازم ندارند که بیرون بیایند. آیا این اشکالی ندارد؟

**معلم:** اگر آنقدرها با امور دافا مشغول نباشند، آن وقت کاملاً درست نیست که برای فعالیت‌های گروهی به منظور اعتباربخشی به فا و روشنگری حقیقت، یا فعالیت‌های دیگر نظیر مطالعهٔ گروهی فا، بیرون نیایند. مطالعهٔ گروهی فا یک محیطی است که برایتان به وجود آورد و یک شکلی است که برایتان به جا گذاشته‌ام. فکر می‌کنم که هنوز باید شرکت کنید. زیرا از آزمون تجربه سربلند بیرون آمده است، و تزکیه کردن به این صورت به شاگردانمان اجازه می‌دهد که به سریعترین شکل رشد کنند. وقتی [به تنهایی] خودتان تزکیه می‌کنید، عواملی را که به شما کمک می‌کنند رشد کنید از دست می‌دهید. و آیا شمایی که مرید دافا هستید نگفته‌اید که هر طور که استادتان بگوید عمل می‌کنید؟ آیا نگفته‌اید که باید مسیری که یک مرید دافا باید پیش بگیرد را مستقیم ببیمایید؟

می‌توانم چالش‌هایتان را ببینم، بنابراین نمی‌خواهم بگویم که "باید" چنین و چنان کنید. به ندرت چنین چیزی می‌گویم، چون می‌دانم برایتان سخت است. از این گذشته، در تزکیه باید خودتان به درک امور برسید. من اصول فا را تشریح می‌کنم، اما لازم است که خودتان مسیر را ببیمایید. اگر به شما می‌گفتم که "باید" چنین و چنان کنید، ولی در چیزی کوتاهی‌ای داشتید، آن وقت این کوتاهی در اصل تقصیر استاد می‌بود؛ استاد نگذاشته بود به درک [های] خودتان از آن چیز برسید یا نگذاشته بود خودتان اداره‌اش کنید، بنابراین آن قسمت از شما تزکیه نشده بود. برای همین است که به ندرت چیزها را آن طور بیان می‌کنم. یک مرید دافا باید مسئولیت‌هایش و آنچه را که به عنوان یک مرید دافا باید انجام دهد تشخیص دهد.

پرسش: من بارها در فعالیت‌های مهم برای اعتباربخشی به فا شرکت کرده‌ام، و پی برده‌ام که وقتی سعی داریم کار بزرگی را به انجام برسانیم، غالباً مقدار زیادی مداخله، از بین بردن کارما، و غیره وجود دارد.

**معلم:** از همان روز اول، اخلال وجود داشته است، بنابراین اخلال‌ها بعضی مواقع پیش می‌آیند، هم بزرگ و هم کوچک، باقی‌مانده‌های نیروهای کهن و آن چیزهای بد صرفاً کنار نخواهند کشید. هر بار که فا را آموزش می‌دهم می‌توانند آن را بشنوند. درست مثل شما آن را می‌شنوند، و هم‌زمان با شما، اما صرفاً به انجام آن کارها پافشاری می‌کنند. گناهانشان آن قدر عظیم است که دیگر نمی‌شود آنها را بر حسب زندگی آنان سنجید. در آینده به طور بی‌پایان تاوان گناهانشان را خواهند پرداخت، و با این

وجود هم نخواهند توانست تاوان همه آن را بپردازند - گناهانشان این طور عظیم است. و وقتی به باقی مانده های نیروهای کهن در سه قلمرو، و انواع گوناگون عوامل فاسد در کیهان، می رسد، آن عوامل کهن نهایی در حال قربانی کردن آنها و واداشتن آنها به این هستند که تا خود پایان ادامه دهند. گناهان آن چیزها آن قدر عظیم است که گناهانشان می توانست آنها را به خاکستر تبدیل کند. بی رحمی آن عوامل بد است که آنها را به آن صورت درآورده است.

پرسش: آیا بهتر است که ذهنی ساده داشت یا پیچیده؟ و به چه دلیل؟

**معلم:** به چشم خدایان، اگر ذهن کسی ساده و پاک باشد، خدایان او را فرد خوبی در نظر می گیرند. و اگر ذهن کسی پیچیده باشد، آن وقت خدایان او را بد در نظر می گیرند، چرا که به طوری که خدایان می بینند، آیا آن به خاطر وابستگی های شکل گرفته در دنیای بشری، پیچیده نشده است؟ آیا پیچیده بودن نتیجه وابسته بودن به دنیای بشری نیست؟ بنابراین این حقیقتی در تزکیه است.

داشتن ذهنی ساده معنی اش این نیست که خرد کمی دارید، و داشتن ذهنی پیچیده معنی اش این نیست که خردمند هستید. و این مغایرتی با شکل تزکیه ای که مریدان دافا اینجا در محیط افراد عادی انجام می دهند یا هیچ یک از چیزهایی که امروز برای اعتباربخشی به فا در حال انجامشان هستید ندارد. خرد یک مرید دافا از افکار درست - افکار خدایی - می آید، و این نوع خرد با مفهوم یک ذهن پیچیده که بین افراد عادی و در جامعه شکل گرفته باشد فرق می کند. آن چیز همه اش درباره علاقه شخصی است، خودخواه است، و شکلی از حيله گری است که با نقشه کشیدن علیه افراد دیگر توسعه پیدا کرده است. از طرف دیگر، نقطه شروع یک مرید دافا اعتباربخشی به فا است، و در پی چیزی برای خود بودن وجود ندارد. بنابراین به طور بنیادی فرق می کند. دومی خرد بزرگ است، در صورتی که به اولی باید افکار پیچیده گفت. و مطمئناً هم تجلی هایشان با هم فرق می کند.

پرسش: منطقه ما اکنون مدتی طولانی است که شاگردان با سابقه بسیاری داشته که برای مدتی به مطالعه گروهی فایز شده اند، و تمرینات را در بیرون نیز با ما انجام نمی دهند. آنها فکر می کنند که می توانند بدون آمدن به مطالعه گروهی فا، درست همان طور در خانه فا را به خوبی مطالعه کنند، و اینکه در خانه می توانند به همان شکل، تمرینات را هم به خوبی انجام دهند. به نظرشان این طور پرداختن به امور مانع رشد ما به صورت کل نمی شود.

**معلم:** در اصل، می گویم که اگر واقعاً افرادی شبیه این وجود داشته باشند، این نتیجه وابستگی های بشری شان است. اگر باور ندارید، ریشه های ذهنتان را مورد کند و کاو قرار دهید و حتماً وابستگی ها را پیدا می کنید. آسان گیرانه بگوییم، تبیل هستید. جدی تر بگوییم، می ترسید. البته، بعضی شاگردان با سابقه، با کاری مشخص دست و بالشان بند شده است، و آن فرق می کند.

پرسش: اگر کسی زمانی از آن فرد ننگین در هنگ کنگ دنباله روی کرده باشد، آیا هنوز می تواند در پروژه های رسانه ای که اکنون در حال انجامشان هستیم شرکت کند؟

**معلم:** بهتر است که از استاد سوال خاصی نظیر این را نپرسید. بعضی شاگردان ما مرتکب اشتباه شده اند، اما تا زمانی که آنها را اصلاح کرده باشند خوب است - چه کسی هرگز اشتباهی نکرده است؟ بنابراین از نقطه نظر شاگرد [که بگوییم]، وقتی شاگردان دیگر به شما اعتماد نمی کنند، سرسختانه با آنها مخالفت نکنید. این فکر بدی نیست که کمی از آن موضوع دوری کنید، چرا که به این طریق هر دو طرف، فشار روانی کمتری روی خود دارند.

اگر افراد نمی گذارند آن کارها را انجام دهید، می توانید صرفاً به خیابان بروید تا فلایر پخش کنید، که به همان شکل موجودات ذی شعور را نجات می دهد. یا می توانید به کنسول گری یا سفارتخانه بروید تا افکار درست فرستاده یا کارهای دیگر انجام دهید. می توانید هر یک از اینها را انجام دهید، پس چرا باید به یک کار [خاصی] وابسته باشید؟ هر چه بیشتر وابسته شوید، تأثیر بدتری به شاگردان دیگر منتقل می کنید، درست است؟ پس چرا روی آن پافشاری کرد؟ و آیا نیروهای کهن از این طور بودن تان برای ایجاد آشوب و اغتشاش استفاده خواهند کرد؟ بنابراین در خصوص هر کاری که انجام می دهید، اگر آن بتواند از اینکه دافا را در نظر می گیرید ناشی شود، آنگاه فکر می کنم امور متفاوت خواهند بود و وضعیت تغییر خواهد کرد. پیشنهاد می کنم که تمام

شاگردانی که با سوءظن به آنها نگرسته می‌شود، به کنسول‌گری‌ها یا سفارتخانه‌ها و به خیابان بروند تا اطلاعات را پخش کنند، به مکان‌هایی بروید که بیشتر از همه به شما نیاز دارند، و به‌طور مستقیم و رودررو برای مردم حقیقت را روشن کنید، و فعلاً درگیر کارهای داخلی پروژه‌ها نشوید. به همه نشان دهید که آیا واقعی هستید، که آیا در حد استاندارد هستید.

در مورد آنهایی که واقعاً مسئله‌دار هستند، لازم نیست نگران آنها باشید. آن افراد بین مریدان دافا هستند اما در فا نیستند، و وقتی نیروهای کهن کارشان با آنها تمام شود زندگی‌شان به پایان خواهد رسید. در حقیقت، می‌دانم که بعضی از آنهایی که مسئله‌دار هستند می‌دانند که دافا خوب است، اما چون می‌ترسند دفاتر جاسوسی کارهای شرم‌آوری را که قبلاً انجام داده‌اند که باعث صدمه به افراد شده است پیش همه آشکار کنند، ترسشان آنها را به این کشانده که به انجام کارهای بد ادامه دهند در حالی که تمام مدت از بدن‌های قانون استاد التماس می‌کنند امور را بر آنها آسان‌تر کند. اما آنها چگونه می‌توانند؟ تزکیه خیلی باوقار است، مخصوصاً تزکیه یک مرید دافا – چه تقوای عظیمی! با این حال آنها دارند از روی وابستگی به این شکل التماس می‌کنند، و علاوه بر آن، ترسی کثیف و زنده دارند. آنها هیچ موافقتی دریافت نخواهند کرد، امکانش نیست. اما باقی‌مانده‌های نیروهای کهن و اهریمن‌های پوسیده می‌توانند وابستگی‌های آن افراد را ببینند، و بنابراین خود را به‌جای استاد جا می‌زنند و شما را هدایت می‌کنند یا به شما می‌گویند که انجام کارهای خاصی اشکال ندارد. با این کار دارند سعی می‌کنند که تا سرحد مرگ شما را شکنجه کنند.

**پرسش:** تمام مریدان دافای تایوان و مریدان کوچک در مدارس مینگ‌هوئی تایوان به استاد درود می‌فرستند. (معلم: متشکرم.) (همه تشویق می‌کنند) تمام مریدان کوچک در کودکانستان‌های مینگ‌هوئی تایوان به استاد درود می‌فرستند. طی دوره اصلاح فا، چگونه می‌توانیم از رویکرد آموزش، برای اعتباربخشی به دافا بهتر استفاده کنیم؟

**معلم:** در اصل، کاری که در حال انجامش هستید اعتباربخشی به دافا است. دانش‌آموزان مدارس مینگ‌هوئی، مریدان جوان شده‌اند، و این روی جامعه تأثیر داشته است، روی مدارس تأثیر گذاشته است و روی دوائر آموزشی تأثیر گذاشته است. بنابراین انجام شدن امور در عمق بیشتر و با وسعت بیشتر، این در واقع چیزی است که به امید این هستیم که انجامش دهید. (معلم می‌خندد) (تشویق) گفتم که این چیزی است که من به امید آن‌ام، اما اگر دقیق‌تر بگویم، چیزی است که تمام حیات‌ها به امید آن هستند. (معلم می‌خندد) (تشویق)

**پرسش:** در یک منطقه، بعد از اینکه عده‌ای تازه از چین رسیده و اظهار کردند که مرید دافا هستند، بعضی از هم‌ترکیه‌کنندگان بلافاصله به آنها کمک کردند که برای پناهندگی اقدام کنند. آیا قبل از اینکه به آنها کمک کنیم پناهندگی بگیرند لازم است زمانی را بگذاریم تا بیشتر آنها را بشناسیم؟

**معلم:** وقتی به این موضوعات می‌رسد، شاگردان می‌توانند بر طبق شرایط، خودشان تصمیم بگیرند که چه انجام می‌دهند. اگر آن شخص یک مرید واقعی دافا باشد، آن وقت نمی‌توانید وقتی او سختی دارد از کمک کردن خودداری کنید. سوالات بسیار زیادی از فا از او بپرسید و موضوع روشن خواهد شد، نه؟

**پرسش:** بعضی شاگردان وقتی کارهایی انجام می‌دهند افراطی عمل می‌کنند و تأثیر بدی روی دافا داشته‌اند.

**معلم:** موجوداتی که خدایان از همه کمتر برایشان احترام قائل‌اند آنهایی‌اند که نمی‌توانند خود را پیدا کنند و هر وقت که کارهایی انجام می‌دهند فقدان افکار درست دارند. اگر کسی نتواند خود را پیدا کند، اگر نگوید که چه منظوری دارد، اگر وقتی کارهایی انجام می‌دهد افراطی عمل کند، و اگر اوی واقعی کنترل را در دست نداشته باشد، آن وقت به من بگویید، من در حال نجات چه کسی خواهم بود؟ کدام یک شما هستید؟ خدایان برای موجوداتی مثل این کمترین احترام را قائل‌اند. گرچه آن افراد به رده مریدان دافا پیوسته‌اند، در اصل قسمتی از دافا نیستند. واقعاً غم‌انگیز است. آنها افکار درستی ندارند.

**پرسش:** بعضی شاگردانی که توانایی‌های فوق‌عادی دارند فکر می‌کنند که، هنگامی که افکار درست می‌فرستند، حیات‌ها در بعدهای دیگر باید نجات پیدا کنند، و این کمی عدم نیک‌خواهی است که آنها را ریشه‌کن کرد...

**معلم:** اگر اصلاح فا وجود نداشت، یا اگر وقتی این اتفاق افتاد صرفاً استاد یک روش در حال راهنمایی شاگرد خود بود، آن وقت واقعاً نمی‌شد بگویید که برای مرید او داشتن این درک، اشتباه است، اگرچه استادش فکر می‌کرد که از نظر افکار صحیح کمبود دارید. هر استادی که باشد، اگر مریدی شبیه این داشت، آن مرید دیر یا زود مرخص می‌شد، زیرا اگر آنچه را که استاد شما به شما می‌گوید انجام ندهید، چه نوع مریدی هستید؟ امروز چیزی که دارد اتفاق می‌افتد متفاوت است. اصلاح فا در حال نمایان شدن است و بسیار فراتر از تزکیه شخصی یک موجود می‌رود. وقتی یک موجود با شما و با دافا مداخله می‌کند، آن موجود باید پاکسازی شود، و این دیگر موضوعی از این نیست که آیا شما به عنوان یک فرد منفرد با رحمت هستید یا نه؛ بلکه موضوعی از این است که نسبت به دافا مسئول هستید یا نه.

شما یک مرید دافا هستید، پس فکر نکنید که هدف از نجات مردم فقط این است که خود شما تا کمال تزکیه کنید. این‌طور نیست، مسئولیت یک مرید دافا اعتباربخشیدن به فا است. آیا حتی به فا اعتبار نمی‌بخشید؟ آیا زمانی که دافا در حال صدمه دیدن است، شما بی تفاوت هستید؟ مریدان دافا در سرزمین چین توسط شکنجه و آزار از سوی آن چیزها کشته شدند — آیا این ارتباطی به شما ندارد؟ شما از فا همه چیزی به دست آورده‌اید، در حالی که دافا در افزایش نیازمند هیچ چیزی از شما نیست. اما از آنجا که شما یکی از مریدان دافا هستید، اگر دافا از میان می‌رفت، آیا امکان داشت که شما وجود داشته باشید؟ آیا محافظت از دافا محافظت از خودتان نیست؟ در اصل، فکر می‌کنم مشکل این شاگرد فراتر از سردرگمی صرف رفته است. من خواندن آنچه را که روی برگه پرسش است تمام نکردم...

پرسش: ... مجموعه چیزهایی اختراع کرد که شامل یک تعداد بار از حفظ خواندن لونیو و اضافه کردن مودرهای [۲] خاص می‌شود، و گفت که تأثیر قدرتمندی دارد. (معلم: دیدید، نگفتم مشکل او از سردرگمی صرف فراتر رفته؟) (حضار می‌خندند) و آرام به راه افتاد که به شاگردان دیگر آموزش دهد.

**معلم:** این مداخله است. اکنون در حال استفاده شدن توسط اهریمن‌هاست، فقط اینکه هنوز به آن جدیت نیست. پس در مورد این شاگرد، سطحش به طور بدی تنزل پیدا کرده است، و در مقایسه با مریدان دافایی که به طریق درست و با ایهت در حال اعتباربخشی به فا هستند، خیلی ناچیز و بی‌ارزش به چشم می‌آید، (معلم آه می‌کشد) و بسیار عقب است. واقعیت این است که نمی‌تواند با شاگردان دیگر مداخله کند، چراکه بسیاری از شاگردان می‌توانند تشخیص دهند که او درست نیست، و فقط یک اقلیت کم که وابستگی‌های قوی دارند تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

پرسش: من احساس می‌کنم که نیروهای کهن برای ما بعضی زمان‌های بحرانی را نظم و ترتیب دادند و می‌خواهند ما را پایین نگه دارند، اما تا وقتی که ما آن آزمون‌ها را بگذرانیم و به آن سختی‌ها چیره شویم قادر خواهیم بود که وابستگی‌های بنیادی‌مان را رها کرده و به این ترتیب بهتر عمل کنیم.

**معلم:** بله، اگر شما به هیچ چیز وابسته نبودید نیروهای کهن بهانه‌ای نمی‌داشتند و نمی‌توانستند کاری نسبت به شما انجام دهند.

پرسش: نقش تایوان در دوره اصلاح فا چیست و بعد از اینکه فا دنیای بشری را اصلاح کند چه خواهد بود؟

**معلم:** اصلاح دنیای بشری توسط فا موضوعی مربوط به آینده است. در خصوص نقش تایوان، فقط می‌توانم به شما بگویم که در حالی که [آن و سرزمین اصلی]، نیاکان یکسانی دارند و به یک گروه قومی تعلق دارند، اما طرز برخورد نسبت به دافا در دو طرف تنگه، متفاوت است، و آن یک تفاوت شدید است.

پرسش: مریدان دافا مشخصاً چگونه خواهند دانست که روزی است که دوره اصلاح فا پایان می‌یابد؟

**معلم:** وابسته نباشید. وقتی آن روز بیاید، تاریخ این کیهان کهن به پایان خواهد رسید، و مریدان دافا به کمال خواهند رسید. آن لحظه که شما به کمال می‌رسید و به باز شدن [گونگ] می‌رسید برای یک موجود ذی‌شعور، آن فقط موضوعی از حرکت از یک ثانیه به ثانیه بعدی است — و حتی یک ثانیه هم نیست — از یک لحظه به لحظه بعد، و از خط جداکننده بین انسان و خدا بودن

عبور می‌شود. تزکیه یک مرید دافا از ریزکیهان به سطح می‌رود، و برای همین است که بخشی که در ریزکیهان به طور کامل تزکیه شده است وقتی که بدن اصلی در حال کنترل آن نیست کاری انجام نخواهد داد، اما آن همه چیز را می‌داند چرا که هر چه باشد تزکیه را تمام کرده است. بخشی از شما هست که در بالاترین قلمرویی که به آن تزکیه کرده‌اید و در هر قلمروی منفرد پایین آن، تمام راه تا پایین، وجود دارد و شما وضعیت امور در تمام قلمروهایی که در آن هستید را می‌دانید. بنابراین بین یک ثانیه و ثانیه بعد، فرد بلافاصله از یک بشر بودن به یک خدا بودن می‌رود. و در آن لحظه همه چیز را خواهید دانست، و در آن لحظه یک خدای توانای مطلق و با عظمت خواهید شد.

**پرسش:** آیا وضعیت سیاسی کنونی در تایوان، طراحی نیروهای کهن است، یا توسط وابستگی‌های مریدان دافا به وجود آمد؟

**معلم:** ظاهراً شاگردان ما واقعاً دلواپس این هستند. مریدان دافا آن وضع را به وجود نیاوردند؛ آن چیزها ارتباطی به مریدان دافای ما ندارد. همه‌شان توسط عواملی که نیروهای کهن در گذشته به جا گذاشتند به وجود آمد. اما با قضاوت توسط امور در حال حاضر، به نظر می‌رسد که باقی‌مانده‌های نیروهای کهن، دیگر نمی‌توانند آرزوهای خود را به انجام برسانند.

**پرسش:** شاگردی هست که بعد از اینکه شیطان شکنجه و آزار خود را آغاز کرد برای دادخواهی به پکن رفت. اما بعد از آن او فقط جوان فالون را می‌خواند و نوشته‌های جدیدتر را نمی‌خواند. ما بارها افکارمان را با او در میان گذاشته‌ایم، به این امید که از آن درک نادرست بیرون بیاید، اما هیچ موثر نبوده است. ممکن است بیرسم که برای بیدار کردن او از چه نوع "پتکی" باید استفاده شود؟ (معلم می‌خندد) (حضار می‌خندند)

**معلم:** با نیت خوب با او صحبت کنید و ببینید که وابستگی‌هایش چه هستند. او به سبب وابستگی‌ای یک مانع ذهنی دارد، و او ترس دارد، و اینها آن چیزهایی هستند که آن وضعیت را به بار آورده‌اند. او دروغ‌ها و تبلیغات شیطان را باور کرد - غیر از این چه؟ اما او می‌داند که فا خوب است، بنابراین در کشمکش است، و نمی‌تواند [بعضی چیزها را] رها کند. اگر واقعاً نتواند به حد نصاب برسد، آن وقت این مربوط به خود اوست. اما اگر هنوز به نجات او امید هست، پس باید به او کمک کنید.

**پرسش:** اخیراً از فرم اجرهای هنری برای روشنگری حقیقت به اجتماع استفاده می‌کرده‌ایم، و نتایج عالی بوده‌اند. بعضی گروه‌ها از ما دعوت کرده‌اند تا تمرینات را به نمایش بگذاریم و تمرین را آموزش دهیم، که یک گروه منحصرأ از بیماران سرطانی تشکیل می‌شود. ما لیم بیرسم ما چطور باید آن را اداره کنیم؟ همچنین، در حال طرح‌ریزی این هستیم که اجرایی در مقیاس بزرگ را سازمان‌دهی کنیم. آیا می‌توانیم ورودیه بگیریم؟ آیا می‌توانیم برای گروه‌های دیگر پول جمع کنیم؟

**معلم:** مطلقاً نمی‌توانید برای گروه‌های دیگر پول جمع‌آوری کنید، و نباید کارهایی که برای مریدان دافا حائز اهمیت نیست را انجام دهید. برای مریدان دافا، اعتباربخشی به فا، روشنگری حقیقت، نجات موجودات ذی‌شعور، و نفی کردن شکنجه و آزار اولین اولویت هستند، و هیچ چیزی نباید مداخله کند. اگر کارهایی انجام دهید که ارتباطی با دافا ندارد، آنچه به دست می‌آورید ارزش آن کوشش را نخواهد داشت.

ممکن است بعضی از افراد فکر می‌کنند، "اگر برای آنها مقداری پول جمع‌آوری کنم، ممکن است که آن افراد نسبت به فالون گونگ خوب شوند". به این صورت نیست. سالهای بسیار زیادی است که فا را آموزش داده‌ام، و هرگز به این فکر نکرده‌ام که از ابزار مالی، نوعی اعتبار و قدرت، و یا نفوذ شخصی استفاده کنم که مردم فا را کسب کنند. اگر او برای فا نیاید آن وقت بی‌فایده است.

**پرسش:** در حالی که دعوی‌ها در جریان‌اند، آیا شاگردان ما می‌توانند حقیقت را برای قضات روشن کنند؟ آیا این یکپارچگی روند قضایی را به خطر می‌اندازد؟

**معلم:** صحبت درباره شکنجه و آزار نباید مسئله‌ای باشد، و برای شاگردانی که بخشی از دعوی نیستند نباید اشکالی داشته باشد که حقیقت را روشن کنند. در دنیای بشری، مردم خود را با انبوهی از بازداری‌ها مهر و موم کرده‌اند، اما اگر امور را با خرد انجام دهید، در حال انجام کار بدی نخواهید بود، و نباید مسئله‌ای باشد.



پرسش: یک هماهنگ‌کننده که در یک مکان توریستی به‌خصوص در هنگ‌کنگ حقیقت را روشن کرده است موفق شده که آن مکان را بسیار خوب اصلاح کند، آن واقعاً تحسین‌برانگیز است. بعضی شاگردان در مورد او به صورت یک خدا فکر می‌کنند. و بعضی شاگردان گفته‌اند که یک هفته رفتن به آنجا برای روشنگری حقیقت، بهتر از یک سال تمام تزکیه‌کردن در تایوان است. (حضر می‌خندند) (معلم: این افراط است.) به خاطر اینکه بسیاری از شاگردان از سر تحسین به آنجا می‌روند...

**معلم:** شاگردان ما - این را به خاطر داشته باشید - بعضی از شاگردان ما به‌خوبی عمل کرده‌اند، اما او هنوز در حال تزکیه است. بنابراین اگر آن کارها را انجام دهیم، آیا شاگردان را هدایت نخواهد کرد که وابستگی‌های جدید شکل دهند؟ و آیا شاگردان را کمی بیش از حد از خود راضی نخواهد کرد؟ بنابراین فکر می‌کنم که هنوز لازم است که مراقب باشید. بله، وقتی شاگردی در زمینه‌ای به‌خوبی تزکیه کرده باشد، باید از او یاد بگیریم. اما آن شاگرد هنوز در حال تزکیه است و باز وابستگی‌های بشری‌ای دارد که هنوز برداشته نشده‌اند، بنابراین لازم است که از فا به‌عنوان استاندارد خود استفاده کنید.

پرسش: ... اخیراً این خانم اصرار داشته که روش فرستادن افکار درست را تغییر دهد. او ترتیب بخش‌های پنج‌دقیقه‌ای را تغییر داد، پنج دقیقه اول را از زودن تمام افکار بد در ذهن خود به ریشه‌کن کردن خادمان تاریک تغییر داد. و شاگردان دیگر را وامی‌دارد که از فرمول‌های او پیروی کنند.

**معلم:** دیدید، بفرمایید. (حضر می‌خندند) باعث شد وابستگی‌هایی شکل دهد - حالا دیدید چه اتفاقی افتاد؟ هدایتش کردید که امور را به روش خودش انجام دهد. برای همین است که به شما می‌گویم لازم است فا را بسیار مطالعه کنید و از فا به‌عنوان استاندارد خود استفاده کنید. هر زمان شخصی در زمینه‌ای به‌خوبی تزکیه می‌کند، به خاطر این است که در فا به‌خوبی تزکیه کرده است، نه به خاطر اینکه از فا بهتر است. پس اگر شما به جای اینکه از فا یاد بگیرید از نمونه یک شخص پیروی کنید... [به خاطر داشته باشید که] قبل از اینکه شخص تزکیه‌اش را تمام کرده باشد هنوز نقص‌هایی دارد، و وقتی در یک زمینه خوب است معنی‌اش این نیست که در تمام زمینه‌ها خوب است. حالا واقعاً اتفاق افتاده است، شما وابستگی آن شاگرد را برانگیخته‌اید. مراقب این نوع چیز باشید.

پرسش: استاد، ممکن است لطفاً درباره این صحبت کنید که چگونه می‌توانیم به روشی ظریف و هوشمندانه با استفاده از رسانه، خصوصیت جن - شن - رن کیهان را به افراد مختلف اشاعه دهیم؟ و موجودات در بهشت‌های دائویستی به چه صورت هستند؟

**معلم:** درباره چه حرف می‌زنید؟ (حضر می‌خندند) "... به روشی ظریف و هوشمندانه با استفاده از رسانه... به افراد مختلف اشاعه دهیم؟" چرا این طور به نظرم می‌رسد که این چیزی نیست که یک مرید دافا بگوید؟ شاید این شاگردی جدید باشد. روش "ظریف و هوشمندانه‌ای" در کار نیست. مریدان دافا همگی در حال انجام امور بر طبق فا هستند؛ آنها برای همه موجودات نیک‌خواهی دارند و دارند می‌گذارند که موجودات ذی‌شعور آنچه را که شگفت‌انگیز است بدانند. آنها این کار را بر پایه آنچه که مناسب شرایط مربوطه باشد و بر پایه رغبت خودشان به انجام آن، انجام می‌دهند.

بهشت‌های دائویستی به چه صورت‌اند؟ سیستم دائویستی، همان طور که قبلاً گفته‌ام، سیستم دائویستی در گذشته بهشت‌هایی نداشت. دائویست‌ها به‌طور انفرادی و در انزوای کامل تزکیه می‌کنند، و حتی در آسمان‌ها در غار می‌مانند. و دائوها در آسمان‌ها نیز سرگردان هستند، و فقط در تعداد کمی از موارد معبد دائویستی دارند. در زمان‌های اخیر، با ظهور مذهب دائویستی، نوعی منازعه‌های بودیستی - دائویستی پیش آمده است. برای همین است که مذهب دائویستی بنا گذاشته شد، و مذهب دائویستی نیز شروع به داشتن بوداها و بودی‌ساتواها کرد. همه این چیزها حل و فصل شده‌اند.

پرسش: وقتی یک زن و شوهر هر دو مرید دافا هستند و تضادها و مشکلاتی دارند که نمی‌توانند حل و فصل شوند، آیا می‌توانند طلاق بگیرند؟ (حضر می‌خندند) آیا این هیچ ارتباطی به تزکیه دارد؟

**معلم:** در اصل می‌گویم که در تزکیه‌تان کوتاهی دارید، هرچند که ممکن است بعضی شاگردان بگویند که کاملاً خوب در حال عمل کردن هستید. آیا بیش از حد به آن چیزهای بشری وابسته نیستید؟ اگر هر دوی‌تان می‌توانستید از "خود" دست بکشید و

به خوبی تزکیه کنید و چنان حس قوی‌ای از "خود" نداشته باشید، آن وقت آیا می‌شد که آن چیزها را خوب اداره نکنید، با در نظر گرفتن اینکه هر دوی زن و شوهر مرید دافا هستند؟

در رابطه با طلاق، به شما گفته‌ام که تا حد امکان مطابق با اجتماع عادی باشید؛ امروز، چه طلاق گرفتن باشد یا ازدواج کردن، من چیزی نخواهم گفت. دربارهٔ امور از نظر اصول فا صحبت می‌کنم. اما به شما می‌گویم، آن چیزها در آینده مجاز نخواهند بود. آنها از وضع کنونی اجتماع مدرن ناشی می‌شوند. من نمی‌توانم مجبور تان کنم که چیزها را به روش معینی انجام دهید، اما حیات‌های آینده مجاز به انجام این کار نخواهند بود، و [اگر می‌توانستند] هم این کار را نمی‌کردند.

همچنین، بگذارید کمی دربارهٔ موجودات بشری صحبت کنیم. این روزها مردم احساسات را واقعاً مهم در نظر می‌گیرند، با این حال احساسات یکی از غیرقابل اعتمادترین چیزهاست. "وقتی با من خوبی خوشحالم، و وقتی که دیگر با من خوب نباشی آن احساس رفته است." پس چطور می‌توانید روی این چیز حساب کنید؟ آیا پیوندهای احساسی می‌توانند یک ازدواج را حفظ کنند؟ در خصوص موجودات بشری، فقط تعهد اخلاقی نیست که مطرح است، بلکه همچنین، بین مرد و زن، شما به همدیگر دین دارید. بنابراین در رابطه با زن، وقتی که او تمام زندگی خود را در دستان شما گذاشته است، مرد باید متوجه باشد که، "این زن تمام زندگی‌اش را به من سپرده است. باید نسبت به او مسئول باشم." حس دین داشتنی که یک زن و شوهر نسبت به هم دارند چیزی است که امروزه مردم تشخیص نمی‌دهند و به آن ارزش نمی‌گذارند. البته، اکنون وضع اجتماع شبیه [آنچه که توصیف کردم] نیست، بنابراین آن را از شما انتظار ندارم. به عنوان مریدان دافا باید خودتان را به خوبی اداره کنید و بهترین سعی‌تان را کنید که از چنان چیزهایی [چون طلاق] اجتناب کنید.

البته، الان فقط دربارهٔ مردها صحبت کردم. حالا لازم است کمی دربارهٔ زن‌ها صحبت کنم. (حضار می‌خندند) خوب، راحت ببانش می‌کنم. (حضار می‌خندند) به عنوان یک زن، شما نیز لازم است مرد خود را درک کنید. خانم‌ها: همه‌تان می‌خواهید که مردتان، شوهرتان، فردی قوی، درست، و با ابهت و مردانه باشد، اما در اعمالتان همیشه او را پایین نگه می‌دارید، او را تحت چنان کنترل سفت و سختی نگه می‌دارید که او شبیه یک زن است (حضار می‌خندند). پس چگونه می‌تواند مردوار باشد؟ وقتی تمام جامعه در این وضع است، درباره‌اش فکر کنید، مردان جامعه همگی "سرکار آقا" شده‌اند، (حضار می‌خندند) و همهٔ زن‌ها "جناب خانم" شده‌اند، (حضار می‌خندند) — این برعکس‌ی بین و یانگ است. البته، این طوری است که جامعه هست، و من اصرار نخواهم کرد که شما طور خاصی باشید. ما بعضی شاگردان خانم را داریم که واقعاً با استعدادند، و بعضی‌ها هستند که واقعاً خارق‌العاده هستند، (استاد می‌خندد) و بعضی وقت‌ها از نظر توانایی‌ها آقایان را پشت سر می‌گذارند. اما به طور مشابه، بسیاری از زمان‌ها واقعاً لازم است که مرد خود را درک کنید. به عنوان یک تزکیه‌کننده، باید هر کجا که هستید فرد خوبی باشید، و باید نسبت به دیگران با ملاحظه باشید — پس در خانه چرا نمی‌توانید ملاحظهٔ شوهر خودتان را کرده و او را درک کنید؟ آیا قرار نیست که برای بشریت آینده، بهترین چیزها را به جا بگذاریم؟ وقتی هر دوی شما تزکیه‌کننده هستید باید نسبت به یکدیگر ملاحظه‌گر باشید، و با آن طور بودن چگونه می‌توانید دربارهٔ طلاق صحبت کنید؟ ازدواج باید چیزی ناگسستی باشد. (حضار می‌خندند) (استاد آه می‌کشد)

پرسش: مايلم از شما بخوادم که لطفاً دربارهٔ اينکه چگونه برای افراد درگیر تجارت حقیقت را روشن کنیم صحبت کنید.

**معلم:** انسان‌ها به علاقهٔ شخصی وابسته هستند. برای افراد عادی، علاقهٔ شخصی بالاتر از همهٔ چیزهای دیگر است، و این صرفاً طوری است که انسان‌ها هستند. وقتی به آنها دربارهٔ حقیقت می‌گویید، آنها درک می‌کنند، "اوه، شما افراد خوبی هستید و دارید شکنجه می‌شوید. اما من هنوز هم لازم دارم که بروم پول به دست بیاورم." به این خاطر که کشورهای مختلف در این زمانی که فالون گونگ در حال شکنجه شدن است به سرمایه‌گذاری پول در آنجا ادامه می‌دهند، این به شیطان توانایی و سرمایهٔ شکنجه کردن فالون گونگ را داده است، و آن کشورهایی را که پول را سرمایه‌گذاری کردند وابسته به آن بازار کرده است، بنابراین جرئت نمی‌کنند که هیچ چیزی را افشا کنند یا علیه شکنجه و آزار موضعی اتخاذ کنند. این صرفاً طوری است که

انسان‌ها هستند، مگر آنکه تزکیه را در پیش بگیرند، بنابراین این نهایت چیزی است که می‌توانیم برای رساندن مطلب به آنها پیش برویم. تا جایی که به افراد درگیر تجارت مربوط می‌شود، می‌توانید به همان اکتفا کنید.

پرسش: مایلم از استاد بپرسم، شاکيامونی به "احکام، تمرکز، خرد" اعتبار بخشید و روشن بین شد، بنابراین درحالی که ما در فا جذب می‌شویم ما نیز باید، در درون دافا، به اصول خودمان که جذب در فا است اعتبار بخشیده و روشن بین شویم، آیا این درست است؟

**معلم:** بله، اما من خلاصه‌سازی آن چیزهایی را که قرار است به آنها اعتبار بخشید و روشن بین شوید تمام نکرده‌ام، بنابراین شما هنوز نمی‌دانید که آنها چه هستند — تا زمانی که روشن بین شده باشید نخواهید دانست، چراکه روش تزکیه ما فرق می‌کند. نروید و فقط برای متفاوت بودن، چیزی بسازید. اگر از مسیر خارج شده و فردا نوعی عبارت جدید اختراع کنید، و اظهار کنید که "این چیزی است که در حال تزکیه آن هستیم"، آن وقت به انحراف رفته‌اید.

پرسش: مریدان دافا از استرالیا، ژاپن، مالزی، (استاد: فکر می‌کنم که این را بخوانم.) استرالیا، ژاپن، مالزی، اندونزی، سنگاپور، ماکائو، کره، تایوان، نیوزلند، مریدان دافایی که به صورت غیرقانونی در اردوگاه کار اجباری زنان در پکن زندانی شده‌اند، لیو جو در استان گوانگ‌شی، می‌جو در استان گوان‌دونگ، شن جن، یانگ جو در استان جیانگ سو، سیدنی، مدارس مینگ‌هوئی ژاپن، نینگ بو در استان جه‌جیانگ، جوهای، هانگ جو، چینگ‌دائو در استان شان‌دونگ، های‌یانگ، شانگ‌های، یان‌بیان، ووهان، شان‌سی، شهر جی‌لین در استان جی‌لین، شهر شوان‌چنگ در استان هی‌لنگ‌جیانگ، وی‌های، فان‌یو در استان گوانگ‌ژو، شی‌آن، پکن، و شهر جیانگ‌من در استان گوان‌دونگ به استاد با عظمت و گرامی، بالاترین دروهای خود را می‌رسانند.

**معلم:** از همه متشکرم. (تشویق) می‌دانم. و این مخصوصاً برای آن شاگردان در سرزمین اصلی چین این‌طور است، می‌دانم چه احساسی دارند، از دل‌تنگی‌شان برای استاد با خبرم، و در واقع من هم نسبت به شما همین احساس را دارم. شیطان از بین خواهد رفت؛ ابر سیاه نمی‌تواند آسمان را بپوشاند.

پرسش: وقتی برای روشن کردن حقیقت با پکن تماس گرفتم، یک هم‌تمرین‌کننده جواب تلفن را داد. به آنها گفتم، "مریدان دافا در اطراف دنیا به شما فکر می‌کنند. لطفاً به طور استوار به استاد و دافا باور داشته باشید. تحملش سخت است، اما می‌توانید تحملش کنید. انجامش سخت است، اما می‌توانید انجامش دهید". آن تمرین‌کننده از من خواست که وقتی شما را دیدم درودش را به استاد برسانم. همه دل‌تنگ شما هستند.

**معلم:** از همه تشکر می‌کنم. (تشویق)

پرسش: مایلم از سوی افسران امنیت عمومی در استان گوان‌دونگ به استاد درود برسانم. هم‌اکنون تعداد (معلم: از قسمتی که در اینجا تعداد آنها را می‌گوید رد می‌شوم) هستند که واقعیت شکنجه و آزار را می‌بینند.

**معلم:** وضعیت روشنگری حقیقت و نجات موجودات برای مریدان دافای سرزمین اصلی چین سریع‌تر در حال تغییر است تا به‌صورت بین‌المللی، و علتش این است که هر چه باشد تعداد بسیاری از مریدان دافا آنجا هستند؛ تقریباً ۱۰۰ میلیون مرید دافا در حال اعمال تأثیری بسیار عظیم در نفی شکنجه و آزار هستند. روشنگری حقیقت در سراسر دنیا و نجات موجودات در خارج از سرزمین اصلی چین به مردم همه جاها کمک کرده است که از حقیقت آگاه شوند و شکنجه و آزار را محکوم کنند، و شیطان را پاک‌سازی کرده است. این نتیجه اصلاح فا و تلاش‌های جمعی مریدان دافا در سراسر دنیا است. اما در رابطه با اینکه شکنجه و آزار در سرزمین اصلی چین پیش از رسیدن اصلاح فا متوقف شود، مریدان دافا در سرزمین اصلی چین باز باید نقش اصلی را ایفا کنند. در مورد شکنجه و آزار کنونی، عده زیادی از عموم مردم در چین از آن به تنگ آمده‌اند، و فقط عموم مردم نیست، در طبقات بالاتر جامعه نیز و حتی در رکن بالایی حکومت، افراد زیادی پا پیش گذاشته‌اند تا درباره واقعیت‌های شکنجه و آزار علیه فالون‌گونگ، مستقیماً صحبت کنند. به زودی مردم برخواسته و این شکنجه و آزار را محکوم خواهند کرد.

پرسش: در نوشته‌های اخیر ذکر کرده‌اید که مسئولیت‌های بزرگ‌تری در آینده در انتظار ما است. آیا این به پایین آمدن ما به دنیای فانی بعد از کمال، به منظور نجات موجودات ذی‌شعورمان اشاره می‌کند؟

**معلم:** آنچه در حال حاضر دارید انجام می‌دهید نجات موجودات ذی‌شعور است. نمی‌توانید به بالا بروید و بعد برگردید. (حاضر می‌خندند) چه کسی می‌خواهد که برگردد؟ شما اینجا بیدار و فکر می‌کنید این مکان بسیار خوب است، اما دلیلش این است که چشمان شما نمی‌تواند واقعیت چیزها در اینجا را ببیند. وقتی به آن بالا برسید و نگاهی به عقب بیندازید، اینجا در این دنیای بشری را صرفاً کثیف می‌یابید، و حتی اگر از شما خواسته می‌شد هم نمی‌خواستید برگردید. و برای همین است که می‌گوییم آن موجوداتی که جرئت کردند به اینجا بیایند و ما را کسب کنند همگی ارزش ارج نهادن را دارند. اما شکنجه و آزار توسط نیروهای کهن موجب شده است که موجودات ذی‌شعور علیه دافا مرتکب گناه شوند، و اعمال موجودات بشری در طی این شکنجه و آزار واقعاً افراد بسیار زیادی را تباہ کرده است، و حیات‌های بسیار زیادی را تباہ کرده است.

پرسش: مریدانی که معلولیت دارند چگونه باید فرستادن افکار درست را اداره کنند؟ این را می‌پرسم چون دست راست من فلج است.

**معلم:** آن وقت می‌توانید از دست چپ‌تان استفاده کنید. اهمیتی ندارد، چرا که وقتی افکار درست می‌فرستید حتی استفاده نکردن از هیچ حالت دست نیز اشکال ندارد. از شما خواستم از حالت‌های دست استفاده کنید تا به شما کمک کنم که حس قوی‌تری از این داشته باشید که دارید افکار درست می‌فرستید، تا به شما حس بیشتری از فرمان دادن بدهد، همین.

پرسش: در تایوان، چگونه می‌توانیم هم‌تذکیه‌کنندگان را ترغیب کنیم که از منفعل بودن در اعتباربخشی به فا به فعال بودن تغییر یابند، و قدر اندوخته زمانی پایانی در اصلاح فا را بدانند؟

**معلم:** در مورد این، در اصل، من درباره شاگردان در تایوان از همه کمتر نگرانم. به خاطر طرز برخورد دولت نسبت به دافا در آنجا، آن زیاد نگرانم نمی‌کند. و به این خاطر که با در دسترس بودن فا، شاگردان در آنجا خیلی خوب عمل کرده‌اند. گاهی این‌طور احساس می‌کنم که آنچه آنها در حال انجامش هستند مشابه چیزی است که آن موقع که من در چین بودم روی داد. (تشویق) در رابطه با یک تعداد خیلی کم از افراد که در مناطقی معین خوب عمل نمی‌کنند، این تجلی‌ای از این روند است که یک شاگرد درک بهتری به دست آورد و [تجلی‌ای از] این روند که شاگردان جدید به بلوغ برسند، و تمامی آن رفته‌رفته بهتر خواهد شد. اخلاط‌هایی که آنها در تذکیه شخصی‌شان با آن روبرو می‌شوند مثل شکنجه و آزار در سرزمین چین نیست، اما مسلم است که غالباً آزمایش‌هایی برای افراد منفرد وجود خواهد داشت. بنابراین به عنوان تذکیه‌کننده، شما باید آن را به طور صحیح درک کنید. نمی‌توانید از آزمون‌ها و آزمایش‌ها در ترس باشید. اگر تمام روزهایتان را در آسایش و خوشی کامل می‌گذرانید آیا در حال تذکیه می‌بودید؟

پرسش: وقتی ما فا را با شاگردان چینی مطالعه می‌کنیم، یک پاراگراف را به چینی می‌خوانیم و بعد یک پاراگراف را به ژاپنی. بعضی شاگردان چینی فکر می‌کنند که مطالعه فا به این شکل، خیلی آهسته است و به اندازه خواندن به صورت یک گروه [زبانی]، مؤثر نیست.

**معلم:** من فکر می‌کنم که هر دو روش خوب است، اشکالی ندارد که شاگردان ژاپنی‌زبان با هم بخوانند و شاگردان چینی‌زبان با هم. هر چه که برای شما آسان‌تر است. قانون مطلق وجود ندارد. صرفاً هر چه را که به افراد کمک می‌کند که رشد کنند انجام دهید.

پرسش: سن من نسبتاً کم است. وقتی در بعضی هم‌تذکیه‌کنندگانی که سن‌شان از من بیشتر است وابستگی‌هایی می‌بینم، جرئت نمی‌کنم آنها را مطرح کنم. آیا این ترس است - یک وابستگی؟

**معلم:** نترسید. وقتی چیزی می‌بینید که نادرست است می‌توانید درباره‌اش صحبت کنید. حتی مریدان خیلی خیلی کم‌سن هم می‌توانند درباره آنچه که می‌بینند صحبت کنند.

پرسش: شاگردی را می‌شناسم که چندین سال پیش مرتکب اشتباه عظیمی شد و واقعاً تأثیری منفی روی دافا داشت. حالا او در وضعیت واقعاً دشواری است. آیا باید به او کمک کنم؟

**معلم:** اگر آن شخص کارهای بدی انجام داد و تمرین [تزکیه] را متوقف کرد، آن وقت نمی‌توانید به او شاگرد بگویید. در حال حاضر همه‌تان با روشنگری حقیقت مشغول هستید، بنابراین می‌توانید برای خودتان قضاوت کنید که آیا می‌ارزد که وقت خیلی زیادی را برای کمک به او بگذارید یا نه. با در نظر گرفتن [کارهایی] که در حال حاضر دارید، اینکه سبک و سنگین کنید که آیا کاری مثل آن را انجام دهید و اینکه آیا آن فرد می‌تواند هنوز نجات یابد، اینها چیزهایی‌اند که شما باید بر اساس شرایط تصمیم بگیرید.

پرسش: تایوان جایی است که در خارج از چین، روزنامه‌های چینی‌زبان در آن از همه جا بیشتر خوانده می‌شوند. استاد، ممکن است لطفاً ما را در رابطه با آینده انتشار یک روزنامه در تایوان قدری راهنمایی کنید.

**معلم:** باز همان را می‌گویم: خودتان بر اساس شرایط و توانایی‌های شاگردان تصمیم بگیرید. از استاد نخواهید که چیزی را تأیید کند. یکبار که استاد چیزی بگوید، شما خواهید گفت، "استاد آن را گفت"، و اعتنا نمی‌کنید که آیا آن شدنی است، آیا چالش‌هایی وجود دارد، و آیا شرایط مهیا هست، و همه چیز را نادیده گرفته و به انجام آن اصرار می‌ورزید. برای همین است که می‌گویم باید امور را بر حسب شرایطتان طرح‌ریزی کنید.

پرسش: چگونه باید "غبار پوشاننده را می‌زدایم، و تمام واقعیت‌هایشان دیده می‌شود" را درک کنیم؟

**معلم:** "غبار پوشاننده را می‌زدایم" ... از آغاز زمان در کیهان تا حال حاضر، میزان سنجش‌ناپذیری از زمان گذشته است. همیشه بدن‌های کیهانی‌ای هستند که متلاشی می‌شوند، درست مثل متابولیسیم. آنها فاسد می‌شوند و سپس دوباره شکل می‌گیرند، و شکل گرفته و سپس دوباره فاسد می‌شوند. به این خاطر، علم بشر در اصل بر این باور است که انفجاری بزرگ آن چیزی است که جهان را پدید آورد. غبار کیهان به پایین فرو می‌افتاده است، و عناصر بد، پیوسته در حال پایین رفتن هستند. از بالا تا پایین، هیچ سطحی به آن خالصی که در گذشته بود نیست. و مخصوصاً سه قلمرو، بدتر و بدتر شده است؛ مدت‌های طولانی است که با غبار پوشاننده شده است، و غبار مدام ضخیم‌تر می‌شود. وقتی قبلاً ماه به بالا فرستاده شد، به بزرگی امروز نبود؛ حالا ضخامت سطح بیرونی آن ده‌ها کیلومتر افزایش یافته است. بنابراین در خصوص "غبار پوشاننده را می‌زدایم، و تمام واقعیت‌هایشان دیده می‌شود"، موجودات ذی‌شعور توسط برخی عوامل خارجی پوشانده شده‌اند، و خیلی از عناصر بد حتی خود موجودات را ناخالص کرده‌اند، و مخصوصاً بشریت در طی شکنجه و آزار دافا توسط شیطان بیرونی کنترل شده است. بنابراین بعد از اینکه این چیزها پاک شوند نگاه دیگری خواهیم انداخت و خواهیم دید که آن موجودات چگونه هستند. معنی‌اش این است. (تشویق)

پرسش: طرح‌ریزی کلی و هماهنگی هر دو در رابطه با هر موضوعی مطرح هستند. چرا این‌طور است که به هماهنگی تشویق نموده ولی به طرح‌ریزی کلی تشویق نمی‌نمایید؟

**معلم:** صرفاً نیاز دارید که با هم جمع شده و گفتگو کنید که چگونه امور را انجام دهید. اصلاح فا پیشروی خود را دارد. در اصل، آنچه که شما در حال انجامش هستید صرفاً سه کار است؛ بنیاد و اساس پیش از این معین شده است. با نقطه کانونی بودن سه کار، شما درمی‌یابید که چگونه آنها را به خوبی انجام دهید و هم‌زمان خودتان را به خوبی تزکیه کرده و موجودات ذی‌شعور را نجات دهید - سخت‌ترین قسمت، نجات موجودات ذی‌شعور است. انجام خوب امور در واقع موضوعی از هماهنگی است. وقتی می‌گویم هماهنگی، در حال صحبت درباره‌ی با هم به خوبی همکاری و کار کردن هستیم. اعتباربخشی به فایده نیز تزکیه است، و اگر همگی‌تان به درون نگاه کنید می‌توانید به خوبی همکاری کنید. دافا تزکیه است، و چیز دیگری وجود ندارد. مریدان دافا در حال انجام کارهایی برای روشنگری حقیقت هستند تا، اولاً، تمام موجودات را نجات دهند، و ثانیاً، شکنجه و آزار را مهار کنند، شکنجه و آزار را افشا کنند، و با آن مخالفت نمایند. ما هدف دیگری نداریم. بنابراین در مورد فعالیت‌هایی که مریدان دافا سازماندهی

می‌کنند و روشنگری حقیقت از طریق شکل رسانه، شما با هم جمع می‌شوید و چیزها را طرح‌ریزی می‌کنید، و آنها چیزهایی هستند که شاگردان ما به عنوان افراد منفرد انجام می‌دهند.

پرسش: آیا عوامل بیرون کیهان، چیزی مثل همان آب بی‌حیات و ساکن هستند؟

**معلم:** آب بی‌حیاتی که در موردش صحبت کردم فقط شکلی در سطحی معین از کیهان است. کیهان آن قدر پیچیده است که با زبان انسان قابل توصیف نیست. در نقطه معینی حتی آب هم وجود ندارد، آن دیگر آب نیست. کیهان فوق‌العاده عظیم است، و در هر قلمروی بسیار بزرگ یک دلیل بنیادی پشت خلقت آن کیهان وجود دارد، اما هیچ یک از آنها آن بنیادی‌ترین دلیل نیست. اما برای موجودات در قلمرویی مفروض، وقتی آنها تمام آن را می‌بینند فکر می‌کنند که آن، دلیل بنیادی است. این پدیده خیلی متداولی است.

پرسش: آیا هماهنگ‌کنندگان در انجمن دافا می‌توانند خود را بالاتر از شاگردان قرار دهند؟ شاگردان قادر نیستند انتقادی مطرح کنند، و هماهنگ‌کننده اصلی در حال شکل دادن گروه‌ها و دسته‌بندی‌هایی است.

**معلم:** فکر می‌کنم که اگر هماهنگ‌کننده‌ای در واقع آن مشکل را دارد، آن وقت او واقعاً لازم دارد که به آن توجه کند. چرا شاگردان درباره شما، یک هماهنگ‌کننده، آن طور فکر می‌کنند؟ شاید این آن موردی است که ما مشکلات بسیار زیادی داریم؟ اکنون باید واقعاً روی آن فکر کنید. هماهنگ‌کنندگان، خوب در اصل، وقتی که می‌گوییم هماهنگ‌کنندگان، یا افراد با موقعیت‌های مسئولیتی، این فقط یک اسم است. آنها "مسئول" چه هستند؟ آیا می‌توانید مسئول دافا باشید؟ آیا واقعاً می‌توانید آن را اداره کنید؟ در اصل شما صرفاً رابط هستید، افرادی که به دیگران خدمت می‌کنند، و شما قدرت یا اختیاری ندارید. همه را به خوبی هماهنگی کنید، و این بهترین کارکردی است که می‌توانید در کمک کردن به استاد، در این سطح ظاهری بشری داشته باشید.

به نظر نمی‌رسد گفتن اینکه هماهنگ‌کنندگان در حال گرد آوردن طرفداران برای شکل دادن یک گروه هستند مناسب باشد. آیا همه هماهنگ‌کنندگان در اصل در حال مراقبت و سرپرستی همه شاگردان نیستند؟ شاید بعضی اوقات او به آنهايي که در اطراف او هستند نزدیک‌تر به نظر برسد، و احتمال دارد که این در شاگردان چنان برداشتی به وجود بیاورد. اگر شاگردان معینی مسائلی با هماهنگ‌کننده داشته باشند و کاستی‌های هماهنگ‌کننده را در بین عده‌ای از شاگردان پخش کنند، آن وقت مشکل فقط مربوط به هماهنگ‌کننده نمی‌شود. شما دارید تزکیه می‌کنید، پس چرا در حال نگاه به درون نیستید؟ شما دارید در بین شاگردان نسبت به هماهنگ‌کننده مخالفت و خصومت ایجاد می‌کنید، دارید گروهی از افراد را به مخالفت‌ورزی با هماهنگ‌کننده هدایت می‌کنید، و این، بی‌مسئولیتی هم نسبت به خودتان و هم نسبت به دافا است. من به هر دو جنبه نگاه می‌کنم.

بنابراین در خصوص هماهنگ‌کننده، شما لازم است که خوب عمل کنید؛ و در خصوص شاگردان، شما نمی‌توانید همیشه روی هماهنگ‌کننده متمرکز باشید. شما یک مرید دافا هستید، و هر فرد در حال تزکیه خودش است، اما شما در حال چه کاری هستید؟ آیا فقط دارید به هماهنگ‌کننده کمک می‌کنید که تزکیه کند؟ آیا خودتان را تزکیه نمی‌کنید؟ آیا مشکل این نیست؟ اما در خصوص هماهنگ‌کننده، آیا شما حقیقتاً مشکلی جدی دارید؟ اگر نتوانید به استاد کمک کنید که شاگردان در ناحیه خودتان را به خوبی هدایت کنید، آن وقت آیا خودتان مشکلاتی ندارید؟ می‌دانید من چه فکر می‌کنم؟ من نمی‌توانم هیچ کدام از مریدان دافا را جا بگذارم. هر فردی خانواده من است، پس چطور می‌توانید با اعضای مختلف خانواده من به طور متفاوت رفتار کنید؟ وقتی به کار دافا می‌رسد قطعاً از شما، هماهنگ‌کنندگان، حمایت می‌کنم، و به خوبی راهنمایی کردن شاگردان محلی واقعاً کمک بزرگی است. گفته‌ای هست که افراد عادی دارند: "یک فرد سوال‌برانگیز را به کار نگیر؛ اگر فردی را به کار گرفتی از او سوال نکن". این چیزی است که افراد عادی می‌گویند. دافا در حال تکوین شما است، اما به عنوان مریدان دافای ما، شما باید همه وابستگی‌هایتان را خارج کنید، شامل وابستگی به یک هماهنگ‌کننده یا یک رهبر بودن. هر کسی یک تزکیه‌کننده است. فقط این طور است که شما کسی هستید که برای دیگران به میزان بیشتری از خودتان می‌بخشید. پس هماهنگ‌کنندگان، این چیزی است که به عنوان استاد شما برای شما لازم می‌دانم.

انجام کار دافا نیز تزکیه کردن است، و هیچ یک از شیوه‌های کاری در اجتماع عادی به اینکه چگونه به یک هماهنگ‌بودن در دافا می‌پردازید هیچ ارتباطی ندارد. به بیان دیگر، این شکل یا روش کار، پیش‌تر وجود نداشت، که فرد هم مسئولیت دارد و هم یک تزکیه‌کننده عادی است. شما در حال اکتشاف مسیرهای خودتان هستید، و هر هماهنگ‌کننده دافا در حال آبدیده کردن خودش است. در ابتدا شاید او خیلی خوب عمل نکرد، اما به تدریج باید به بلوغ برسد. و در طی آن روند مطمئناً کاستی‌هایی داشته و اشتباه‌هایی خواهد کرد، و این، روند آبدیده شدن است. این طوری است که من به عنوان استاد شما به آن نگاه می‌کنم. نمی‌توانم او را قبل از اینکه تا بلوغ آبدیده شده باشد با فردی دیگر جایگزین کنم و از اول شروع به آبدیده کردن آن فرد جدید کنم، چراکه در آن روند، اشتباهات بسیار زیادی وجود خواهد داشت و شاگردان شکایات بسیار زیادی خواهند داشت، و این می‌تواند حتی به وضع کلی دافا صدمه وارد آورده و محل اعتباربخشی مریدان دافا به فا به صورت یک بدن شود.

وقتی هماهنگ‌کننده‌ای مشکلی دارد، شاگردان باید آن را به او متذکر شوند، و حتی به صورت جدی آن را به او گوشزد کنند. در خصوص شاگرد، شما باید برای دافا تقدم قائل شوید، به جای اینکه همیشه برای نظرات خودتان تقدم قائل شده و متذکر شوید که چگونه دیگران در اشتباه هستند. اگر هماهنگ‌کننده خاصی در انجمن دافا واقعاً در حال عقب نگاه‌داشتن شاگردان از انجام کارها است، آن وقت او مشکلی جدی دارد، چراکه این به منزله مداخله با این است که هر مرید دافا مسیر اعتباربخشی به فای خود را ببیند. اگر آن فرد حقیقتاً این‌طور است، آن وقت لازم است درباره اینکه آیا آن فرد مناسب است فکر کنیم؛ عملی نخواهد بود که او آن‌طور ادامه دهد. اما اگر غیر از این است، یا اگر بعضی شاگردان در واقع امور را آشفته کرده باشند، و مایل نباشند که به اندرز و صلاح‌دید هماهنگ‌کننده گوش کنند و آن را برگردانند و اظهار کنند که او در حال مداخله با اعتباربخشی شاگردان به فا است، آن وقت این اصلاً خوب نیست. در این حالت، چرا مریدان دافا نمی‌توانند به امور از نقطه نظر دافا نگاه کنند؟ من می‌خواهم که هر فرد تا بلوغ آبدیده شود.

از زاویه دیگری که به آن نگاه کنیم، تضادهای شما در واقع آزمایش‌هایی هستند که لازم دارید در روند رشد، آنها را بگذرانید. شما همگی در حال رشد خودتان هستید، و هر فرد باید رو به درون به خودش نگاه کند. در طرف هماهنگ‌کننده، وقتی که آن مشکلات پدیدار می‌شوند نمی‌توانیم بگوییم که شما مسئول نیستید - باید مسئولیت آن را به دوش بکشید. وقتی هدایت چنان گروه بزرگی از شاگردان را خوب انجام ندهاید مسئولیت بزرگ است، و باید متوجه این باشید. به عنوان استادان، نمی‌توانم یک مرید را هم جا بگذارم، و به شما می‌گویم که به عنوان یک هماهنگ‌کننده، شما نمی‌توانید یک عدد از مریدان مرا جا بگذارید. (تشویق) وقتی شاگردی رابطه‌اش با شما خوب است، امور را با او انجام می‌دهید، و وقتی کسی به شما گوش نمی‌دهد، او را بیرون نگه می‌دارید؟ نمی‌توانید این‌طور باشید، و به عنوان استادان من این نوع هماهنگ‌کننده نمی‌خواهم. لازم است به طریقی هماهنگی کنید که به افراد اجازه دهد با هم کار کنند، و لازم است که پیوسته بر پایه فا رشد کنید و محیطی صالح را شکل دهید، به طوری که مریدان دافا بتوانند امور اعتباربخشی به فا همچون روشنگری حقیقت، نجات موجودات ذی‌شعور، و مهار شکنجه و آزار را به‌خوبی انجام دهند.

*پرسش: در چهار سال گذشته، بعضی شاگردان فالون گونگ از سرزمین اصلی چین پول بسیار زیادی خرج کرده‌اند که برای کار کردن به کره بیایند. وضعیت مهاجرت آنان غیرقانونی است، و درآمد ماهانه‌شان هفت تا ده هزار یوآن است. قادر نیستند که مسئولیتی را که یک مرید دافا، در طی دوره اصلاح فا دارد تشخیص دهند، و اینجا آمده‌اند که صرفاً پول جمع کنند و پول به خانه بفرستند. حتی می‌گویند که این توسط استاد نظم و ترتیب داده شده است. مایلم بپرسم که چگونه می‌توانیم این شاگردان را متقاعد سازیم که به چین برگشته که به فا اعتبار ببخشند؟*

**معلم:** زمانی که مرید دافایی می‌بیند که وضعیت در چین سخت و ترسناک است، اینکه هنوز مریدان دافای بیشتری هستند که در حال شکنجه شدن‌اند، و اینکه خیلی از مردم دنیا در حال مسموم شدن هستند، اگر یک مرید دافا چیزهایی را که یک مرید دافا باید انجام دهد انجام ندهد، آن وقت آیا او هنوز مرید دافا است؟ اشکال ندارد که برای انجام امور دافا چین را ترک کرد، اما اگر فردی امور دافا را انجام نمی‌دهد، چگونه می‌تواند لایق مرید دافا بودن باشد؟ خواه در سرزمین اصلی چین باشند یا در خارج،

باید هنوز مریدان دافا باشند. یکبار که همانند افراد عادی شوند افراد عادی هستند. بنابراین در خصوص این شاگردان، باید به آنها به روشنی توضیح دهید که اگر بخواهند آنجا بمانند لازم دارند که آنچه را که یک مرید دافا باید انجام دهد انجام دهند.

پرسش: اخیراً، اختلاف نظرها و عدم درکها در بین هم‌تزرکیه‌کنندگان نسبتاً بزرگ بوده است. مایلیم از استاد بپرسم که آیا این به این خاطر است که هر چه در مراحل آخر تزرکیه پیش‌تر می‌رویم، اختلاف بین سطح هم‌تزرکیه‌کنندگان بزرگ‌تر می‌شود؟ یا اینکه نیروهای کهن هستند که در حال مداخله‌اند؟

**معلم:** راست است که اختلافها بین سطح شاگردان در حال بزرگ شدن است، اما مداخله نیروهای کهن نیز هیچ‌گاه متوقف نشده است. بنابراین هر زمان که در نظر شاگردی عوامل شخصی وجود داشته باشند، آن مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. این پدیده دیگر آنقدرها روی نمی‌دهد. در اصل، دربارهٔ چنین چیزی بارها صحبت کرده‌ام. شاگردان تزرکیه‌کننده یک وجود جمعی هستند، و انواع افکار هنوز خارج نشده متجلی خواهند شد. اگر نخواهید که به درون نگاه کنید و خودتان را تزرکیه کنید، آن وقت وضعیتی پیچیده شکل خواهد گرفت. پس وقتی این مشکلات در ناحیه‌ای پدیدار می‌شود، مطمئناً این‌طور است که مشکلی در خصوص مطالعه فای آن ناحیه وجود دارد. تمام آنهایی که درگیرند [تا اندازه‌ای] مسئول هستند و خودشان را خوب تزرکیه نکرده‌اند، یا دست‌کم در خصوص آن یک موضوع.

پرسش: ما چگونه با یک مذهب، متفاوت هستیم؟

**معلم:** دافا بی‌شکل است! مسیری که امروز شما را در آن روانه می‌کنم خالص‌ترین است. ما هر چیز با شکل را به کنار انداختیم، و فقط به قلب نگاه می‌کنیم. تزرکیه اساس تعالی یک موجود است، در حالی که هر چیزی که دربارهٔ شکل خارجی است وابستگی‌ها را برخواهد انگیخت. نگاه کنید که چند فرد مذهبی امروز وجود دارد که از بوداییان، دائوها، یا خدایان پیروی نکرده بلکه در عوض از شکل‌های مذهب پیروی می‌کنند. چیزی که آنها به آن اعتقاد دارند خدایان نیست، بلکه شکل مذهب است و علت ساختن مذاهب – یک دنیا تفاوت هست. اعتقاد به خدایان و اعتقاد به مذاهب – اینها از هم بسیار دورند. مذاهب وابستگی‌های افراد به خود شکل‌ها را بیدار می‌کند، و آنها به‌طور جدی ایمان صالح مردم به خدایان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. عواملی در شکل‌ها وجود دارد که رشد یک تزرکیه‌کننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پرسش: بعضی از اوقات وقتی با آزمون‌ها روبرو می‌شوم نمی‌دانم نتیجه‌ای از کارمای خودم است یا نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن.

**معلم:** صرف‌نظر از اینکه نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن است یا کارما، باید اول از همه خودمان را بررسی کنیم. حتی وقتی هم که افکار درست می‌فرستید از شما می‌خواهم که ابتدا خودتان را پاک کنید. اول به خودتان نگاه کنید، و اگر پی بردید که مشکلی دارید، به آن رسیدگی کنید. با این کار، نیروهای کهن قادر نخواهند هیچ کاری انجام دهند؛ وقتی نمی‌توانند چیزی بیابند که علیه شما به کار ببرند عقب خواهند کشید. البته، در زمان حاضر حتی اگر نیروهای کهن بخواهند که عقب بکشند این تمامش نمی‌کند – به‌طور کامل پاک‌سازی‌شان کنید. وقتی برای فرستادن افکار درست می‌نشینید بعد از اینکه خودتان را پاک می‌کنید، آنها را پاک‌سازی کنید. (تشویق)

پرسش: بعد از خواندن "دسته طبل‌های کمری" در "هنگ‌بین ۲"، به این درک رسیدم که صف طبل‌های کمری، تأثیر از بین بردن شیطان و اصلاح کردن فا را دارد.

**معلم:** بله، صدای ضربه‌هایتان در خود، جن-شن-رن را حمل می‌کنند، و در آن صداها توانایی‌های مریدان دافا متجلی می‌شوند.

پرسش: مریدان جوان در تایوان یک دسته طبل‌های سبک غربی شکل داده‌اند. من فکر می‌کنم که باید یک دسته طبل‌های کمری شکل دهند. (حضار می‌خندند)



**معلم:** نگذارید شکل‌ها شما را محدود کند. هر چیزی که مریدان دافا در حال اعتباربخشی به فا انجام می‌دهند قدرت دارد. در اصل، دسته‌طبل‌های کمری صرفاً ایده‌ای بود که شاگردان نیویورکی به آن رسیدند. ما غالباً در رژه‌های اجتماع عادی شرکت می‌کنیم، و خواسته‌ایم که به مردم دنیا جنبه‌ی عادی زندگی یک مرید دافا را نشان دهیم. هر بار که آنها در رژه‌ای بودند سبک لباس سلسله‌تانگ، دختران آسمانی، و غیره را داشتند، بنابراین آنها به فکر افتادند که، "آیا می‌توانیم چیز دیگری ایجاد کنیم؟" و به این ترتیب ایده‌ی یک دسته‌طبل‌های کمری پدیدار شد. ما می‌توانیم از شکل‌های گوناگونی استفاده کنیم، بنابراین اگر ایده‌ای دارید و فکر می‌کنید که انجام‌پذیر است، آن هم بی‌اشکال است.

**پرسش:** شرایط هر چه هم که باشد، ما همگی در دافا پابرجا خواهیم بود، و همیشه استاد را دنبال خواهیم کرد، در هر قدم از راه، تا مأموریت اعتباربخشی‌مان به فا را کامل کنیم.

**معلم:** بله، به عنوان مریدان دافا، همه‌ی شمایی که اینجا هستید ممکن است این فکر را داشته باشید، و برای همین است که در وضعیت اعتباربخشی به فا در این دنیا تغییرات عظیمی وجود داشته است، برای همین است که امروز شیطان کاهش یافته است، و برای همین است که می‌توانیم موجودات ذی‌شعور را نجات دهیم. (تشویق)

**پرسش:** فکر می‌کنم که بعضی شاگردان در استرالیا در حال پیروی از فا نیستند بلکه در حال پیروی از افراد و صرفاً همراهی جمعیت هستند، و در حال اخلاص در اصلاح فا و تلاش‌مان برای نجات مردم دنیا هستند. و شاگردانی هستند که دوست دارند امور را تحت انحصار درآورند و وقتی قادر نیستند چیزی را به انجام برسانند آشکارا به همه نمی‌گویند. امور را با همه مطرح نمی‌کنند و امور را به طور شفاف انجام نمی‌دهند. دیگران فکر می‌کنند که آنها در حال انجام کارهای والا و خارق‌العاده‌ای هستند، در حالی که در واقع هیچ چیز اساسی‌ای را به انجام نرسانده‌اند، و به همه نمی‌گویند که زمان باارزش را تلف کرده‌اند. آنها آن شاگردانی را که واقعاً کار انجام می‌دهند از گود خارج می‌کنند.

**معلم:** درباره‌ی وضعیت استرالیا می‌دانم. وابستگی‌های بشری بعضی شاگردان هنوز کاملاً قوی است. استاد چشم‌به‌راه است که چه وقت همگی می‌توانید از "خود" قدم به بیرون بگذارید.

**پرسش:** اگر سازمان یک فرد عادی نگذارد که ما تحت نام دافا در یک رژه شرکت کنیم، آیا می‌توانیم از نام دیگری استفاده کنیم یا صرفاً باید اصلاً شرکت نکنیم؟

**معلم:** اگر مورد این است البته که نمی‌توانیم شرکت کنیم. آیا مریدان دافا برای تفریح به آنها ملحق می‌شوند؟ مریدان دافا آمدند که موجودات ذی‌شعور را نجات دهند، بنابراین [به رژه‌ها ملحق می‌شویم] تا دافا را به مردم دنیا نشان دهیم و بگذاریم که بدانند دافا اینجاست. اگر نمی‌گذارند این کار را انجام دهیم، آن وقت البته که شرکت نخواهیم کرد. اما شرکت نکردن یک راه حل نیست — چرا آنها نمی‌گذارند [از نام دافا استفاده کنیم]؟ باید بروید با آنها صحبت کنید، و می‌توانید حقیقت را روشن کنید. اگر انگیزه‌ی سیاسی در پشت آن دارند، آن وقت ما نیز می‌توانیم آن را از طریق ابزار قانونی حل و فصل نماییم؛ مهم نیست چقدر طول بکشد، آن لازم است که در سطحی بنیادی حل و فصل شود.

**پرسش:** در رابطه با رسانه‌هایی که توسط مریدان دافا اداره می‌شود، در بسیاری از مناطق آسیا آنها به سرعت آمریکای شمالی توسعه پیدا نکرده‌اند. چگونه می‌توانیم این نوع کار را بهتر انجام دهیم؟

**معلم:** صرفاً امور را بر طبق منابعی که در دسترس دارید و محیط و وضعیت کنونی‌تان انجام دهید. استاد شما را به انجام هیچ کاری مجبور نمی‌کند و نمی‌تواند آن‌اندازه به طور خاص شما را جهت‌دهی کند. در خصوص اعتباربخشی به فا، شما در حال پیمودن مسیرهای خودتان هستید، و من نمی‌توانم اینجا بنشینم و بگویم که باید به چیزهای معینی دست پیدا کنید، چراکه هر وضعیت متفاوت است. امور را بر اساس وضعیت‌تان به طور محلی انجام دهید.

**پرسش:** در طول دو سال گذشته، فقط تعداد کمی از شاگردان برای انجام تمرینات به محل تمرین می‌آمده‌اند. آیا درست است که شاگردان در خارج، همگی می‌توانند تمرینات را در خانه انجام دهند؟

**معلم:** البته که نه. در اصل، می‌دانم بزرگ‌ترین دلیل این است که شاگردان ما کار واقعی بسیار زیادی برای روشننگری حقیقت بر عهده گرفته‌اند، و به خاطر اینکه خیلی مشغول هستند وقت کمتری دارند که بیرون بیایند و تمرینات را انجام دهند. اگر مورد این است که طبیعی است. اما اگر نیست، آن وقت غیرطبیعی است. از آن شاگردانی که بیرون نمی‌آیند بیشتر جویا شوید.

*پرسش: مریدان ژاپنی در طی فعالیت‌های اخیرشان مورد مداخله قرار گرفته‌اند. باید چه کار کنیم؟*

**معلم:** ژاپن... خوب، هر جا که مشکلی پیش می‌آید، آنجا جایی است که باید بروید که حقیقت را روشن کنید. روحیه ژاپنی این‌گونه است که تا زمانی که چیزی حاصل نشده باشد دست بر نمی‌دارد. دافا به هر شکلی برای مردم خوب است، و هر جا که برای روشننگری حقیقت می‌رویم، در اصل داریم بذری خوبی (شن) را پخش می‌کنیم، عوامل بد را در آنجا پاکسازی می‌کنیم، و برای حیات‌های آنجا سعادت به همراه می‌آوریم. مردم سمتی دارند که آگاه است. در خصوص بسیاری از امور، وقتی همه افراد با همدیگر همکاری کنند، آنها بهتر پیش خواهند رفت. امیدوارم که بتوانید توجه و انرژی کمتری را روی این صرف کنید که چه کسی خوب عمل کرده و چه کسی خوب عمل نکرده است، چه کسی خوب است و چه کسی بد است، یا این و آن شخص چگونه است – تمام توجه خود و تمام انرژی خود را معطوف و صرف اعتباربخشی به فا کنید. (تسویق) وقتی همه‌تان بتوانید با همدیگر همکاری کنید و در امور مربوط به اعتباربخشی به فا خوب عمل کنید، این زمانی است که تقوای عظیم‌تان را بنا می‌کنید. وقتی در حال اظهار نظر درباره این هستید که چه کسی خوب است و چه کسی بد، خدایان به شما حتی نگاه درستی نخواهند انداخت.

البته، بعضی افراد مشکلاتی دارند و باید مورد انتقاد قرار گیرند. باید مشکل را از روی حس مسئولیتی نسبت به فا حل و فصل کنیم و این کار را با حسن نیت انجام دهیم، فا را اولین اولویت قرار دهیم، و باید از رویکرد یک انسان عادی مطلقاً اجتناب کنیم.

*پرسش: من مریدی از کره هستم. بعضی هم‌تزرکیه‌کنندگان می‌خواهند بدانند که آیا این مناسب است که بعضی از هم‌تزرکیه‌کنندگانی که رسانه‌ای را اداره می‌کنند حقوق دریافت کنند.*

**معلم:** این چیزی است که در شروع به افراد گفتم: گفتم که مریدان دافا در دایر کردن رسانه‌ها خوب عمل کردند، و اینکه شما لازم است به جامعه راه یابید، وارد چرخه مثبتی شوید، از نظر مالی مستقل شوید، درست مثل رسانه‌های معمولی شوید که قادرید حقوق پرداخت کرده و نیازهای زندگی آنان را برآورده سازید به طوری که بتوانند به طور تمام‌وقت برای آن کار کنند – که البته عالی خواهد بود – و رسانه‌های جریان اصلی شوید. اما تا زمانی که به آن نقطه رسیده و برای حقوق سرمایه داشته باشید، پرداخت حقوق با پول کمک‌شده توسط شاگردان مان مطلقاً مجاز نیست. در حالی که دیگران دارند برای دافا از خود مایه می‌گذارند، آیا شما می‌توانید برای آن در حال دریافت چیزی باشید؟ به عنوان یک مرید دافا باید صرفاً آنچه که می‌توانید در کار گذارید – خواه آن پول، تلاش، یا هر چیز دیگری باشد. اگر واقعاً بتوانید [مثل رسانه‌های دیگر] در جامعه عمل کنید، و سودآور شده و حقوق بپردازید، آن وقت حتی اگر زیاد هم نباشد، هر کسی می‌تواند سهمی را دریافت کند، و وقتی پول بیشتری وجود دارد می‌توانید مقدار بیشتری را تسهیم کنید. اگر آنگاه سودهای بیشتری داشته باشید و بتوانید به سطح حقوق رایج برسید، آنگاه استادتان برای شما خوشحال خواهد بود. پس، شرط این است که قبل از اینکه به آن نقطه برسید نمی‌توانید با استفاده از کمک‌ها از سوی شاگردان مان حقوق بپردازید.

*پرسش: پروژه روزنامه بیش از پنجاه نفر را به خود اختصاص داده است. چگونه می‌توانیم [منابع مان را] بهتر برنامه‌ریزی کنیم؟ این روی پروژه‌های دیگر تأثیر گذاشته است.*

**معلم:** لازم است که این امور را به خوبی هماهنگی کنید. روزنامه در مراحل اولیه خود است، بنابراین به کمک از سوی تعداد زیادی از افراد نیاز دارد، اما سعی کنید منابع انسانی را تلف نکنید. بیش از پنجاه نفر بسیار زیاد است، چراکه باید این امر را که هر فرد لازم است مسیر خود را بپیماید و امور دیگری را انجام دهد در نظر بگیرید. در مرحله آغازین اداره یک روزنامه، امور ممکن

است نسبتاً سخت باشند، و تعداد افرادی را طلب کند، اما تعداد بیش از حدی را درگیر نکنید. باید این چیزها را به خوبی هماهنگی کنید، چراکه روشننگری حقیقت در محیط‌های دیگر نیز مهم است.

روشننگری حقیقت به طور مستقیم و روشننگری حقیقت از طریق رسانه یکدیگر را کامل می‌کنند. نمی‌توانید فقط روی یک روش روشننگری حقیقت تکیه کنید. همان‌طور که دیده‌اید، در حال حاضر راه‌های متنوعی وجود دارد، شما به رویکردهای زیادی رسیده‌اید: اینترنت، تلویزیون، رادیو، توزیع وی‌سی‌دی، تماس تلفنی، نامه، فکس، توزیع کارهای ادبی، حقیقت را شخصاً به طور مستقیم روشن کردن، و شاگردان در چین پوستر می‌چسبانند، و البته پروژه‌هایی در حال انجام هستند که به روش‌های گوناگون، شیطان را به لرزه می‌اندازند. شما در حال استفاده از شکل‌های متعددی همراه هم هستید.

پرسش: دستیاران و هماهنگ‌کنندگان مکان‌های گوناگون در کره به طور خیلی مکرری عوض شده‌اند، و هیچ اصلی وجود ندارد که در انتصاب و عزل یک نفر دنبال شود. بسیاری از مریدانی که به طور فعالانه تزکیه اصلاح فا را انجام می‌دهند و در صفوف جلو در حال گام برداشتن هستند برداشته و جایگزین شده‌اند. بعضی افراد هم‌اکنون دوبار نصب و عزل شده‌اند. بعضی از آنهايي که اخیراً منصوب شدند فقط چند ماه پیش فا را کسب کردند، و تمام طول روز مشغول اداره امور بشری هستند. استاد، ممکن است لطفاً به من بگوئید که آیا استانداردی عمومی برای نصب و عزل‌های انجمن دافا وجود دارد؟ آیا برای رییس انجمن مناسب است که صرفاً هر طور که مایل است تصمیم‌گیری کند؟

**معلم:** در مورد این، فکر می‌کنم که به هماهنگ‌کنندگان مان در کره پیشنهادی ارائه کنم: برای اینکه شاگردان مان بتوانند به‌خوبی تزکیه کنند، و به منظور اینکه تمام شاگردان در تزکیه‌شان به بلوغ برسند، آن همه تغییر ایجاد نکنید، چراکه در اصل، شور و اشتیاق شاگردان را از بین می‌برد. چیز دیگر این است که اگر پیوسته به آن صورت در حال تعویض افراد باشید، قبل از اینکه شاگردان از طریق [تأثیر] آبدیده کردن کار دافا به بلوغ رسیده باشند در حال جایگزین کردن آنها هستید، و سپس فرد بعدی که منصوب می‌شود دوباره پیش از اینکه به بلوغ برسد جایگزین می‌شود. کار دافا با هر نوع کار بشری فرق می‌کند. شما در حال یافتن راه خود از میان آب‌های کشف‌نشده هستید. دریابید که دستیاران و هماهنگ‌کنندگان مریدان دافا در مناطق مختلف چگونه باید کار خود را انجام دهند و خود را تا بلوغ آبدیده کنند، و به آنها کمک کنید که به بلوغ برسند. روش‌های هیچ رهبر یا مأمور اداری دنیوی، مناسب تزکیه دافا نیست، بنابراین باید روش خودمان را پیدا کنیم و به همه اجازه دهیم که آبدیده شوند.

البته، اگر هماهنگ‌کنندگان واقعاً به فکر صلاح شاگردان هستند و این کار را بر اساس فا انجام می‌دهند، و سعی می‌کنند که به آن فرد کمک کنند که وابستگی‌اش به یک رهبر بودن را خارج کند، من با آن مخالفت نخواهم کرد. اما اگر مورد این نیست، آن وقت نباید آن را این‌طور که انجام می‌دهید انجام دهید. در طرف هماهنگ‌کننده، اگر شما دارید فکر می‌کنید، "من هر کسی را که به من گوش کند منصوب می‌کنم، و اگر کسی این کار را نکند او را برخواهیم داشت"، آن وقت این، بی‌مسئولیتی نسبت به دافا است، و این رویکرد درخور کار دافا نیست. یک هماهنگ‌کننده باید غالباً با شاگردان تبادل افکار کند، خودش را به عنوان یکی از شاگردان ببیند، و یک رویکرد "بیابید با هم امور را به‌خوبی انجام دهیم" داشته باشد. وقتی شاگردان به‌خوبی شما را بشناسند، کار دافا سریع‌تر و سریع‌تر به انجام خواهد رسید.

این انتقاد نیست. فقط دارم پیشنهاد می‌کنم که درباره چیزها با دیگران بحث و گفتگو کنید. پس در خصوص شاگردان مان، باید هماهنگ‌کنندگان مان را بیشتر یاری کنید. و در خصوص هماهنگ‌کنندگان مان، واقعاً باید ارتباط خود را با شاگردان مان افزایش دهید — با شاگردانی بیشتر و محدوده وسیع‌تری از شاگردان. مطمئن باشید که قیافه نوعی رهبر به خودتان نگیرید. این انتقاد نیست. صرفاً دارم کمی فوت و فن به شما می‌آموزم. (تشویق)

پس در خصوص مریدان دافای کره، بسیاری از زمان‌ها شما در اصل عالی عمل کرده‌اید، و بسیاری از مریدان دافا در آنجا به‌خوبی تزکیه کرده‌اند. هر وقت می‌بینم که خوب عمل می‌کنید، و مخصوصاً، هر وقت که به صورت کلی با هم همکاری می‌کنید و تأثیر عظیمی دارید، انبوه خدایان شما را تحسین می‌کنند. و شما نقش مهمی در روشننگری حقیقت و مخالفت با شکنجه و آزار ایفا کرده‌اید. از نقاط قوت‌تان استفاده ببرید و افکار درست مریدان دافا را به کار بگیرید، و حتی بهتر عمل کنید.

خوب عمل کردن شما به خودی خود شیطان را می ترساند. استاد امیدوار است که هماهنگ کنندگان، همه شاگردان را به خوبی هدایت کنند، و امیدوار است که مریدان دافا کامل تر به بلوغ برسند.

پرسش: می خواهم که تماماً و کاملاً در دافا جذب شوم، به طور محکم و کوشا با خلوص و پاکی پیشرفت کنم، بهترین تلاشم را در سه کار ارائه دهم، و استاد را، که با رحمت و رنج ما را نجات داده است، مأیوس نکنم.

**معلم:** اگر تمام شما این درک را داشته باشید، موفق خواهیم شد که وظایفمان را به خوبی انجام دهیم. اشاره کردید که چگونه استاد با رحمت و رنج شما را نجات داده است، ولی اگر از من بپرسید، می گویم شما هستید که خارق العاده اید، شما که تا اینجایی که امروز هستید آمده اید. (تشویق)

همین دیروز درباره چیزی صحبت کردم: آیا می دانید در ابتدا با چه نوع شاگردانی روبرو بودم؟ خواه در سرزمین اصلی چین بود یا مناطق دیگر، شاگردان بسیار زیادی بودند که، بار اولی که به سالن سخنرانی وارد می شدند، به حضار نگاه می کردم و آنها را با انواع و اقسام جهان بینی هایی می دیدم که در بین افراد عادی شکل داده بودند، به زحمت هیچ کدام از آنها افکار خودش را داشت یا می توانست به چیزها با ذهنی شفاف نگاه کند. خیلی از افراد متزلزل بودند، و حتی وقتی که می گفتند دافا عالی است از قلبشان نبود. به این، همه آن پنداشت هایی که داشتند را اضافه کنید، و بعضی افراد انواع و اقسام چی گونگ ها را یاد گرفته بودند - آن قدر زیاد که اعتیادآور شده بود. آیا آن افراد می توانستند به خدایان تزکیه کنند؟ همان طور که می توانید تصور کنید، فرسنگ ها دورتر بودند. اما اینکه امروز به اینجایی که هستید آن را رسانده اید، اینکه امروز این اندازه به انجام رسانده اید، این واقعاً با عظمت است.

البته، به عنوان استاد شما، برای چه نوع افرادی بالاترین احترام را قائم؟ در اصل، خدایان هم آن را همین طور می بینند: کسی که فکرش شفاف است - و من به افرادی که به شکل ناچیزی حيله گر یا زرنگ هستند اشاره نمی کنم، منظور من آن نیست، [درباره ای] کسی [صحبت می کنم] که افکار درست خودش را دارد، فکر خودش را دارد، با ذهن خودش فکر می کند، و توسط هیچ پیام خارجی تحت نفوذ نیست. ذهنش تار و مبهم نیست، و [مثل بعضی افرادی] نیست که وقتی دیگران می گویند چیزی خوب است، می گویند آن خوب است، و اگر دیگران بگویند چیزی بد است، می گویند که بد است، انگار که هویتی ندارند. اما امروز، چیزی که می بینم این است که همگی معقول و آرام هستید، و امور را به روشی متعادل انجام می دهید. حقیقتش، شما دیگر یکی از موجودات بشری عادی نیستید، و دیگر حتی نمی توانید که برگردید، واقعاً نمی توانید. (تشویق) تفاوت بین شما و افراد عادی بسیار بزرگ شده است.

پرسش: آیا نیروهای کهن درباره قانون ایجاد متقابل و بازدارندگی متقابل می دانند؟

**معلم:** مسلم است که می دانند. آیا نیروهای کهن جلوه های از الوهیت نیستند؟

پرسش: استاد، شما درباره این صحبت کردید که چگونه بسیاری از خدایان می خواستند که به صورت انسان بازپیدا شوند ولی پوست های بشری کافی وجود نداشت، بنابراین بسیاری از گیاهان و حیوانات، آنها هستند. از آنجا که حیوانات نمی توانند فا را کسب کنند، آیا این درست است که آنها فقط می توانند در فا جذب شوند؟

**معلم:** بله، درست است، اما پایه و اساسش این است که نگرش آنها نسبت به دافا باید مثبت باشد. در گذشته هنگامی که فا را پخش می کردم، برای مطمئن ساختن اینکه در کیهان آینده این فا هرگز ناتوان یا پژمرده نمی شود، مجبور بودم مسیر مستقیمی را بپییم، و بنابراین این قانون را گذاشتم که حیوانات نمی توانند فا را کسب کنند. مدت ها قبل نیز به این صورت بود که حیوانات مجاز نبودند فا را کسب کنند. و بعد در طول سالیان، رفته رفته همه چیز شروع به انحراف کرد، و حیوانات اجازه تزکیه یافتند، و رفته رفته حیوانات بیشتر و بیشتری تزکیه کردند. بنابراین در گذشته که در حال پخش کردن فا بودم و این را وضع کردم که حیوانات قرار نیست در دافا تزکیه کنند، وای، تمامی قلمروهای بسیار، آشوب به پا کردند. اما باز، قانون قانون است. اگر حیوانی بخواهد فا را کسب کند، می توانید به صورت یک انسان بازپیدا شوید و من به شما فرصتش را می دهم. در هر صورت،

امروز به این دنیا رسیده‌اید، و در اصلاح فا، صرف‌نظر از اینکه آیا یک حیوان هستید، یک گیاه، یا هر نوع چیزی، صرفاً به طرز برخوردتان نسبت به دافا نگاه می‌کنم. برای آنهایی که نسبت به دافا مثبت هستند، من می‌توانم همه چیز را حل و فصل کنم. معمول‌ترین حالت این است که بعد از اینکه جذب می‌شود کاری می‌کنم به هر جایی که از آن آمده است بازگردد. می‌توانم موضوع را حل و فصل کنم. حیوانات مجاز نیستند که مستقیماً در دافا تزکیه کنند، چراکه این، بی‌احترامی نسبت به دافا می‌بود.

پرسش: در این مرحله پایانی اصلاح فا، هم‌ترکیه‌کننده‌ای داریم که یکی از اعضای خانواده‌اش (که او نیز یک هم‌ترکیه‌کننده است) در حال گذر از میان از بین بردن کارما است، آن قدر شدید که نیازمند تزیقات است. در نتیجه، آنها نمی‌توانند به‌طور صاف و هموار برای اعتباربخشی به فا کار انجام دهند، و روی همدیگر تأثیر می‌گذارند. مایلیم از استاد گران‌قدر بپرسم که آیا این ناشی از مشکل خود آنان است یا ناشی از مداخله؟

**معلم:** برای تزکیه‌کنندگان، هیچ چیز اتفاقی نیست. معمولاً این به روند رشد تزکیه‌کننده مرتبط است. اگر آن یک شاگرد جدید یا فردی است که کوشا نیست، آنگاه آن وضعیت وقتی که او آزمایشی را به خوبی نمی‌گذراند پیش خواهد آمد. اما اگر در حالی که مریدان دافا در حال اعتباربخشی به فا هستند مداخله‌ای جدی مثل این اتفاق بیفتد، آنگاه باید خادمان تاریک یا اهریمنان پوسیده باشند که ما را شکنجه و آزار می‌کنند. افکار درست بفرستید که آنها را از بین ببرید. شاگردان جدید یا شاگردانی که به اندازه کافی کوشا نیستند، شما باید خودتان را در این رابطه بیشتر مورد مشاهده و بررسی قرار دهید.

پرسش: اخیراً، ائتلافی برای آزادی بیان و حقوق بشر، نشستی را در توکیو در زمینه وضعیت جاری حقوق بشر در چین و تلاش جهانی برای دادگاهی کردن جیانگ برپا کرد. فردی از انجمن فالون گونگ ژاپن سخنرانی‌ای در کنفرانس ایراد کرد، و سخنرانان دیگر شامل کسانی از تلاش جهانی آزادسازی، و ائتلاف جهانی برای دادگاهی کردن جیانگ بودند. بعضی هم‌ترکیه‌کنندگان احساس می‌کنند که این روش انجام کار کاملاً مناسب نبود.

**معلم:** نمی‌توانید به آن شکل به آن نگاه کنید. باید این امر را که افراد عادی برای حمایت از ما آمدند به رسمیت بشناسیم، و بنابراین آیا بهتر نشد که شرکت کردیم؟ آن مثل این می‌بود که مردم دنیا بخواهند به فا اعتبار ببخشند ولی ما آن را تصدیق نکنیم. ما در حال مهار کردن شکنجه و آزار و افشای آن هستیم، و وقتی افرادی عادی درگیر هستند معنی‌اش این نیست که در حال درگیر شدن در سیاست هستیم. زمانی که در حال پخش کردن فا بودم، به سازمان نگاه نمی‌کردم، و به فرم‌ها نگاه نمی‌کردم، فقط به قلب مردم نگه می‌کردم. اهمیتی ندارد چه سازمانی است، تا زمانی که جامعه تبهکاران یا یکی از آن [سازمان‌هایی] که به طور وحشتناکی فرومایه یا فاسد هستند نباشد، اگر آن برای حمایت از دافا نزدمان بیاید، باید به افراد فرصتی برای اعتباربخشی به فا بدهیم — آیا اینجا نیامدیم که تمام موجودات را نجات دهیم؟ حتی اگر افراد منفرد از آن گروه‌های واقعاً بدی که ذکر کردم باشد که قلب این را دارند که بیایند به دافا اعتبار ببخشند، آن وقت هنوز باید فرصتی برای این کار به آنها بدهید، درست است؟

ولی چیزی هست که باید در ذهن داشت: مریدان دافا مطلقاً نمی‌توانند بروند و در نوعی چیز [سیاسی] که افراد عادی گرد هم آورده‌اند شرکت کنند — تا آنجا که ربطی به فالون گونگ ندارد، نمی‌توانید در آن شرکت کنید. اما اگر افراد در حال سازماندهی چیزی برای حمایت از فالون گونگ هستند، آن وقت اگر نمی‌رفتیم درست نمی‌بود.

پرسش: در جوآن فالون نقطه تایی جی یا آبی است یا قرمز یا سیاه، اما آنچه که در بعضی مطالب، چاپ شده سفید است. آیا این اشتباه است؟

**معلم:** در اصل، می‌دانید، رنگ‌ها در بعدها کیهان — قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی، و بنفش — آنها تغییر می‌کنند. تایی جی نمادی است که نگرش دائویستی به کیهان را انعکاس می‌دهد، و بنابراین فقط می‌توانیم بگوییم که نمادی است که معرف سیستم دائویستی است. برای مثال، مدل‌های سیاه-قرمز و نیلی-قرمزی که درباره‌شان صحبت کرده‌ام فرم سیستم

دائویستی را دارند. در رابطه با جاخالی‌های تای‌جی، آن را بیشتر مورد بررسی قرار دادیم، و آن باید شفاف باشد، یعنی سفید – جاخالی‌های هر دو نوع تای‌جی، سفید هستند. در اصل، آن فقط نشانی است در شکل متجلی‌شده خود.

پرسش: فرزند من خودش را یک مرید دافا می‌نامد، و فا را دوست دارد، به دیگران درباره فا می‌گوید، و حقیقت را روشن می‌کند. اما مطالعه فا یا انجام تمرینات را برای خود جدی نمی‌گیرد. اگر او را ملزم به این کار کنم، آیا عمل نامناسبی است؟

معلم: اگر فرزند خیلی کم‌سن است نمی‌توانید او را مجبور کنید. وقتی بچه‌ای خیلی کم‌سن است از آنچه که بزرگ‌ترها انجام می‌دهند پیروی می‌کند. وقتی سنش بیشتر می‌شود و می‌تواند خودش با خواندن کتاب‌ها فا را مطالعه کند، آن وقت خودش [به تنهایی] در حال تزکیه خواهد بود.

پرسش: احساس می‌کنم که هنوز بعضی هم‌تزکیه‌کنندگان در سنگاپور هستند که اغلب درباره دافا با پنداشت‌های بشری فکر می‌کنند. (معلم: بله) چگونه می‌توانیم این مسئله را رفع کنیم؟

معلم: بله، در خصوص هر چیزی که مریدان دافا انجام می‌دهند، آنها باید آن را بر پایه فا انجام دهند و درباره چیزها بر حسب فا فکر کنند. واقعاً شاگردانی هستند که وابستگی‌های بشری‌شان بیش از حد قوی است، و عده‌ای هستند که پشت سر افراد کارهای بدی انجام داده‌اند. دارم تمام اینها را تماشا می‌کنم.

پرسش: وقتی قبل از فکر کردن به کلمه "میه" برای از بین بردن شیطان، خودم را پاکسازی می‌کنم، آیا می‌توانم به کلمه "چو" فکر کنم؟

معلم: صرفاً همان‌طور که به شما می‌گویم انجام دهید. هر چه هم به فکرتان برسد، آنچه از شما می‌خواهم انجام دهید قطعاً قدرتمندترین است. (تشویق) افکار درست بعضی شاگردان همیشه کمبود دارد، و هر وقت که باد در سرشان می‌افتد به فکر یک چیز متفاوتی می‌رسند. آن هنگامی است که توسط اهریمن‌ها استفاده خواهید شد، و شما به بیراهه رفته و مشکل خواهید داشت. آنهایی که راه را اشتباه رفتند یک‌شبه اشتباه نرفتند. به آن شکل به آهستگی شروع کردند.

پرسش: همه شاگردان هنگ کنگ به استاد درود می‌فرستند. مریدان دافا چگونه باید فعالیت‌هایی را اداره کنند که توسط افرادی عادی سازمان‌دهی شده است که مقاصد کاری سیاسی یا مقاصد دیگر دارند؟

معلم: آنچه که افراد عادی انجام می‌دهند ارتباطی با ما ندارد. اما وقتی افراد عادی توسط مخالفت با شکنجه و آزار فالون گونگ از ما حمایت می‌کنند، یا وقتی با سرکوب حقوق بشر توسط چین مخالفت می‌کنند، نمی‌توانید بگویید که ارتباطی به فالون گونگ ندارد. در هنگ کنگ، در این زمان، وقتی افراد عادی از ما دعوت می‌کنند که بخشی از اموری باشیم که مربوط به ما هستند، و اگر آن صلح‌آمیز و معقول باشد، آن وقت می‌توانیم شرکت کنیم. فقط دارم می‌گویم که هنگ کنگ می‌تواند شرکت کند. اگر ارتباطی با ما ندارد و اصلاً به ما مرتبط نیست، آن وقت نمی‌توانیم شرکت کنیم. این باید برایتان روشن باشد.

برای مثال، دفعه قبل که آنها در حال مخالفت با ماده ۲۳ بودند، وقتی آن رویداد بزرگ و پویا وجود داشت، آیا آنها آن را برای فالون گونگ انجام ندادند؟ (معلم می‌خندد) و بعد از آنکه روی داد، فعالان دموکراسی، افراد از گروه‌های اجتماعی گوناگون، افراد در دوایر سیاسی، و افراد زیادی از جریان اصلی جامعه شروع کردند که به‌دقت به فالون گونگ نظر بیندازند. و برای همین است که فکر می‌کنم عموم مردم هنگ کنگ اکنون درک روشنی از فالون گونگ دارند. البته، همان‌طور که در این گفته آمده است، "آگهی‌ای که همه جا به دیوار زده شده هنوز نمی‌تواند فرد بی‌سواد را مطلع کند"، بنابراین هنوز مطمئناً افرادی هستند که جا مانده‌اند، هنوز مطمئناً افرادی هستند که حقیقت را نمی‌دانند، و برای همین است که لازم است به انجام امور برای روشننگری حقیقت ادامه دهید.

پرسش: هنگ کنگ چگونه می‌تواند در استفاده از رسانه برای اعتباربخشی به فا نقش بهتری ایفا کند؟

**معلم:** روزنامه نیاز دارد که به تدریج در جامعه وارد چرخه مثبتی شود و یک رسانه جریان اصلی شود. رسانه‌ای که توسط مریدان دافا اداره می‌شود قطعاً رسانه جریان اصلی خواهد شد. (تسویق) نه تنها رسانه جریان اصلی می‌شود، بلکه در آینده بزرگ‌ترین رسانه دنیا خواهد بود. (تسویق) در واقع، چارچوب روزنامه‌ای که اداره می‌کنید همین حالا نیز بزرگ‌ترین است. یک رسانه در هر کشوری را در نظر بگیرید، و آن فقط کشورهای آن منطقه را پوشش می‌دهد. هر قدر هم آن کشور بزرگ باشد، هنوز فقط یک رسانه ملی است، هر چند که روزنامه‌ها می‌توانند در کشورهای دیگر توزیع شوند. و هیچ یک از آنها آن اندازه اثر و نفوذ ندارد.

در گذشته، بعضی روزنامه‌های چینی‌زبان، توزیع گسترده‌ای داشتند، اما بسیاری از آنها بعدها تطمیع شدند، و اکنون حس عدالت خود را از دست داده‌اند و جرئت نمی‌کنند حقیقت را گزارش کنند. اگر کسی بخواهد گزارش‌هایی صادقانه ببیند، ناچار است رسانه‌ای را بخواند که شما اداره می‌کنید.

# آموزش فا در کنفرانس فای ۲۰۰۴ واشنگتن دی سی

لی هنگجی، ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۴

صبح بخیر! (حضار جواب می دهند: صبح بخیر استاد!)

زمان به سرعت در حال گذر است و در یک چشم به هم زدن سالی دیگر گذشته است. در زمانی که گذشته است از وقتی که من سال گذشته در کنفرانس فای دی سی شرکت کردم، مریدان دافا و نیز موقعیت کلی اصلاح فا به مقدار بسیار زیادی متحول شده اند. و مریدان دافا درحالی که به فا اعتبار می بخشند، در ارتباط با کارهایی که باید انجام دهند، واقعاً به خوبی عمل کرده اند. وقتی به چگونگی پیش رفتن آن ها نظری بیندازید، ممکن است برایتان روشن تر و واضح تر شود که آینده ای درخشان در پیش رو قرار دارد. (تسویق)

در آینده ای نه چندان دور، آزار و شکنجه و این شکل از تزکیه که مریدان دافا دارند، به پایان می رسد. (تسویق) این «در نوع خود اولین» شکل از تزکیه، که مریدان دافا درحالی که جهان دست خوش اصلاح فا می شود، بخشی از اصلاح فا هستند، همراه با تقوای عظیم متجلی شده توسط مریدان دافا و شاه کارهای باشکوهی که تمامی کیهان را در شگفتی فرو می برد، همه آن ها بزودی به پایان می رسند. (تسویق)

بنابراین با نگاهی به موقعیت جاری، از آن جا که شما درحالی که به فا اعتبار می بخشید اهریمن را با افکار و اعمال درست پاکسازی می کنید، در این مرحله شمار موجودات اهریمنی بسیار کم است و آن ها فقط تلاش می کنند که مخفی شوند. به هر حال برای حفظ این محیط به اصطلاح "آزمایش ها" توسط اهریمن، یاوران تاریک که در سه قلمرو هستند و همان هایی که نیروهای کهن در گذشته برنامه ریزی کردند، همین طور بسیاری از خدایان که درحال ایفای نقشی منفی هستند - این آن ها هستند که به طور مستقیم آن اعمال بد را انجام می دهند. به عبارت دیگر، عوامل باقی مانده از سیستم نیروهای کهن هنوز اثراتی منفی دارند. بنابراین آن موجودات قادر به بازپرداخت تاوان مداخلاتی که [برای] اصلاح فا به وجود آوردند یا کمکی که در آسیب رساندن به اصلاح فا داشته اند نیستند و بنابراین همه آن ها، به طور حتم، در طی اصلاح فا به دور ریخته می شوند. بنابراین آن ها بخشی از موجودات بدی هستند که شما هنگامی که افکار درست می فرستید آن ها را پاک سازی می کنید. در واقع از آن ها تعداد زیادی باقی نمانده است. در این مرحله فقط حدود پنج درصد از یاوران تاریک اولیه باقی مانده اند و تعداد کمی از خدایان که در اصلاح فا نقشی منفی ایفا کرده اند، هنوز به جا مانده اند. اما آن ها هنوز در میان مکانیسم های ترتیب داده شده در گذشته توسط نیروهای کهن نقشی پلید را ایفا می کنند. بنابراین در اعتبار بخشی به فا، مهم نیست که چه وضعیتی است، هیچ یک از شما نبایستی هوشیاری و مواظبت خود را کاهش دهید و وقتی به آن چه که یک مرید دافا باید انجام دهد می رسد، باید به دادن بهترین [کمک ها] یتمان ادامه دهید. مخصوصاً زمانی که آن، رو به پایان است، برای بسیاری از شاگردان واقعاً وقت زیادی باقی نیست و این برای آن هایی که به خوبی عمل نکرده اند به طور مضاعفی چنین است - شما باید وقت را غنیمت شمرده و به خوبی عمل کنید.

هر زمان که درباره وضعیت اصلاح فا صحبت می کنم، همیشه لازم می بینم که این را اضافه کنم: این چگونگی تزکیه مریدان دافا است و هیچ کسی نباید به افراط و تفریط برود. [مطابق] با آن چه به طور عادی انجام می دهید عمل کنید. هر کاری که انجام می دهید، هنوز باید مثل معمول مشغول آن باشید. زیرا هر فکر و قصد شما و هر عمل شما، درحال اثر گذاری بر چیزهای بزرگ (اصلی) است. مهم نیست که چه چیزهای بزرگی درحال روی دادن است، وانمود کنید که هیچ اتفاقی نیفتاده و فقط طبق معمول، مشغول آن چه که یک مرید دافا باید انجام دهد باشید. این مسیری است که شما امروز درحال برگزیدن آن هستید و این



[آن میراث] تقوای عظیم شماسست که درحال به جای گذاشتن [آن] هستید. راهی که شما، مریدان دافا، برمی‌گزینید، این‌گونه است که باید همان‌طور که توسط شیوه‌تزیکیه ما دیکته شد، تزیکیه کنید و مطلقاً نمی‌تواند با تغییرات در دنیای عادی، تغییر کند.

با نگاه به کارهایی که شما به عنوان مریدان دافا در تزیکیه و اعتبار بخشی به فا انجام داده‌اید، هنوز نقایص و نقطه‌ضعف‌های زیادی دارید، و باید همه آن چیزهایی را که به آن‌ها وابسته‌اید رها کنید. وقتی که وابستگی‌ها را مطرح می‌کنم، آن‌را به شکلی افراطی مثل آن‌طور که قبلاً درک می‌کردید، درک نخواهید کرد. این مسیری که درحال برگزیدن آن هستید و شیوه‌ای که تزیکیه می‌کنید وابستگی‌ها نیستند. عقاید و تصورات خودتان و افکار منحطی که هنوز همان‌طور که به فا اعتبار می‌بخشید در بین موجودات انسانی ننگه می‌دارید، آن‌ها چیزهایی هستند که باید رها کنید. در خصوص این شیوه‌تزیکیه‌تان که این‌جا در جامعه مردم عادی است - این حقیقت که شما کار می‌کنید و درحالی که تزیکیه می‌کنید یک زندگی عادی را در میان توده‌های مردم در پیش می‌گیرید - آن، چیزی نیست که من تا کنون به شما گفته باشم که رها کنید، زیرا آن چیزی است که توسط مسیر تزیکیه شما تعیین می‌شود.

در طول آزار و اذیت چند سال گذشته شما تقوای عظیم مریدان دافا را به نمایش گذاشتید، اما در طول مسیر، نقایص بسیار زیادی نمایان شدند. اما در روند اعتبار بخشی به فا اکثریت وسیعی از مریدان دافا درحالی که تزیکیه می‌کردند و به فا اعتبار می‌بخشیدند آن نقایص را بر طرف کردند و این قابل تحسین است. افراد عادی قادر به رها کردن چیزهای انسانی نیستند. اما تزیکیه کردن، شما می‌دانید، که این از عادی بودن متفاوت است. فردی عادی فقط به‌خاطر جستجوی چیزهایی که مردم عادی می‌خواهند، زندگی می‌کند. مریدان دافا به آن چیزها وابسته نیستند. شما اهداف تزیکیه روشنی دارید و به آن‌چه که درحال انجام آن هستید آگاهید. درحالی که به فا اعتبار می‌بخشید، بسیاری از کارهایی که انجام می‌دهید، همانند آن‌چه که مردم عادی انجام می‌دهند به نظر می‌رسد و این دلیل آن است که چرا تعدادی از مردم می‌گویند که به نظر می‌رسد که ما سیاسی باشیم، یا این که درحال سازماندهی نوعی جنبش اجتماعی هستیم. خوب، موجودات انسانی این‌گونه هستند. در طی این دوره از زمان، قطعاً [این‌طور نخواهد بود که] میلیون‌ها خدا در دنیای انسانی کارهایی فوق طبیعی انجام دهند، و مریدان دافا به‌طور حتم با شیوه‌های تمام عیار خدایی، از بخش خدایی‌شان برای انجام کارهای خدایی در گستره‌ای وسیع، درمقابل توده مردم در دنیای انسانی استفاده نمی‌کنند. مریدان دافا درحال به‌کارگیری شیوه‌های مردم عادی برای اعتبار بخشی به فا هستند. آن‌ها درگیر "سیاست‌های" مردم عادی نشده‌اند. در به‌کارگیری بسیاری از شیوه‌های مردم عادی که برای اعتبار بخشی به فا سودمند هستند، هیچ اشکالی وجود ندارد.

امروز با رسیدن به این مرحله، مریدان دافا درحال حاضر باید حتی خوش‌فکرتر باشند. مریدان دافا برخی از سیاست‌مداران مردم عادی نیستند - شما بسیاری از توانایی‌های مردم عادی را دارا هستید اما در تلاش برای کسب هیچ چیزی از مردم عادی نیستید. تزیکیه یک مرید دافا به‌منظور رسیدن به کمال در طی روند اعتبار بخشی به فا است. اما به عنوان مریدان دافا، شما همچنین درحال نجات همه موجودات هستید، می‌گذارید موجودات بیشتری در طی اصلاح فا نجات یابند و حفظ شوند.

در گذشته اغلب می‌گفتم که هیچ‌یک از افراد در جامعه انسانی [پیشینه‌ای] ساده‌ای ندارند. در طی روند تاریخ، خدایان دوره‌های مختلف، افرادی از دوره‌های متفاوت را خلق کردند و شکل ظاهری گونه‌های مختلف بشری درواقع نمادی از خدایان مختلف هستند. آن‌چه که آن‌ها خلق کردند، شکل فیزیکی نوع انسان در سه قلمرو بود، که به عنوان "لایه سطحی پوسته بشری" شناخته می‌شود. وقتی به امروز رسیدیم و مخصوصاً وقتی که من با فا به نزد عموم رفتم، خدایان بی‌شماری پایین آمدند و به عنوان انسان بازپیدا شدند. آن‌چه که در بدن بسیاری از مردم عادی وجود دارد دیگر روحی از زمانی که خدایان انسان را خلق کردند نیست، زیرا در آن زمان روح انسان از ماده درون سه قلمرو خلق شد درحالی که حالا روح بسیاری از افراد، از سطوح بالایی آمدند. و چرا آمدند؟ همان‌طور که قبلاً به شما گفتم، در حقیقت، هیچ چیزی در این جهان، اتفاقی نیست. هر موجود و هر شیئی برای دافا آمد، به‌خاطر دافا شکل گرفت و برای دافا خلق شد و این شامل همه مردم می‌شود. همه آن‌چه در تاریخ سه قلمرو اتفاق افتاده است به‌خاطر دافا به‌وجود آمد. خواه همه خدایان در تاریخ باشند که برای نجات انسان‌ها پایین آمدند، همه شخصیت‌های حماسی که در هر ملیتی پدیدار شدند، یا تمام فرهنگ‌های مختلفی که در تاریخ ظاهر شدند، همه آن‌ها به‌خاطر

تجلی نهایی دافا در میان نوع بشر امروزی آمدند. اما برای آن هدف، فرهنگی برای فهم دافا در بین موجودات انسانی بنیان نهاده شد و ویژگی‌های فرهنگ‌های مختلف خلق شد، همان‌طور که شیوه‌های فرهنگ‌های مختلف خلق شد. به طریق دیگری بیان کنیم، روند، از زمان آغاز سه قلمرو و نوع بشر، روند بنیان نهادن شیوه‌های تفکر موجودات انسانی، بنیان نهادن رفتار موجودات انسانی، بنیان نهادن اصولی برای موجودات انسانی و بنیان نهادن آن چیزی که به مردم اجازه دهد در نهایت این‌ها را درک کنند، با این‌ها ترکیه کنند، درک کنند که باید تزکیه کنند، و مریدان دافا شوند، و بگذارند توده‌های موجودات در طی اصلاح‌ها نجات یابند، بوده است. تمام این‌ها در طول تاریخ برای این لحظه نهایی کیهان در حال شکل‌گیری بود. در حقیقت، وقتی موجودات روشن‌بین بزرگ بسیار زیادی در تاریخ، هم‌چون ساکيامونی، لائو‌تزی و مسیح، در حال نجات مردم بودند، راه را عرضه می‌کردند، کارهای خوب انجام می‌دادند و به‌جای انسان زجر می‌کشیدند، می‌توانم به شما بگویم، هدف راستین آن‌ها بنیان نهادن فرهنگی برای اصلاح‌ها بود.

تاریخ طولانی کیهان آماده‌سازی کاملی را برای اصلاح‌ها مهیا کرده است و سه قلمرو برای اصلاح‌ها ساخته و خلق شد و رشد و پیشرفت کرده است. بنابراین تمامی موجودات در آن دوره تاریخی برای اصلاح‌ها وجود داشته و آمده‌اند. به عبارت دیگر، در طی دوره طولانی و به درازا کشیده شده تاریخ، بدون توجه به این‌که چه تعداد موجود پدید آمده‌اند یا چه تعداد هنوز امروز در دنیا وجود دارند، همه آن‌ها برای این‌ها آمدند و همه به‌خاطر این‌ها متولد و خلق شدند. و این‌ها حتی شامل آن موجوداتی می‌شود که توسط نیروهای کهن برنامه‌ریزی شدند و اثری منفی دارند. در گذشته نیروهای کهن از این‌ها برای آن‌ها برنامه‌ریزی کردند تا نقشی منفی داشته باشند به‌طوری‌که بتوانند به کمال برسند. زیرا نیروهای کهن، بر طبق افکار و عقایدشان فکر کردند که آن‌هایی که نقشی منفی را ایفا می‌کنند، برای کسانی که نقشی مثبت ایفا می‌کنند این امکان را فراهم می‌کنند تا به کمال برسند. اگر این فقط در ارتباط با تزکیه در یک دوره زمانی عادی بود، آن وقت حداقل در یک قلمرو خاص نمی‌توانستید بگویید که منطقی آن‌ها اشتباه بود. اما زمانی که اصلاح‌های افلاک بی‌شماری در حال روی‌دادن است، پس با اصلاح‌ها تداخل ایجاد می‌کند و این اشتباه است و باعث اختلال شدیدی شده است. همه آن‌چه که تا پایان ادامه داده‌اند، اهریمنانی بوده‌اند که تلاش می‌کنند اصلاح‌ها و آینده را هدایت کنند. و این آن چیزی است که گناه نیروهای کهن را در برابر اصلاح‌ها، به بزرگترین گناه تبدیل می‌کند.

اما علی‌رغم آن، همه موجودات برای این‌ها آمدند، بنابراین آن‌ها باید جذب‌ها شوند و با آن‌ها به‌طور مثبتی هماهنگ شوند و نمی‌توانند چیزهایی را به‌جا یا به آینده تحمیل کنند. موجودات بسیار زیادی وجود دارند که در این روند، همان‌طور که نیروهای کهن برنامه‌ریزی کردند برای داشتن اثری منفی در نظر گرفته شدند. اما اثری منفی ندارند، که بدین مفهوم است که هنوز می‌توانند نجات یابند. وقتی حقیقت را آشکار می‌کنید و هنگامی که مریدان دافا در حال انجام کارهایی هستند که قرار است در حال انجام آن‌ها باشند، بگذارید به شما بگویم، بخش عظیمی از آن [این‌طور] است که شما آن‌ها را نجات می‌دهید.

همان‌طور که مشاهده کرده‌اید، استاد شما هیچ چیزی به افراد عادی اخیر نگفته است و من شخصاً برای نجات مردم عادی، دیگر هیچ کاری انجام نمی‌دهم و حتی وقتی به کارهایی که مریدان دافا انجام می‌دهند می‌رسد، من به‌ندرت درگیر شدم. شاید شما در مورد این‌که چرا این‌طور است روشن هستید: می‌خواهم برای شما فرصت بنیان نهادن تقوای عظیم را به‌جا بگذارم. اگر امروز شما را در انجام کارها هدایت می‌کردم، آن وقت آن کار توسط شما انجام نمی‌شد و بدین طریق شما فرصت را برای بنیان نهادن تقوای عظیم از دست می‌دادید. در عین حال، به عنوان یک مرید دافا و موجود روشن‌بین باشکوه آینده، هنگامی که موجودات را نجات می‌دهید، باید تماماً شکوه‌تان، نیکخواهی‌تان و عظمت خود را نشان دهید. این دلیل آن است که چرا می‌خواهم به شما فرصت‌های زیادی برای نجات مردم دنیا، نجات همه موجودات بدهم و بگذارم که آن کارهایی را که قرار است انجام دهید، انجام دهید. در واقع، در آینده خواهید دید که خواه مسیح، ساکيامونی یا موجودات روشن‌بین بزرگ دیگری در تاریخ بود، هیچ تفاوتی بین آن‌چه که آن‌ها انجام دادند و آن‌چه که شما امروز در حال انجام آن هستید وجود ندارد. فقط یک فرق در شکل وجود دارد. بنابراین شما باید در این باره روشن باشید و در ارتباط با آن‌چه که برایتان در نظر گرفته شده که انجام دهید به‌خوبی عمل کنید.

این، دافا - یک چنین قانون عظیمی - و اصلاح فا - یک چنین رویداد بزرگی است. آن به تنهایی شما را به مکانی سر به فلک کشیده بالا می‌کشد. و بیشتر این‌که، هر کاری را که در اصلاح فا انجام می‌دهید مطمئناً باشکوه‌ترین است، زیرا حتی تاریخ به‌خاطر آن خلق شد. بنابراین شما باید بهترین تلاش‌تان را بکنید تا در ارتباط با کارهایی که یک مرید دافا باید انجام دهد، به‌خوبی عمل نمایید و هر کار منفردی حداکثر اهمیت را دارد. از شما خواسته‌ام که سه کار را به‌خوبی انجام دهید. شما باید سه کار را به‌خوبی انجام دهید. شما باید آن کارها را در تمام مسیر تا آن‌جا که به کمال برسید به‌خوبی انجام دهید. تقوای عظیم شما و هر چیزی از آینده شما از آن کارها بدست می‌آید.

در خصوص برخی از نقایص و نقاط ضعفی که هنوز وجود دارد، در حقیقت شما باید قادر باشید آن‌ها را با وضوح بیشتری ببینید. بیشتر اوقات، متوجه می‌شوم که وقتی چیزهای خاصی را مورد بحث قرار می‌دهید، هنوز مشکل وابسته بودن به بخش بشری‌تان را دارید و درباره چیزهایی که نمی‌توانید بهبود دهید بحث می‌کنید که پس از آن، بحث کارهای اصلی اعتبار بخشی به فا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. من دیده‌ام که آن‌ها وابستگی‌هایی هستند که در میان مردم عادی شکل گرفتند و تصورات و عقایدی هستند که نمی‌توانید رها کنید، و آن، چیزهایی است که در میان مردم عادی شکل گرفتند که به محض این‌که به آن‌ها ضربه زده شود شعله‌ور می‌شوند. اما نمی‌توانید آن طور باشید. هر آن‌چه را که برای دافا انجام می‌دهید، نباید آن‌ها را با تصورات و عقاید خودتان انجام دهید. من این را بارها می‌گویم، اما بیشتر افراد طبق معمول به خودشان زحمت نمی‌دهند که درباره آن ببینند یا به آن توجه کافی نمی‌کنند.

هنوز چیزهای بسیاری وجود دارند که آن‌ها را به‌خوبی اداره نکرده‌اید، اما در حقیقت، در این مرحله نمی‌خواهم بیشتر از این درباره آن‌ها صحبت کنم، زیرا هرگاه به چیزهایی اشاره کنم، بخشی که شما تزکیه می‌کنید ناپدید می‌شود. با گذر از آزمون سخت [آزار و اذیت]، مریدان دافا باید خوش‌فکرتر و منطقی‌تر باشند و باید حتی نسبت به این‌که چگونه تزکیه کنند و چگونه عمل کنند روشن‌تر باشند. با وجود بسیاری از مشکلات، اگر در میان چیزها به آرامی فکر کنید، خودتان می‌توانید آن‌ها را تشخیص دهید. و یک‌بار که درک کرده‌اید که آن‌ها چیستند، باید آن‌ها را اصلاح کرده و اجازه ندهید دوباره اتفاق بیفتند.

نمی‌خواستم امروز زیاد صحبت کنم. این بار در نظر داشتم که در ارتباط با برخی از کارها با تعدادی از شاگردان بخصوصی صحبت کنم، اما بسیاری از شاگردان در خیلی از کنفرانس‌ها استاد را ندیدند و کمی ناامید شدند. فکر می‌کنم که با فا که این‌جا است، شما باید همگی مصمم به تزکیه کردن شوید. و این همچنین در مورد شاگردان سرزمین چین صدق می‌کند. در محیطی که تلاش می‌کنند و بدون این‌که شخصاً استاد را ببینند، هنوز بسیار خوب تزکیه کرده‌اند و چنین کار فوق‌العاده‌ای را انجام داده‌اند. وقتی که مرا می‌بینید، فقط این بخش از مرا که به عنوان موجود انسانی عادی تجلی می‌یابد می‌بینید. (معلم می‌خندند) این‌که بتوانید مرا ببینید یا نه، امیدوارم در ارتباط با خوب انجام دادن آن کارهایی که مریدان دافا باید انجام دهند، تأثیر نگذارد و شما باید حتی بهتر عمل نمایید. در حقیقت، وقتی نمی‌توانید مرا ببینید و هنوز ترتیب می‌دهید بهتر عمل نمایید، پس این حتی بیشتر درخور تحسین است.

در واقع من هم دوست دارم شما را ببینم. شما می‌دانید، در این دنیای اجتماع مردم عادی، افرادی که با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنید، می‌دانید، همگی معمولی هستند. تحمل کردن همه آن افکار و رفتارهای بشری معمولی برای من سخت است. من از بودن با شما لذت می‌برم، زیرا شما اکنون از قلمرو افراد معمولی بسیار دور هستید. اما به‌خاطر کمال‌تان، بهتر است که زیاد شما را نبینم. (معلم می‌خندند) دلیل این‌که اغلب شما را ملاقات نکرده‌ام این است. به‌طور خلاصه، می‌خواهم برای شما فرصتی برای بنیان نهادن تقوای عظیم به‌جای بگذارم.

در ارتباط با تمامی کارهایی که باید انجام دهید به‌خوبی عمل نمایید. تمامی باشکوه‌ترین، شگفت‌انگیزترین عظمت و افتخار آینده در انتظار شماست.

برای امروز در این‌جا به پایان می‌رسانم. (تشویق)

---

<sup>[۱]</sup> یادداشت مترجم: این سؤال در اشاره به تغییراتی است که معلم اخیراً برای متن چینی پیشنهاد کرده‌اند. نوشتار ژاپنی از حروف بسیاری استفاده می‌کند که از چین سرچشمه می‌گیرند.

<sup>[۲]</sup> یادداشت مترجم: این عبارت در جایی دیگر به صورت "حالت‌های دست" یا "وضعیت‌های دست" ترجمه شده است.

<sup>[۳]</sup> یادداشت مترجم: کلمهٔ مشابهی است که به معنی "خلاص شدن"، "از بین بردن"، یا "از میان برداشتن" است.